

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بلندای فقه شیعه

جلد سوم

(مقایسه و بررسی تطبیقی دو اندیشه‌ی فقهی شیعه)

حضرت آیت الله العظمیٰ سید محمد باقر سید خوانساری (مدظله العالی)

سرشناسه: نکونام، محمدرضا، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور: بلندای فقه شیعه، مقایسه و بررسی تطبیقی
دو اندیشه‌ی فقهی شیعه / محمدرضا نکونام.
مشخصات نشر: اسلام‌شهر، صبح فردا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.
شابک: ج ۳: ۲-۲-۰۲ - ۶۴۳۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک دوره: ۱-۰۹ - ۶۴۳۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: فقه شیعه.
موضوع: فقه جعفری -- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره: ۸ ب ۷۴ / ن ۷ / ۱۶۹ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۲۴
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۹۷۹۸۹

بلندای فقه شیعه - جلد سوم

حضرت آیت‌الله العظمی محمدرضا نکونام (مد ظله العالی)



ناشر: صبح فردا

محل چاپ: نقش‌گستر

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰

تهران - اسلام‌شهر - نسیم‌شهر - وجیه‌آباد

دوازده‌متری جواهرزاده - پلاک ۳۶

کدپستی: ۳۷۶۹۱۳۸۵۷۵ * تلفکس: ۰۲۲۹ ۴۳۶ ۳۴ ۸۱

www.nekoonam.com www.nekounam.ir

ISBN : 978 - 600 - 6435 - 02 - 2

شابک دوره: 1 - 09 - 6435 - 600 - 978

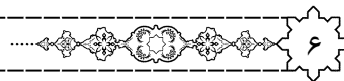
حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

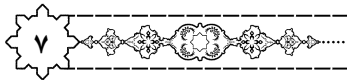
بخش چهارم

عبادت‌های موسمی (روزه و حج)

روزه	۱۱
رؤیت هلال و موارد ثبوت اول ماه	۱۱
باطل کننده‌های روزه	۱۶
باطل کردن روزه با حرام	۲۱
احکام جنب در ماه رمضان	۲۲
جنب کردن خود در شب ماه رمضان برای صاحب عذر نسبت به غسل	۲۲
قضای روزه	۲۴
بلوغ دختر	۲۴
انجام سهوی باطل کننده‌ی روزه	۲۵
کفاره‌ی روزه	۲۵
کافی بودن اطعام یک فقیر	۲۶
کفاره دانستن ولیمه‌ای که به فقرا داده می‌شود	۲۷
دادن پول به جای گندم در کفاره‌ی مدّ	۲۸
دادن قیمت گندم در کفاره‌ی مدّ	۳۰
روزه‌ی مسافر	۳۴
مراجعت روزه‌دار به وطن	۳۴
بیرون آمدن از منزل و شهر پیش از ظهر شرعی	۳۵



۳۶ ملاک ظهر شرعی
۳۸ قصد رفتن به مسیر فرعی که مسافت شرعی را تکمیل می‌کند
۳۸ روزهی نذری یا مستحبی در سفر
۳۹ احکام روزه نذری
۳۹ درگذشت بیمار یا مسافر
۴۰ روزه در مورد ترس از ضرر
۴۱ روزهی بیمار
۴۱ بهبودی بیمار پیش از ظهر و ادامه دادن به روزه
۴۲ تأخیر عمل جراحی در صورت روزه گرفتن
۴۲ روزهی دارای مشقت یا ضرر
۴۵ روزه گرفتن کارکنان نانوائی
۴۶ روزهی پیرمرد و پیرزن
۴۸ روزه گرفتن معتاد مریض
۴۸ داروی جلوگیری
۵۰ دیگر مسایل روزه
۵۰ غذا بردن مستخدم برای کارفرمای روزه‌خوار
۵۰ فروش خوراکی به اشخاص غیر روزه‌دار
۵۳ مناسک حج
۵۳ استطاعت
۶۰ فروش کتاب برای تأمین هزینه‌ی حج
۶۰ رفتن به حج پیش از پرداخت بدهی
۶۳ درخواست مهریه برای استطاعت یافتن بر حج
۶۳ تحصیل استطاعت با قرض ربوی
۷۱ نیابت حج
۸۱ اجرت مسمای راه پیموده شده



۸۶	حج به نیابت از امام زمان <small>علیه السلام</small>
۸۶	میقات
۸۹	نیت احرام
۹۰	تلبیه
۹۲	احرام
۱۰۶	طواف
۱۳۱	نماز طواف
۱۳۵	سعی
۱۳۸	تقصیر و حلق
۱۴۴	وقوف به مشعر
۱۴۵	رمی
۱۵۱	قربانی
۱۵۶	بیتوته در منی
۱۵۷	دیگر مسایل حج

بخش چهارم

عبادت‌های موسمی



(روزه و حج)

روزه

□ رؤیت هلال و موارد ثبوت اول ماه

س ۸۱۳- اگر در بخشی از پاکستان هلال شوال دیده شود و به طریق شرعی ثابت گردد، آیا لازم است همه‌ی مردم پاکستان آن روز را عید قرار دهند؛ یعنی در رؤیت هلال و ثابت شدن اول ماه، اتحاد افق لازم است یا نه؟

ج- رؤیت هلال شوال در قسمت مشرق زمین برای مغرب زمین حجت است و در مغرب زمین اگر رؤیت شود، برای مشرق زمین حجت نیست، مگر آن که قریب الافق باشند.



س ۸۱۴- اگر رؤیت هلال در شهری ثابت شود، آیا برای شهرهای دیگر؛ هر کجا که باشد؛ با آن که افق شهرها گاه ساعت‌ها اختلاف دارد، کفایت می‌کند یا نه، و آیا توافق افق لازم است یا خیر؟

«گلبایگانی»: اگر متوافق در افق باشند؛ به طوری که اگر در شهری دیده شود در شهر دیگر نیز قابل رؤیت باشد، بی‌اشکال کافی است، و اما کفایت رؤیت در یک مکان برای تمامی اماکن، معنای صحیح آن این است که رؤیت هلال در یک مکان برای اماکنی که بعد از آن روز می‌شود؛ چه در افق موافق باشند چه مختلف، کافی است و در شهرهایی که حین رؤیت هلال در اماکن دیگر روز باشد، رؤیت هلال برای آن جاها که در آن حین

روز بوده کافی نیست، بلکه روز بعد در آن‌گونه جاها روز اول ماه است و این معنا را حقیر هم قبلاً بعید ندانسته‌ام، مع ذلک احتیاط باید رعایت شود، مگر در بلادی که بعد از رؤیت هلال در جایی شب می‌شود که قطعاً کافی است؛ هرچند قریب الافق نباشند.

* * *

«نکونام»: اگر در شهری آغاز ماه دانسته شود، برای مردم شهر دیگر کارآمد نیست؛ مگر این‌که آن دو شهر با هم نزدیک باشند یا افق آن‌ها یکی باشد یا در شهری که ماه دیده شده است، آفتاب زودتر از شهر دیگر غروب کند و آن شهر در شرق این شهر باشد. منظور از یکی بودن افق آن است که اگر ماه در یک شهر دیده شود، در شهر دوم نیز - اگر مانعی مانند ابر نباشد - دیده می‌شود و هم افق بودن در جایی است که شهر دوم در غرب شهر نخست یا شمال یا جنوب آن باشد و در عرض به هم نزدیک باشد و اگر در شرق آن بود، گذشته از نزدیکی در عرض، از طول نیز بیش از ۸۸۰ کیلومتر دورتر نباشد.

□ □ □ □

س ۸۱۵ - در سال‌هایی که ماه رمضان سلخ ندارد و بیست و نه روز می‌باشد، در بعضی از مناطق، شب اول شوال، هلال رؤیت نمی‌شود و ساکنان آن‌جا نیز به شهر دسترسی ندارند تا از آن خبر گیرند، آیا در این صورت، به خبر منجم و اخبار رادیو می‌توانند اکتفا کنند یا نه؟ در ضمن، برخی خبر آنان را برای خود علم آور می‌دانند، و بنابراین، آیا می‌تواند دلیل شرعی برای جواز افطار و اثبات عید قرار گیرد یا نه؟

ج - در صورت حصول علم یا اطمینان که در نظر عرف، علم محسوب می‌شود اشکال ندارد و در غیر این صورت، بفرستند به شهر و استفسار نمایند و با عدم تمکن، استصحاب کنند.

□ □ □ □

س ۸۱۶ - در کتاب الوسائل کتاب صوم در باب سوم؛ باب «ان علامة شهر رمضان وغيره رؤية الهلال فلا يجب الصوم إلا للرؤية أو مضي ثلاثين، ولا يجوز الإفطار في آخره إلا للرؤية أو مضي ثلاثين، وأنه يجب العمل في ذلك باليقين دون الظن»، بیست و هشت حدیث به همین مضمون آمده است که مدلول همه‌ی این روایات این است که روزه‌ی ماه رمضان واجب نمی‌شود، مگر به یقین به ماه رمضان و بنابراین، اگر در شهر دوری هلال رؤیت شود، برای مردم دیگر شهرها یقین حاصل نمی‌شود که در شهر آنان نیز هلال طلوع کرده باشد و وجوه استحسانی که بعضی از بزرگان در رساله‌ی عملیه بیان کرده‌اند اجتهاد در مقابل نص است، و در برابر این همه اخبار متواتر، چطور می‌شود فتوا داد که اگر در یکی از شهرهای دور، رؤیت هلال شود برای مردم دیگر شهرها کفایت می‌کند؟

ج - لا إشكال ولا نزاع في أنه لا يجب الصوم إلا بعد رؤية هلال شهر الصيام، أو مضي ثلاثين يوماً من شعبان، ولا يجب بل لا يجوز الإفطار إلا بعد رؤية هلال شوال، كما في الروايات الكثيرة أو مضي ثلاثين من شهر رمضان، إنما الكلام في أن الرؤية الموجبة للصوم في أول الشهر والموجبة للإفطار في آخره هل هي الرؤية في كل بلد بالنسبة إلى أهله بحيث لو رأينا الهلال في قم مثلاً لا يكفي لسائر البلاد؛ توافق أفقها أم تخالف، أم يكفي الرؤية في بلد لموافقته في الأفق ومتضاربه دون غيرهما كما اختاره في العروة، أو يكفي الرؤية في بلد لما توافق أو تضارب معه في الأفق، ولكل بلد يكون بالنسبة إلى بلد الرؤية غريباً كما اختاره جمع من الأعاظم، أو يكفي الرؤية في بلد له ولكل بلد وإن تخالف أفقه مع أفق بلد الرؤية كما اختاره العلامة في بعض كتبه وبعض آخر على ما هو ببالي وأصر عليه في المستند، والمقصود من هذا القول أن الهلال إذا خرج من تحت الشعاع وصار قابلاً للرؤية وراه الناس في آخر شعبان فهذه علامة خروج شعبان ودخول رمضان، ففي كل بلد تكون هذه الساعة ليلاً تكون هذه الليلة رمضان، وفي كل بلد تطلع الشمس بعد هذه الساعة يكون ذلك اليوم يوم

رمضان، وصاحب هذا القول حمل أخبار الرؤية على الرؤية في مكان ما في العالم دون رؤية نفس المكلف أو بلده، هذا في مرحلة الثبوت، وأما في مرحلة الإثبات، ففي جميع الأقوال يحتاج إلى حصول اليقين أو قيام أمانة معتبرة شرعاً، وبدونها لا يحكم بوجوب الصوم أو الإفطار، ولعل ما أخرجه الوسائل في باب من أحكام شهر رمضان حديث تدل على ذلك؛ لأنّ السائل سئل عن قول أهل الحساب برؤية الهلال في الاندلس والافريقيا، فيجيب عليه بأنه لا صوم مع الشك، ولا يجيب بأنّ الرؤية في البلاد البعيدة لا تكفي، وكذا ما أخرجه في حديث ۲ من قوله عليه السلام: فإن شهد أهل بلد آخر فاقضه، فإنه مطلق يشمل البلاد البعيدة، والله سبحانه وتعالى هو العالم.

- اشکال و اختلافی نیست که روزه واجب نمی شود مگر این که هلال ماه رؤیت شود یا سی روز از ماه شعبان بگذرد و هم چنین واجب نیست بلکه جایز نیست روزهی ماه رمضان خورده شود مگر این که هلال ماه شوال دیده شود چنان که در روایات بسیاری آمده است یا سی روز از ماه رمضان بگذرد، اما سخن در این است که آیا رؤیتی که روزهی ماه رمضان را در ابتدای آن واجب می کند یا سبب افطار در آخر آن می شود رؤیت در هر شهر و منطقه ای برای اهل همان است به گونه ای که برای نمونه، اگر ماه در قم دیده شود، برای دیگر مناطق کافی نیست؛ خواه در افق با هم هماهنگ و هم افق باشند یا چنین نباشند، بلکه دیدن ماه در مکانی برای همه ی مکان هایی که با آن هم افق است و در یک عرض جغرافیایی قرار دارد کافی است؛ خواه در شرق آن باشد یا در غرب آن، اما برای مکان هایی که با آن هم افق نیست و در یک عرض جغرافیایی قرار ندارد کفایت نمی کند یا این که دیدن ماه در یک مکان برای همه ی مکان هایی که با آن هم افق و در غرب آن قرار دارد بسنده است و نه برای مناطقی که در شرق آن قرار دارد یا دیدن آن در یک مکان برای همه ی مناطق کفایت می کند؛ خواه با آن هم افق باشد یا نباشد و در غرب آن باشد یا در شرق آن

و کسی که این دیدگاه را دارد روایات رؤیت را به رؤیت ماه در منطقه‌ای از زمین تفسیر کرده است و رؤیت شخص یا افراد منطقه‌ی وی را معیار نمی‌داند، این بحث در مرتبه‌ی ثبوت است اما در مرتبه‌ی اثبات و واقع باید گفت بنا بر همه‌ی نظرگاه‌های یاد شده، به دست آوردن یقین یا اقامه‌ی امارهای معتبر و شرعی لازم است و بدون آن نمی‌توان به وجوب روزه یا افطار حکم نمود، و شاید روایتی که صاحب وسائل آن را در باب «احکام شهر رمضان» آورده است بر آن دلالت کند؛ زیرا پرسش‌گر از دیدن ماه در اندلس و آقریقا بر اساس گفته‌ی اهل حساب می‌پرسد و امام علیه السلام به وی پاسخ می‌دهند: با وجود شک نمی‌توان روزه گرفت و امام نمی‌فرماید دیدن ماه در شهرها و سرزمین‌های دوردست کفایت نمی‌کند و همین گونه است روایت دوم که می‌فرماید اگر مردم جاهای دیگر آن را مشاهده کردند پس آن را بجا آر؛ زیرا این روایت مطلق است و شامل مناطق دوردست نیز می‌شود.



س ۸۱۷ - در تعیین اول ماه رمضان و شوال و محرم، اگر طریقی نباشد که قابل اعتماد باشد، چه باید کرد؟

ج - اگر اطمینان حاصل نشود اول ماه رمضان را پس از گذشتن سی روز از رؤیت هلال شعبان و اول ماه شوال را پس از گذشتن سی روز از رؤیت هلال رمضان و اول محرم و ماه‌های دیگر را نیز پس از گذشتن سی روز از رؤیت هلال ماه قبل، قرار دهند.



س ۸۱۸ - اگر شخصی به اشتها این که روز عید فطر است روزه‌ی خود را افطار نماید و پس از رؤیت ماه در شب اول با قراین و نشانه‌هایی یقین کند که روز گذشته، ماه مبارک رمضان بوده، تکلیف او چیست؟ آیا قضا و کفاره دارد یا فقط قضا بر او واجب است؟

ج - در فرض سؤال، اگر از شهرت رؤیت هلال علم حاصل کند که مثلاً

امروز عید فطر است و افطار کند و بعد هم علم پیدا کند که روز عید نبوده، باید آن روز را قضا نماید و کفاره ندارد و اگر از شهرت، علم حاصل نکرده و افطار نموده و بعد علم به خلاف حاصل کند، باید علاوه بر قضا، کفاره نیز بدهد.

□ □ □ □

س ۸۱۹- اگر حاکم شرع به ثبوت اول ماه حکم نکند ولی یقین شود که وی روزهی خود را افطار نموده چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که از ثبوت نزد حاکم و علم حاکم علم پیدا کرده که اول شوال است و افطار کرده و بعد کشف خلاف شده، فقط قضا دارد.

□ □ □ □

س ۸۲۰- اگر به حکم حاکم شرع، روزهی خود را افطار نماید، تکلیف وی چیست؟
ج - به نظر این جانب، حکم حاکم نافذ است و قضا و کفاره ندارد، مگر آن که بعد، علم به خطای مستند حاکم حاصل کند که در این صورت، فقط قضا دارد.

□ □ □ □

س ۸۲۱ - آیا می شود به علم موسمیات و هواشناسی در تعیین وقت و اول ماه اعتماد کرد یا نه؟

«گلیپگانی»: اگر سبب اطمینان شود و استفسار ممکن نباشد، جایز است، مع ذلک رعایت احتیاط خوب است.

* * *

«نکونام»: در صورتی که انجام کار خلافی مشاهده نشود، اشکال ندارد.

□ □ □ □

□ باطل کننده های روزه

س ۸۲۲ - سیدنا ما تقول في هذه المسألة: إذا كان رجل صائم يدرس القرآن غلطاً، وعدة من الصائمين حاضرون يستمعون كلامه، فهل يبطل صومه وصوم

المستمین أم لا؟

- اگر روزه‌داری قرآن کریم را به اشتباه به دیگری آموزش دهد و عده‌ای از روزه‌داران کلام وی را بشنوند، آیا روزه‌ی وی و شنوندگان حاضر باطل می‌شود یا خیر؟

«گلبایگانی»: «أما القاريء إذا أخبر بأن ما قرءه قران وقرء غلطاً عمدأ وعلمأ يبطل صومه، وأما إذا قرء غلطاً من دون أن يخبر بأن هذا قران، فبطلان صومه محلل إشكال، ولا يترك الاحتياط بتركه، وأما إذا قرء غلطاً بزعم الصحّة فلا يبطل صومه، وأما المستمعون فلا يبطل صومهم إلا إذا أخبروا بأن ما قرأت قران مع علمهم بأنّه غلط.

- قاری قرآن اگر بگوید آنچه می‌خوانم قرآن کریم است و آن را به عمد و از روی آگاهی اشتباه بخواند، روزه‌ی وی باطل است، اما اگر آن را بدون این که بگوید قرآن می‌خواند اشتباه بگوید، باطل شدن روزه‌ی وی محل اشکال است و این احتیاط ترک نشود که چنین عملی را ترک کند، اما اگر به گمان این که قرآن را درست می‌خواند آن را اشتباه بگوید، روزه‌ی وی صحیح است، اما شنوندگان به هر حال روزه‌ی آنان درست است مگر این که در حالی که به اشتباه بودن قرائت وی آگاه هستند بگویند آنچه وی خواند قرآن است.

* * *

«نکونام»: قاری قرآن کریم در صورتی که قرآن را به عمد غلط بخواند، روزه‌ی وی باطل است، اما اگر اشتباه وی به سهو باشد، روزه‌ی وی باطل نیست و روزه‌ی شنوندگان به هر حال درست است؛ مگر آن که اشتباه بودن قرائت وی را بدانند و آن را قرآن بشمارند.

□ □ □ □

س ۸۲۳ - در عروة الوثقی و دیگر رساله‌های عملیه به احتیاط، بخار غلیظ باطل کننده‌ی روزه شمرده شده، آیا مراد از بخار غلیظ، بخار متراکم است یا بخار

بعضی از ادویه که از عین دوا تبخیر می‌شود؟

«گلبایگانی»: ظاهراً همان بخاری است که شبیه دود است و از نزدیک مرئی و مشتمل بر اجزای صغار آب می‌باشد.

* * *

«نکونام»: بخار غلیظ با آن که اجزای متراکم آب است، باطل کننده‌ی روزه نیست؛ زیرا صدق عرفی آب را ندارد.

□ □ □ □

س ۸۲۴ - آیا قصد افطار روزه را باطل می‌کند یا نه و آیا کفاره دارد یا نه؟ اگر کفاره داشته باشد، چرا دیگر مفطرات عمدی کفاره ندارد؛ زیرا چنانچه به سهو باشد، آن را باطل نمی‌کند و اگر به عمد باشد، روزه به مجرد قصد افطار باطل می‌شود. پس خوردن عمدی باطل کننده‌ی روزه است به چه معناست؟

ج - نیت افطار و هم‌چنین نیت مفطر موجب بطلان روزه هست، ولی از مفطرات نیست، و کفاره وقتی بر مکلف به روزه واجب می‌شود که مرتکب یکی از مفطرات شود؛ هرچند - از جهت این که قبل از طلوع فجر، قصد روزه نداشته یا در اثنای روزه، نیت مفطر یا افطار را کرده - روزه دار نباشد.

□ □ □ □

س ۸۲۵ - بنده با این که از معلومات عربی بهره‌ای ندارم، چون به حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام علاقه‌ی شدیدی دارم، مرثیه و مصیبتی می‌خوانم و نمی‌دانم راست است یا دروغ، آیا روزه‌ام در ماه مبارک رمضان با این حال درست است؟

ج - مرثیه و مصیبت در صورتی که مشکوک باشد، نسبت دادن آن به امام علیه السلام جایز نیست و موجب بطلان روزه است، مگر آن که نسبت به کتابی که در آن نوشته شده است بدهید.

□ □ □ □

س ۸۲۶ - درباره‌ی باطل شدن روزه با رسیدن غبار غلیظ به حلق، ابهامی وجود دارد که آیا شامل موردی می‌شود که غبار غلیظ از راه بینی به حلق می‌رسد یا نه؟

«گلیپ‌گانی»: احوط آن است که از راه بینی هم غبار غلیظ را به حلق نرساند.

* * *

«نکونام»: غبار غلیظ روزه را باطل می‌کند؛ اگرچه از راه بینی باشد؛ برخلاف بخار که روزه را باطل نمی‌کند.

□ □ □ □

س ۸۲۷ - در روزه‌ی غیر معین، اگر کسی پیش از طلوع محتلم بوده، تکلیف روزه‌ی او چیست؟

ج - روزه صحیح است، مگر در قضای رمضان.

□ □ □ □

س ۸۲۸ - روضه‌خوان به عنوان زبان حال در مثل ماه مبارک رمضان اشعاری می‌خواند و یا قضایایی نقل می‌کند که مطابق با واقع نیست، آیا این کار سبب بطلان روزه است یا نه؟

ج - اگر اشعار به عنوان زبان حال در مورد مصایب واقع شده ذکر شود و مناسبت هم داشته باشد عیب ندارد، لکن نقل قضایایی که اصلاً واقع نشده جایز نیست، و اگر به امام نسبت دهند، مبطل روزه است.

□ □ □ □

س ۸۲۹ - آیا اشتباه خواندن قرآن کریم در ماه مبارک رمضان روزه را باطل می‌کند یا نه؟

ج - روزه را باطل نمی‌کند.

□ □ □ □

س ۸۳۰ - شخصی ماه مبارک رمضان را روزه گرفته و در بین روز کاری را که احتمال می‌داده به روزه ضرر برساند انجام داده و سپس دانست که چنین نبوده،

حال روزهی او چه حکمی دارد؟

ج - اگر با احتمال مفطر بودن، تحقیق نکرده مرتکب شده، روزه اش باطل است و قضا دارد و کفاره ندارد.

□ □ □ □

س ۸۳۱ - آیا حدیث شریف کسا مورد اعتبار است و در حال روزه داری می توان آن را به معصوم نسبت داد یا نه؟

ج - در بعضی روایات وارد شده و اگر به عنوان این که در بعض کتب روایت شده صائم بخواند، مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۸۳۲ - اگر در شب مسکری مانند شراب بخورد، آیا واجب است در روز استفراغ کند تا برای روزه مست نگردهد یا نه؟

«گلیپگانی»: اگر علم ندارد که در روز برای او سکر حاصل می شود، قی کردن جایز نیست و چنانچه اتفاقا سکر حاصل شد، آن روز را اتمام و قضای آن را نیز بجا آورد و اگر علم دارد که در صورت قی نکردن سکر حاصل می شود و با قی کردن سکر حاصل نمی شود، قی کند و آن روز را امساک نموده و قضای آن را نیز بجا آورد.

* * *

«نکونام»: نمی شود استفراغ کند و لازم است قضای آن روز را بجا آورد.

□ □ □ □

س ۸۳۳ - اگر انسان را در جایی به انجام کاری اجبار کنند که همراه با گرد و خاک است و به هیچ وجه نتواند خود را از آن جا دور کند، آیا روزهی او صحیح است یا قضا و کفاره دارد؟

ج - اگر اجباری باشد رافع تکلیف است و نیز اگر اجبارا نگذاشتند که مثلا جلو دهان و بینی خود را بگیرد و غبار غلیظ وارد حلق شد، روزهی او

صحیح است و اما اگر خود او مسامحه در حفظ از غبار نموده، روزه‌ی او باطل و قضا و کفاره دارد.

□ □ □ □

□ باطل کردن روزه با حرام

س ۸۳۴ - اگر کسی بداند که استمنا روزه را باطل می‌کند و به عمد این عمل را انجام دهد، کفاره جمع بر او لازم می‌شود یا نه؟
ج - بلی، کفاره‌ی جمع بر او واجب می‌شود.

□ □ □ □

س ۸۳۵ - شخصی در ماه مبارک رمضان بعد از خوردن سحری خوابید و محتلم شد و سپس که بیدار شد، چون مسأله را نمی‌دانسته استمنا کرده است، اکنون حکم او را بیان فرمایید؟

ج - اگر قبل از فجر استمنا کرده و قبل از فجر نیز غسل کرده، روزه‌ی او صحیح است و قضا و کفاره ندارد و اگر قبل از فجر غسل نکرده و عمدا در حال جنابت صبح نموده، روزه‌اش باطل و قضا و کفاره دارد و اگر بعد از فجر استمنا کرده، قضا و نیز کفاره‌ی جمع - آزاد کردن بنده و شصت مسکین را طعام دادن و شصت روز روزه گرفتن - بر او واجب است. بلی، بنده آزاد کردن چون ممکن نیست ساقط می‌شود.

□ □ □ □

س ۸۳۶ - شخصی بعد از خوردن سحری، خوابیده و استمنا کرده، ولی نمی‌داند آن را بعد از فجر انجام داده یا نه و نیز نمی‌داند که در خواب این کار را کرده یا در بیداری، اکنون وظیفه‌ی او چیست؟

ج - در فرض سؤال، کفاره و قضا لازم نیست.

□ □ □ □

س ۸۳۷ - اگر فردی افطار به حرام نماید و کفاره‌ی جمع نیز بدهد و برای نمونه، در حال روزه زنا یا لواط کند، آیا حکم جلد یا تعزیر از وی ساقط می‌شود یا خیر؟
ج - در فرض سؤال، کفاره مسقط حد یا تعزیر نیست؛ مگر آن که قبل از رجوع به حاکم توبه کند.



□ احکام جنب در ماه رمضان

س ۸۳۸ - هرگاه مردی در شب ماه رمضان با همسر خود در حال خواب جماع کند و زن بیدار نبوده و مرد به او اطلاع نداده، تکلیف نماز و روزه‌ی آن زن چیست و آیا مرد معصیت کرده که به زن اطلاع نداده یا نه؟

ج - در صورتی که زن قبل از طلوع فجر صادق بیدار نشود، یا اگر بیدار شود نفهمد که مرد با او جماع کرده، روزه‌ی او صحیح است و بر مرد واجب نیست قبل از طلوع اطلاع دهد. بلی، برای نماز به او اطلاع دهد که نمازش بدون غسل باطل است؛ هرچند نداند جنب است.



س ۸۳۹ - اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند و پس از یک هفته آن را متوجه شود، حکم نماز و روزه‌ی او چیست؟
ج - باید نمازهایش را قضا کند و روزه‌اش صحیح است.



□ جنب کردن خود در شب ماه رمضان برای صاحب عذر نسبت به غسل

س ۸۴۰ - کسی که عذری غیر از تنگی وقت دارد و نمی‌تواند غسل کند، آیا جایز است خود را در شب ماه مبارک رمضان جنب کند یا نه؟

«گلبایگانی»: گرچه محتمل است که جنب شدن برای ذوی الاعذار با تمکن از تیمم جایز باشد؛ چنان که ارتکاز متشرعه بر این است و دعوای اجماع نیز بر آن شده و از اطلاق روایات تجویز جنب شدن در سفر برای فاقد الماء نیز ممکن است استفاده شود، لیکن چون محتمل است که تشریح تیمم در

صورت عدم قدرت بر تحصیل طهارت مائیه باشد؛ چنان که ظاهر آیه‌ی شریفه‌ی «إِنْ لَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا» این است و حفظ قدرت هم در تکالیف لازم است، لذا احوط آن است که در سایر اعدار نیز اگر به طهارت مایه طاهر از حدث اکبر است، آن را نقض نکند، ولیکن اگر نقض کرد، تیمم و روزه‌ی او صحیح است.

* * *

«نکونام»: دلیلی بر لزوم حفظ قدرت در تکالیف نداریم و آیه‌ی مبارک: «إِنْ لَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا» نیز به آن اشعاری ندارد و شارع تنها موضوع تشریح تیمم را «عدم وجدان الماء» قرار داده است و نیافتن آب، ملازمه‌ای با لزوم نگاه داشتن آب یا حفظ بی‌نیازی به آب ندارد.

□ □ □ □

س ۸۴۱ - شخصی در ماه مبارک رمضان به واسطه‌ی نگاه کردن به منظره‌ی تهییج کننده‌ای جنب می‌شود، آیا روزه‌ی وی باطل می‌شود یا نه؟

ج - اگر مطمئن بوده که با نظر مذکور مبتلا به جنابت نمی‌شود یا غفلت داشته و اتفاقاً جنب شده، فقط غسل بر او واجب است و قضا و کفاره ندارد و اما اگر با چنین نظری در معرض جنب شدن بوده و مع ذلک نظر کرده و جنب شده، قضا و کفاره‌ی هر دو واجب است.

□ □ □ □

س ۸۴۲ - کسی در حال روزه بی‌اختیار منی از او خارج می‌شود، تکلیف نماز و روزه‌ی او چیست؟

ج - خروج منی بدون اختیار موجب بطلان روزه نیست و قبل از صبح، اگر وقت غسل دارد، غسل کند که عمداً با جنابت صبح نکند و اگر وقت برای غسل نباشد، تیمم کند و روزه‌ی او صحیح است، ولی نماز به خروج منی باطل می‌شود، باید غسل کند و نماز را دوباره بخواند، و اگر غسل ممکن نیست، تیمم کند.

□ □ □ □

س ۸۴۳ - شخصی علم دارد که در اثر ملاعبه، منی از جای خود حرکت می‌کند، اما قصد دارد از بیرون آمدن آن جلوگیری کند، آیا جایز است ملاعبه کند یا نه و بر فرض جواز، اگر منی به صورت قهری خارج شود، حکم روزهی او چیست و بر فرض جایز نبودن، اگر آن را مرتکب شد و همان طوری که قصد کرده جلوی خروج منی را بگیرد، چنین کند و منی خارج نشود، روزهی وی چگونه است و در صورتی که نتوانست جلوگیری کند، چه حکمی دارد؟

ج - اگر یقین دارد که تا موقع افطار، منی خارج نمی‌شود، روزه‌اش صحیح است؛ هرچند بدون اختیار خارج شود.

□ □ □ □

س ۸۴۴ - اگر کسی در ماه مبارک رمضان سه غسل جنابت انجام داده و برای نمونه، بیستم، بیست و پنجم و بیست و هفتم غسل نماید و سپس یقین کند که یکی از سه غسل را باطل انجام داده و نمی‌داند کدام یک از سه غسل است، وظیفه‌ی او نسبت به روزه و نماز چیست؟

ج - در فرض مرقوم، چون تعمد بر بقا نداشته، روزه‌های او صحیح است و نسبت به نماز، آن چه را یقین تفصیلی دارد که بدون طهارت بجا آورده، قضا کند.

□ □ □ □

قضای روزه

□ بلوغ دختر

س ۸۴۵ - در شرع مقدس اسلام که دختر در نه سالگی بالغ می‌شود، اگر روزه گرفتن برای وی مشکل باشد و افطار کند، آیا لازم است آن را قضا کند یا خیر؟ «گلپایگانی»: در صورتی که روزه، مشقت و حرج باشد، افطار نماید، ولی بعداً در صورتی که متمکن شد، احتیاط لازم آن است که قضا نماید.

* * *

«نکونام»: بلوغ به سال نیست، بلکه به حصول شرایط است. تحقق شرایط

بلوغ، در زمان‌ها و مناطق مختلف نسبت به افراد می‌تواند متفاوت باشد و نه سالگی تنها در زمان صدور روایات، ملازم با تحقق شرایط بلوغ بوده است.



س ۸۴۶ - اگر کسی به گمان این که میزان بلوغ، سال شمسی است روزه‌ی ماه رمضان را نگیرد، و سپس متوجه شود که میزان، سال قمری است و بر این اساس یک سال روزه از او قضا شده، چه تکلیفی دارد؟

«گلبایگانی»: در فرض مرقوم، وجوب کفاره بر او معلوم نیست، ولی قضای روزه‌هایی را که افطار کرده باید بگیرد.



«نکونام»: در فرض یاد شده، پرداخت کفاره لازم نیست و تنها قضای روزه‌هایی را که افطار کرده است باید بگیرد.



□ انجام سهوی باطل‌کننده‌ی روزه

س ۸۴۷ - اگر در قضای روزه‌ی واجب و در گستردگی وقت، به سهو یکی از باطل‌کننده‌های روزه را بجا آورد، روزه چه حکمی دارد؟
ج - اشکالی ندارد.



س ۸۴۸ - اگر انسان، در روزه‌ی مستحبی به سهو یکی از باطل‌کننده‌های روزه را انجام دهد، چه تکلیفی دارد؟
ج - روزه‌ی او صحیح است.



□ کفاره‌ی روزه

س ۸۴۹ - این جانب در سنین شانزده تا ۲۱ سالگی به علت جاهل بودن، روزه نگرفته‌ام و قضای هر شش ماه را گرفته‌ام، ولی متأهل هستم و از جهت مالی

بسیار ضعیف می‌باشم، آیا پرداخت کفاره نیز بر من واجب است یا خیر؟
 ج - بلی، کفاره تعلق می‌گیرد و فعلا در صورت تمکن باید برای هر روز، یا دو ماه پی‌درپی روزه بگیرید یا شصت چارک گندم به شصت فقیر غیر سید بدهید و چنانچه هیچ یک فعلا مقدور نباشد، استغفار کنید و اگر بعدا قدرت حاصل شد، یکی از دو قسم کفاره را ادا نمایید.

□ □ □ □

س ۸۵۰ - اگر اجیر برای قضای روزه‌ی ماه رمضان، بعد از ظهر افطار کند، آیا کفاره دارد یا خیر؟
 ج - کفاره ندارد.

□ □ □ □

س ۸۵۱ - در کفاره‌ی روزه، آیا کسی می‌تواند بر فرض پیش از قضای روزه، کفاره‌ی آن را ادا نماید یا باید اول روزه را قضا نمود و سپس کفاره را پرداخت نمود.

ج - ترتیبی میان قضا و کفاره نیست.

□ □ □ □

□ کافی بودن اطعام یک فقیر

س ۸۵۲ - در کفاره‌ی روزه، آیا لازم است فقیر با فقیر دیگر متفاوت باشد؟
 «گلبایگانی»: لازم نیست، بلی نسبت به کفاره‌ی افطار عمدی یک روز حتما باید به شصت فقیر داده شود و اگر به کم‌تر از شصت فقیر بدهد، مجزی نیست.

* * *

«نکونام»: لازم نیست کفاره را به طور حتم به شصت فقیر داد، بلکه اگر کفاره‌ی معین شده برای شصت فقیر را به یک فرد فقیر نیز بدهد، بسنده است.

□ □ □ □

س ۸۵۳ - شخصی در ماه رمضان چند روزی روزه‌ی خود را با حرام باطل کرده و سپس جهت اتیان کفاره، شروع به گرفتن روزه کرده و سی روز روزه گرفته و دیگر برای او مقدور نیست که روزه بگیرد و قدرت مالی نیز ندارد تا مسکینی را اطعام کند، حال، آیا می‌تواند برای هر روز مبلغ آن را با شخصی مصالحه کند یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که قدرت روزه و صدقه نداشته باشد، به هر اندازه که می‌تواند صدقه بدهد و اگر عاجز بود، احتیاطاً هر اندازه‌ای که می‌تواند روزه بگیرد و استغفار هم بنماید و اگر قدرت بر روزه گرفتن (حتی یک روز) هم نداشت، استغفار کفایت می‌کند.

* * *

«نکونام»: در صورتی که بر انجام روزه و صدقه توانایی ندارد، به هر اندازه که می‌تواند صدقه دهد و چنانچه از آن نیز عاجز باشد، استغفار نماید و همین مقدار کافی است.

□ □ □ □

□ کفاره دانستن ولیمه‌ای که به فقرا داده می‌شود

س ۸۵۴ - شخصی چون جاهل به مسأله بوده، روزه‌ی ماه رمضان را افطار کرده و قدرت بر پرداخت هیچ یک از انواع کفاره را ندارد، اکنون می‌خواهد جهت عروسی فرزند خود ولیمه بدهد، آیا می‌تواند اطعام دعوت‌شدگان را که اشخاصی فقیر در بین آنها هستند در مقابل کفاره‌ی روزه حساب کند. البته، اطعام به عنوان ولیمه مرسوم است؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله، چنانچه آنان را به قصد اعطای کفاره دعوت کند و آنان را سیر گرداند، به جای کفاره محسوب می‌شود.

* * *

«نکونام»: غذا دادن به تعدادی از فقیران خوانده شده در ولیمه، می‌تواند به عنوان کفاره شمرده شود.

□ □ □ □

س ۸۵۵ - بیماری به تشخیص پزشک که روزه را برای وی مضر می‌داند، روزه نگرفته و سپس متوجه می‌شود روزه برای او ضرری نداشته و پزشک در تجویز افطار خطا کرده، آیا قضا و کفاره بر بیمار واجب است یا نه؟
ج - کفاره بر او واجب نیست، لکن قضای آن را بجا آورد.

□ □ □ □

س ۸۵۶ - بر زنی که کفاره‌ی شصت روز روزه واجب می‌شود و باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد، در ایام پریود باید چه کند؟
ج - فاصله شدن زمان حیض مضر نیست و بعد از پاک شدن بلافاصله روزه بگیرد، توالی لازم حاصل می‌شود.

□ □ □ □

□ دادن پول به جای گندم در کفاره‌ی مدّ

س ۸۵۷ - کسی که به سبب عذری مثل بیماری، ماه رمضان را افطار کرده، ولی کفاره‌ی مد را پول داده، آیا واجب است دوباره کفاره را به جنس دهد؟
«گلیپگانی»: ظاهراً واجب است طعام بدهد و پول، مسقط تکلیف نیست.

* * *

«نکونام»: اگر به جای گندم به همان اندازه پول بدهد، کافی است و لازم نیست گندم بدهد، همان‌گونه که لازم نیست به طور حتم آن را به فقیران متعدد بدهد، بلکه می‌تواند مقدار تعیین شده برای فقیران متعدّد را به یک فقیر بدهد.

□ □ □ □

س ۸۵۸ - زنی که در ماه مبارک رمضان بیمار بوده و بیماری او تا ماه رمضان بعد ادامه داشته و چند روز از ماه رمضان عادت بوده، آیا کفاره‌ی چند روز ایام عادت را باید بدهد؟

«گلیپگانی»: در فرض مذکور که مرضش تا ماه رمضان مستمر شده، برای ایام

عادت نیز کفاره بدهد.

* * *

«نکونام»: لازم نیست کفاره بپردازد.

□ □ □ □

س ۸۵۹ - آیا هم‌چنان که قضای نماز و روزه‌ی پدر و مادر بر پسر بزرگ‌تر است، کفاره‌ی روزه‌های ماه رمضان که به عمد افطار کرده‌اند نیز بر پسر بزرگ‌تر واجب است یا نه؟

«گلبایگانی»: کفاره‌ی افطار صوم بر پسر بزرگ‌تر واجب نیست، و اگر میت ترکه‌ای دارد، باید از آن ادا شود. بلی، چنان‌چه کفاره‌ی متعین در صوم شده باشد، بنا بر احتیاط بر پسر بزرگ‌تر واجب است.

* * *

«نکونام»: اگر کفاره به گرفتن روزه منحصر باشد، بر پسر بزرگ‌تر لازم است آن را انجام دهد.

□ □ □ □

س ۸۶۰ - کسانی که باید یک مد طعام کفاره بدهند، آیا باید آن را از جنس گندم و جو بدهند یا نان نیز کفایت می‌کند؟ در رساله‌ی مرحوم آیت الله آقای بروجردی؛ نقل شده که باید یک کیلو نان داده شود، اکنون اصل جواز اعطای نان و مقدار آن را بیان فرمایید.

ج - گندم و جو بی‌اشکال است و نان، یک کیلو به جهت آن است که آردش یک چارک باشد، در این صورت ان شاء الله مجزی است.

□ □ □ □

س ۸۶۱ - آیا پرداخت یک مد کفاره فوری است یا تأخیر آن تا آخر ماه مبارک رمضان جایز است؟ هم‌چنین مقدم داشتن آن و پرداخت آن به عنوان قرض و سپس آن را کفاره دانستن جایز است یا خیر؟

ج - وقت وجوب ادای آن، ماه رمضان سال آینده است و در آن وقت،

و خوب آن فوری است و تأخیر ادای آن به مقداری که تسامح در عمل به تکلیف نشود، جایز است و اگر قرض، طعام باشد، می توان آن را به عنوان فدیة محسوب داشت.

□ □ □ □

س ۸۶۲ - آیا کفاره‌ی روزه را می توان به کسی که نفقه‌ی او واجب است داد یا نه؟
ج - اگر فقیر باشند، برای غیر نفقه واجب مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۸۶۳ - آیا می شود مقداری کفاره‌ی روزه‌ی رمضان را از مال میت به نوه‌ی فقیر داد؟
ج - بلی، جایز است.

□ □ □ □

س ۸۶۴ - شخصی بیمار است و نمی تواند به هیچ وجه روزه بگیرد و باید برای هر روزی که از ماه رمضان افطار می کند یک مد طعام کفاره بدهد، حال اگر همین شخص در ماه رمضان مسافرت کند، آیا کفاره‌ی مد از او ساقط است یا نه؟
«گلبایگانی»: اگر تا ماه رمضان دیگر بهبود یافت و متمکن از قضا شد، اقوی و خوب قضاست، و با استمرار مرض تا ماه رمضان دیگر، ادای کفاره‌ی مد واجب است.

* * *

«نکونام»: چنانچه تا ماه رمضان دیگر بهبود یابد و بتواند آن را قضا کند، لازم است قضای آن را بجا آورد، و در صورتی که بیماری وی تا ماه رمضان دیگر ادامه یابد، باید برای هر روز یک مد کفاره دهد.

□ □ □ □

□ دادن قیمت گندم در کفاره‌ی مدّ

س ۸۶۵ - کسی که در ماه رمضان با عذر شرعی افطار کرده و می خواهد کفاره‌ی مد بدهد، آیا می تواند قیمت گندم را به فقیر بدهد و او را وکیل کند

تا گندم بخرد یا نه؟

«گلبایگانی»: بلی می‌تواند فقیر را وکیل کند که برای موکل گندم بخرد و از طرف او به قصد کفاره به خودش بدهد، ولی اگر فقیر، این کار را نکند، ذمه‌ی موکل از کفاره بری نمی‌شود.

* * *

«نکونام»: اگر قیمت گندم را نیز به نیت کفاره‌ی یک مد به فقیر بدهد کافی است و لازم نیست که فقیر را وکیل در خرید گندم کند. هم‌چنین لازم نیست فقیر از آن پول، فقط گندم بخرد و در صورتی که آن را برای کار ضروری دیگری غیر از خرید گندم هزینه کند، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۸۶۶ - چوپانی چون گله را به چرا می‌برد نمی‌تواند روزه بگیرد و چنان‌چه چنین نکند، گله از گرسنگی تلف می‌شود، وظیفه‌ی شرعی او چیست؟

ج - رفتن همراه گله مجوز افطار نیست و ممکن است کسی را کمک بگیرد و به نوبت استراحت کنند و اگر افطار کرده باشد، کفاره‌ی عمد بر او لازم است.

□ □ □ □

س ۸۶۷ - زن و مردی که جاهل مقصر می‌باشند و در ماه مبارک رمضان با هم جماع می‌نمایند یا مرد استمنا کند در حالی که احتمال نمی‌دهد این کار روزه را باطل می‌کند، آیا کفاره بر آنها واجب است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، مبطل روزه است، ولی کفاره ندارد.

□ □ □ □

س ۸۶۸ - آیا کفاره را بعد از ماه رمضان می‌دهند یا پیش از ماه رمضان؟

ج - کفاره‌ی تأخیر قضای روزه‌ی ماه رمضان را در رمضان سال بعد باید داد.

□ □ □ □

س ۸۶۹ - دانشجویی روزه نمی‌گیرد و می‌گوید با حال روزه نمی‌توانم درس را حاضر کنم و در امتحان مردود می‌شوم و نتیجه‌ی چهار یا هشت سال زحمتم هدر می‌رود. آیا این عذر به حکم شرع مسموع است یا خیر؟

ج - درس خواندن و اشتغال به امتحان مجوز افطار نیست و هرچند روز که روزه خورده است باید کفاره‌ی آن را برای هر روز شصت روز روزه بگیرد یا شصت مسکین را اطعام نماید و می‌تواند شب‌ها درس بخواند و روز روزه خود را بگیرد.



س ۸۷۰ - شخصی مدعی است با این که در مجالس مذهبی شرکت می‌کردم، کسی به من نگفته است اگر روزه نگرفتید، کفاره دارد. اما اکنون این مسأله را دانستم، آیا وی جاهل قاصر است یا مقصر؟

ج - در فرض سؤال، اگر حرمت روزه خوردن را می‌دانسته؛ هرچند و خوب کفاره را نمی‌دانسته، باید کفاره را بدهد.

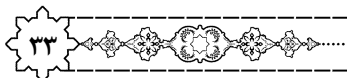


س ۸۷۱ - اگر کسی مریض بوده و روزه‌ی خود را افطار کرده، بعدها وظیفه‌ی او چیست؟

«گلپایگانی»: اگر در همان سال که مریض بوده سالم شود، قضای روزه‌ی خود را بگیرد و فدیة ندارد و اگر تا ماه رمضان دیگر قضای آن را نگیرد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مد - یک چارک - طعام مثل گندم و جو بدهد و اگر بخواهد نان بدهد قدری بیش تر بدهد و دادن پول نان کافی نیست و مصرف آن، فقیر غیر سید است. و اگر مرضش تا ماه رمضان آینده طول کشید، قضا ساقط است، ولی باید برای هر روزی یک مد طعام پردازد.



«نکونام»: همان‌گونه که پیش از این گذشت اگر قیمت گندم را نیز به نیت



کفاره‌ی یک مد به فقیر بدهد کافی است. هم‌چنین لازم نیست فقیر از آن پول، فقط گندم بخرد و در صورتی که آن را برای کار ضروری دیگری غیر از خرید گندم هزینه کند، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۸۷۲ - در کفاره‌ی جمع که دسترسی به عبد نیست بدل آن وارد است یا اصلاً ساقط می‌شود؟

ج - بدل ندارد و ساقط می‌شود.

□ □ □ □

س ۸۷۳ - زنی به علت بیماری، از گرفتن روزه معذور است و تا ماه مبارک آینده، بر انجام آن قدرت ندارد، در این صورت، کفاره به عهده‌ی شوهر است یا زن؟ توضیح این که زن دارای مستغلات و درآمد سالیانه است؟

ج - به عهده‌ی زن است و فرق نمی‌کند که دارای مال باشد یا نباشد.

□ □ □ □

س ۸۷۴ - شخصی ده روز قضای ماه رمضان بر عهده دارد، از بیستم شعبان شروع به گرفتن روزه می‌کند، در این صورت به عمد پیش از ظهر یا بعد از ظهر می‌تواند روزه را افطار نماید یا نه و هرگاه افطار نماید، آیا کفاره‌ی پیش از ظهر با بعد از ظهر آن تفاوتی دارد یا خیر؟

ج - قبل از ظهر، افطار روزه‌ی قضای ماه رمضان کفاره ندارد؛ اگرچه وقت هم تنگ باشد، لکن در این صورت معصیت کرده است، ولی بعد از ظهر کفاره دارد و کفاره‌ی آن اطعام ده مسکین است که به هر مسکینی یک مد طعام بدهد و با عجز از آن باید سه روز روزه بگیرد.

□ □ □ □

س ۸۷۵ - در سفر معصیت چنانچه روزه‌دار روزه‌ی خود را به عمد افطار نماید، آیا تنها قضا و کفاره لازم است یا کفاره‌ی جمع؟

ج - افطار عمدی در سفر معصیت، مثل افطار عمدی در حضر است و قضا

و کفاره‌ی هر دو لازم است و کفاره‌ی جمع بر او نیست. بلی، اگر به چیز حرامی افطار کند، کفاره‌ی جمع لازم می‌شود.

□ □ □ □

روزه‌ی مسافر

□ مراجعت روزه‌دار به وطن

س ۸۷۶ - اگر روزه‌دار از وطن خود مسافرت نماید و پیش از ظهر به وطن باز گردد، می‌تواند نیت روزه کند یا نه و به عبارت دیگر، مسافری که از روزهای پیش در سفر بوده و قبل از ظهر به وطن بر می‌گردد و باطل کننده‌ای را انجام نداده، آیا باید نیت روزه نماید؟

«گلیپگانی»: اگرچه در کلمات علمای اعلام، به فرض مذکور بالخصوص برخورد نکردم، لکن برحسب اطلاعات اخبار و اطلاق بعض فتاوا، مسافری که قبل از ظهر مراجعت کند و به وطن یا محل اقامه برسد و مفطر به عمل نیاورده باشد، واجب است نیت روزه نماید و روزه‌ی او صحیح است و سفر کردن و در سفر بودن هر دو با صحت صوم منافی است از جهت عدم امر و عدم قصد، و مطابق اخبار، هر دو قسم مسافر اگر قبل از ظهر برسند امر دارند و قصد این وقت، کافی است.

* * *

«نکونام»: فرض‌های گوناگون این مسأله و سه مسأله‌ی بعد تفاوتی در حکم ندارد و روزه صحیح است.

□ □ □ □

س ۸۷۷ - شخصی در صبح ماه مبارک رمضان از حد مسافت می‌گذرد و پیش از ظهر باز می‌گردد. البته، گاه، نیت مسافرت را از شب دارد و گاه در روز این تصمیم را می‌گیرد، اکنون حکم هر دو فرض را بیان فرمایید.

ج - در هر دو فرض، بعد از مراجعت به وطن، اگر در سفر، مفطر بجا نیاورده، قصد روزه نماید و روزه او صحیح است.

□ □ □ □

س ۸۷۸ - اگر انسان در ماه مبارک رمضان، بعد از ظهر از وطن خود به مسافرت رود و بعد از انجام کار در همان روز به وطن خود مراجعت کند، آیا روزه‌ی وی صحیح است یا نه؟ و آیا قضا دارد یا نه؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، روزه صحیح است و قضا واجب نیست، ولکن اگر از شب، قصد سفر داشته، احوط، قضای آن است؛ هرچند مراعات آن لازم نیست.

* * *

«نکونام»: روزه درست است و قضا ندارد.

□ □ □ □

س ۸۷۹ - شخصی بعد از ظهر از جایی که قصد اقامه نموده به سوی وطن حرکت کرده، ولی در همان روز به وطن اصلی نرسیده، روزه‌ی این شخص چه حکمی دارد؟

ج - در فرض مسأله که بعد از ظهر از محل اقامه‌ی خود حرکت کرده، روزه‌ی او صحیح است و اگر روز بعد، مفطر به عمل نیاورده باشد و قبل از ظهر به وطن خود برسد، باید قصد روزه کند و روزه‌ی او صحیح است.

□ □ □ □

□ بیرون آمدن از منزل و شهر پیش از ظهر شرعی

س ۸۸۰ - شخصی در ماه مبارک رمضان بعد از ظهر مسافرت می‌کند تا بتواند روزه داشته باشد، در این صورت می‌تواند پیش از ظهر از منزل حرکت کند و بعد از ظهر از حد ترخص بگذرد یا لازم است بعد از ظهر از منزل حرکت کند؟

«گلبایگانی»: در صورتی که شروع به مسافرت قبل از ظهر باشد و خروج از حد ترخص بعد از ظهر، احتیاط لازم جمع بین گرفتن روزه و قضای آن است.

* * *

«نکونام»: ملاک حکم مسافر، بیرون آمدن از حد ترخص است و خارج

شدن از منزل یا شهر، پیش از ظهر شرعی مشکلی ایجاد نمی‌کند و نیازی به احتیاط و جمع کردن بین قصر و تمام نیز نیست. هم‌چنین روزه‌ی وی درست است و نمی‌تواند آن را باطل کند.

ملاک مسافرت، خروج از حد ترخص است و خروج از منزل پیش از ظهر اشکال ندارد.



□ ملاک ظهر شرعی

س ۸۸۱ - آیا مراد از ظهر در مسأله‌ی یاد شده ظهر حقیقی است؟
«گلپایگانی»: بلی، مقصود ظهر حقیقی است؛ یعنی زوال شمس از دایره‌ی نصف النهار.



«نکونام»: کشفِ اوّلِ ظهر حقیقی آسان نیست و لازم نیز نمی‌باشد، بلکه به دست آوردن زوال شمس؛ هرچند از زوال حقیقی نیز گذشته باشد، بسنده است.



س ۸۸۲ - اگر روزه‌دار از کشوری به کشور دیگر مسافرت نماید که کاملاً از نظر افق تفاوت دارد؛ مثل این که از ایران دو ساعت یا کم‌تر به افطار مانده حرکت کند اما وقتی که در آمریکا پیاده می‌شود، ده ساعت یا کم‌تر مثلاً به وقت افطار مانده است. البته، امکان دارد که در بین راه به جایی برسد که تساوی افق با ایران یا شهری که از آن جا به قصد آمریکا حرکت نموده داشته باشد، در موقع ورود به آمریکا وظیفه‌ی این مسافر چیست؟

ج - شخص مذکور باید رعایت محلی را که وارد آن جا شده بنماید و قبل از مغرب آن جا افطار نکند، مگر آن که در بین راه به جایی برسد که مغرب شده باشد.



س ۸۸۳ - هرگاه مسافر، پیش از ظهر به وطن خود بازگردد و آنچه روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند، حال آیا این روزه مجزی است یا باید سپس قضای آن را نیز بگیرد؟
ج - قضا ندارد.



س ۸۸۴ - افراد بی‌یلاق نشین، در گذشته، مسافت میان ده و بی‌یلاق را با اسب و شتر می‌آمدند و در بین راه چندین روز، بلکه گاه می‌شد که یک ماه در یک‌جا منزل می‌نمودند و در نتیجه، روزه را می‌گرفتند، ولی اکنون همین مسافت را در مدت خیلی کم با ماشین طی نموده و چندین ساعت به مقصد خود می‌رسند، آیا تکلیف آنان در بین راه تمام است یا قصر؟
ج - با وضع فعلی هم در بین راه باید نماز را شکسته و روزه را افطار نمایند.



س ۸۸۵ - شخصی به قصد مسافرت به هشت فرسخ یا بیش‌تر حرکت می‌کند و از حد ترخص که خارج شد نماز خود را شکسته می‌خواند و حدود سه فرسخ که می‌رود از قصد خود باز می‌گردد و مراجعت به وطن می‌کند و هنوز وقت باقی است، آیا باید دوباره نماز را تمام بخواند یا نه و بر فرض، اگر تکلیف او ساقط شده باشد، پس با آن مطلب که می‌فرمایید شخص مسافر نباید در بین مسافت از قصد خود بازگردد، چگونه جمع می‌شود؟

ج - نمازی را که قبل از برگشتن از قصد، شکسته خوانده، صحیح است و اعاده لازم ندارد و این که نوشته شده که باید در بین مسافت از قصد برنگردد، مقصود این است که در صورتی می‌تواند نمازش را شکسته بخواند که از قصد مسافت برنگشته باشد و بعد از برگشتن از قصد مسافت، دیگر نمی‌تواند شکسته بخواند.



س ۸۸۶ - بنده در شهرستان کرج سکونت دارم و محل کارم بین راه کرج و تهران است و می‌دانم که نمازم از کرج تا تهران شکسته است، ولی اگر از کارخانه به تهران روم، آیا نمازم شکسته است یا تمام و اگر از کرج از مسیر کارخانه به تهران روم، نمازم قصر است یا تمام؟

ج - اگر از کارخانه تا تهران چهار فرسخ باشد که رفت و آمد شما هشت فرسخ بشود و در تهران هم قصد اقامه‌ی ده روز نداشته باشید، مسافر هستید و نماز شکسته است و اگر از کرج به قصد تهران سفر کنید؛ هرچند از مقابل کارخانه بگذرید، باز هم نماز شکسته است و روزه را باید افطار کنید.



□ قصد رفتن به مسیر فرعی که مسافت شرعی را تکمیل می‌کند

س ۸۸۷ - مسافری به مقصد سه فرسخی سفر می‌کند ولی از اول قصد دارد که در میان راه به جاده‌ی فرعی که یک فرسخ است برای انجام کاری رود و از همان راه به جاده‌ی اصلی باز گردد و سفر خود را ادامه دهد، حکم نماز وی چیست؟
«گلیایگانی»: در فرض مسأله، نماز را احتیاطاً جمع بخواند.



«نکونام»: اگر قصد وی سفر به سه فرسخی است و قصد یک فرسخ، قصد دوم مستقل یا قصد در هنگام رسیدن به مقصد سه فرسخی یا قصد تبعی باشد، نماز شکسته است، ولی اگر قصد یک فرسخ فرعی، مرکب و پیوسته با قصد سه فرسخ باشد، در واقع یک قصد چهار فرسخ به مجموع دو مسیر اصلی و فرعی که از سه فرسخ و یک فرسخ شکل گرفته است حاصل می‌شود و نماز تمام است و در هر صورت، نیاز به احتیاط جمع نیز نمی‌باشد.



□ روزه‌ی نذری یا مستحبی در سفر

س ۸۸۸ - شخصی نذر کرده که تمام روزهای جمعه را روزه بگیرد، حال اگر در این

روز به مسافرت رود، آیا واجب است به نذر خود عمل نماید یا نه؟

ج - اگر نذر کرده روز معینی را حتی در سفر روزه بگیرد، باید در سفر نیز بگیرد، والا باید قصد اقامه کند و روزهی نذری را بجا آورد و چنانچه ناچار بوده از مسافرت، و قصد اقامه نیز برای او ممکن نبوده، قضای تنها کافی است و بدون عذر، کفاره‌ی خلف نذر نیز بر او واجب است.

□ □ □ □

س ۸۸۹ - آیا می‌شود روزه مستحبی را در سفر گرفت یا نه؟

ج - نمی‌شود، مگر آن که نذر کرده باشد در سفر روزه بگیرد یا نذر کرده باشد روز معین را؛ چه در سفر و چه در حضر، روزه بگیرد.

□ □ □ □

□ احکام روزه نذری

س ۸۹۰ - شخصی نذر کرده ده روز روزه بگیرد و در موقع عمل به نذر، یک روز را به عمد خورده، آیا کفاره‌ی نذر بر او واجب می‌شود؟ تکلیف نه روز دیگر چه می‌شود؟

ج - اگر نذر او مطلق بوده؛ به این معنا که ده روز متوالی هر وقت شد یا ده روز متفرق روزه بگیرد، در فرض اول، ده روز دیگر روزه بگیرد، و در فرض دوم، به جای آن روز یک روز روزه بگیرد، و در هر دو صورت، کفاره ندارد و اگر نذر ده روز متوالی در مدت معین و مشخص؛ مثلاً از اول تا دهم فلان ماه بوده، در این صورت باید کفاره بدهد و آن یک روز را قضا نماید.

□ □ □ □

□ درگذشت بیمار یا مسافر

س ۸۹۱ - شخص مسافر که چند روز در راه بوده و روزه‌های خود را افطار کرده و هنوز به مقصد نرسیده فوت نمود، آیا واجب است بازماندگان میت، این چند روز

روزه را برای او اجیر بگیرند یا نه؟

ج - بلی، قضای آن واجب است.

□ □ □ □

□ روزه در مورد ترس از ضرر

س ۸۹۲ - شخصی که دارای سلامت بدن است ولی از نظر چشم ناراحتی شدید دارد و متخصصان چشم پزشکی وی را از گرفتن روزه منع کرده‌اند، چه تکلیفی دارد؟

ج - در صورتی که خوف ضرر روزه بر چشم خود داشته باشد، روزه‌اش صحیح نیست.

□ □ □ □

س ۸۹۳ - اگر نامبرده روزه‌ی ماه مبارک رمضان را به جهت سلامتی چشم افطار کند، برای قضای روزه باید چه کند؟

«گلبایگانی»: اگر در مواقع دیگر، روزه برای وی ضرر ندارد، باید قضای آن را بگیرد و اگر این عذر ادامه داشته باشد، تا ماه رمضان بعد قضا ساقط است، ولی عوض هر روز، ده سیر گندم به فقیر بدهد.

* * *

«نکونام»: لازم است به جای هر روز، ده سیر گندم (۷۵۰ گرم) یا قیمت آن را به فقیر بدهد.

□ □ □ □

س ۸۹۴ - برخی از پزشکان چون خود روزه نمی‌گیرند به بیماران خود می‌گویند روزه نگیرید؛ چرا که برای شما ضرر دارد، آیا گفته‌ی چنین پزشکانی حجت است یا نه؟

ج - اگر از قول آن‌ها خوف ضرر حاصل شود، می‌تواند روزه نگیرد، بلکه اگر ضرر قابل تحمل نباشد؛ مثل خوف هلاکت یا نقص عضو مثل کوری یا گنگی و امثال آن، روزه حرام و باطل است.

□ □ □ □

س ۸۹۵ - زنی چهار ماهه حامله است و نمی‌داند روزه برای جنین وی ضرر دارد یا نه؟ آیا وی باید روزه بگیرد یا نه؟

ج - با خوف ضرر؛ هرچند شک داشته باشد، نباید روزه بگیرد.



س ۸۹۶ - شخصی است که با روزه گرفتن چشمش به سیاهی می‌رود و سبب می‌شود که چشم وی به درد آید، آیا باید روزه بگیرد یا نه؟

ج - بلی، باید روزه را بگیرد و ضعف چشم از جهت روزه که شب برطرف می‌شود، مجوز افطار نیست، مگر این که خوف ضرر داشته باشد.



□ روزه‌ی بیمار

س ۸۹۷ - شخصی به بیماری دچار است و نمی‌تواند از خوردن و آشامیدن خودداری نماید، بر این اساس، روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان برای او مشکل است و سبب زیادی بیماری می‌شود، حال اگر اندکی غذا در روز بخورد و سپس امساک نماید و نیت روزه کند، آیا روزه‌ی وی صحیح است یا نه؟ و در صورتی که صحیح نباشد، آیا ثواب روزه‌دار را دارد؟

ج - در فرض مذکور، روزه‌ی او صحیح نیست و اگر مرض او تا ماه رمضان دیگر ادامه پیدا کند، قضا نیز بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و امید است کم خوردن او خالی از ثواب نباشد.



□ بهبودی بیمار پیش از ظهر و ادامه دادن به روزه

س ۸۹۸ - بر اثر بیماری و نقاهت نتوانستم سحری بخوردم و بر این اساس توان روزه گرفتن را در خود ندیدم و نیت روزه نکردم، اما در روز حالم بهتر شد و روزه گرفتم، آیا روزه‌ام صحیح است یا نه؟

«گلیپگانی»: احتیاطاً قضای آن روز را نیز بجا آورید.



«نکونام»: در صورتی که با بهبودی نسبی حال وی پیش از ظهر، احتمال ضرر ندهد و روزه را ادامه دهد، روزه صحیح است و قضا نیز ندارد.



□ تأخیر عمل جراحی در صورت روزه گرفتن

س ۸۹۹ - بیمار آپاندیس باید در وقت معین عمل شود و دکتر می گوید در صورتی که روزه بگیرد، دو ماه عمل به تأخیر می افتد، در این حال باید روزه بگیرد یا نه؟ «گلیپگانی»: در فرض مسأله، اگر روزه ضرری جز تأخیر عمل نداشته باشد، مجوز افطار ندارد. بلی، جایز است قبلاً عمل نماید، به نحوی که در ماه مبارک رمضان از جهت عمل، نتواند روزه بگیرد.



«نکونام»: اگر در تأخیر عمل جراحی احتمال ضرر می دهد، نباید روزه بگیرد.



□ روزهی دارای مشقت یا ضرر

س ۹۰۰ - شخصی که ضعف جسمانی دارد و نمی تواند در ایام تابستان و بهار روزه بگیرد، ولی در ایام زمستان و پاییز که روزها کوتاه است می تواند روزه بگیرد، آیا واجب است در ایامی که می تواند روزه بگیرد، قضای روزه را بجا آورد؟ و در صورت وجوب قضا در ایام پاییز یا زمستان، آیا برای تأخیر قضای روزه، کفاره نیز باید بدهد یا خیر؟

ج - در صورت مفروضه، اگر روزه گرفتن در تابستان مضر به حال او باشد و سبب مریض شدن شود، می تواند قضای آن را در پاییز یا زمستان بگیرد و چنانچه قبل از رسیدن رمضان بعد، قضای آن را گرفتن کفاره ندارد و اگر تا رمضان بعد قضای آن را بجا نیاورد، باید برای هر روز یک مد کفاره بدهد.



س ۹۰۱ - شخصی پیش از این به گونه‌ای فقیر بوده که اگر کارگری نمی‌کرده خانواده‌ی وی گرسنه می‌مانده و از بیچارگی در ماه رمضان روزه‌ی خود را می‌خورده و به کارگری می‌رفته، حال چند سال است که غنی شده و هر سال نیز وجوهات خود را داده، مستدعی است به‌طور روشن تکلیف وی را معین بفرمایید، وجوهاتی که تا به حال داده، چگونه است و بعد از این چه تکلیفی دارد؟ «گلبایگانی»: در فرض سؤال؛ چنانچه شما مازادی در آخر سال از کارکرد خود داشته و خمس آن را به اهلش پرداخته‌اید، ذمه‌ی شما از بابت خمس بری شده و اما نسبت به خوردن روزه، اگر واقعا چنین بوده که اگر روزه می‌گرفتید قادر به کار نبودید و با کار نکردن عایله‌ی شما گرسنه می‌ماندند و چاره‌ای جز افطار و کار کردن و اداره‌ی عایله نداشتید، در این صورت بعید نیست که فقط قضای روزه بر شما واجب باشد و کفاره واجب نباشد و در غیر این صورت، کفاره‌ی هر روزی شصت مد طعام بر ذمه‌ی شما آمده که به شصت فقیر باید داده شود و توبه نمایید.

* * *

«نکونام»: در فرض سؤال؛ چنانچه وی فقیر بوده و هیچ گونه درآمد افزوده‌ای نداشته، خمس بر وی واجب نیست. در مورد روزه نیز چنانچه وی با گرفتن روزه از انجام کار ناتوان می‌شده و کسانی که تأمین هزینه‌های آنان بر وی واجب بوده گرسنه می‌مانده‌اند فقط قضای روزه بر او واجب است و کفاره ندارد و در غیر این صورت، کفاره‌ی هر روزی شصت مد طعام می‌باشد و نیز توبه بر وی واجب است.

□ □ □ □

س ۹۰۲ - روزه گرفتن در هوای گرم تابستان در ماه مبارک رمضان به طوری که قدرت و توانایی را از انسان بگیرد واجب است یا نه؟
ج - اگر روزه مضر به بدن باشد، واجب نیست و لکن مجرد ضعف و کم

نور شدن چشم مثلا که بعد از یکی دو ساعت از وقتی که افطار می‌کند به طور کلی عوارض آن برطرف می‌شود، ضرر محسوب نیست.



س ۹۰۳ - اگر شخص با روزه گرفتن ماه رمضان به هیچ وجه نتواند کسب معاش کند و اگر بخواهد روزه بگیرد یا باید دست به گدایی بزند یا عایله‌اش گرسنه بمانند، آیا روزه از وی ساقط است یا نه؟

ج - واجب است روزه را بگیرد، مگر آن که حرجی باشد که ساقط می‌گردد. بلی، در صورتی که خوف از مرض داشته باشد، روزه واجب نیست.



س ۹۰۴ - کارگران مناطق گرم که روزه برای آنان مشقت دارد و حتی گاه به حالت غش می‌افتند، آیا واجب است روزه بگیرند یا نه؟

ج - اگر احتمال عقلایی بدهند که روزه برای آن‌ها مضر و موجب مرض است می‌توانند افطار نمایند، ولی غالبا این احتمال عقلایی نیست، و این حکم را نمی‌توان به طور عموم در مناطق حاره گفت، بلکه میزان احتمال عقلایی ضرر و مرض است؛ خواه منطقه‌ی شخص معتدله باشد یا حاره، و لازم است کار را ترک کنند یا تخفیف دهند که بتوانند روزه بگیرند.



س ۹۰۵ - الزارع الذي يعيش من طريق الزرع أو العامل الذي يعيش من العمل المخصوص إذا توقّف حصاد الزرع والاشتغال في ذلك العمل على إفطار شهر رمضان المبارك، فهل يجوز لهما الإفطار أم لا؟

- کشاورزی که از طریق زراعت یا کارگری که از طریق کار خاصی زندگی خود را می‌گذراند و پرداختن به آن در ماه مبارک رمضان این را لازم دارد که روزه‌ی

خود را افطار کند، آیا برای وی جایز است روزه‌ی خود را بخورد یا خیر؟

ج - لا يجوز الإفطار في شهر رمضان لغير من وردت الرخصة من الشرع في إفطاره كالمريض والمسافر والشيخ والشيخه وغيرهم.
- برای کسی جایز نیست روزه‌ی خود را افطار نماید؛ مگر این که از کسانی باشد که شرع به آنان اجازه داده باشد؛ مانند: بیمار، مسافر، پیرمرد، پیرزن و موارد دیگری که در شرع تعیین شده است.

□ □ □ □

□ روزه گرفتن کارکنان ناوایی

س ۹۰۶ - کارکنان ناوایی می‌گویند که با حرارتی که از تنور ناوایی ایجاد می‌شود، تحمل روزه گرفتن را ندارند، تکلیف آنان چیست؟

«گلبایگانی»: کار کردن مجوز ترک روزه نیست. بلی، می‌توانند هر روز صبح به چهار فرسخی سفر کنند و در سفر افطار نمایند و به محل کار برگردند و بعداً قضای روزه را بگیرند و الا باید تا وقتی که قدرت دارند روزه بگیرند.

* * *

«نکونام»: پیشنهادهایی مانند: هر روز صبح به چهار فرسخی سفر کردن و افطار در سفر برای طبقه‌ی مستضعف یا متوسط کارگری که دور از دسترسی آسان به امکانات می‌باشند، هرچند صحت شرعی داشته باشد، پیشنهادی عقلایی و مناسب نیست.

اگر این افراد کار روزانه را رها کنند، سبب بیکاری و عسر و حرج مالی می‌شود، و وجوب به دست آوردن رزق حلال از آنان ساقط نمی‌شود و چنانچه در هنگام کار از گرفتن روزه ناتوان شدند؛ به گونه‌ای که موجب بیماری، مشقت و عسرت زندگی شود و امکان تغییر شغل نیز نداشته باشند، افطار کنند و قضای روزه‌ی خود را در فرصت مناسب، در صورت امکان بگیرند.

این حکم در مسایل پیشین و برخی از مسایل مشابه که در ادامه می‌آید نیز با حفظ شرایط و قیود مسأله جاری است.



س ۹۰۷ - این جانب در منطقه‌ی جنگی هستم و نظر به این که ایام ماه مبارک رمضان با فصل برداشت گندم همراه است و از طرفی مدت مرخصی که از جانب مقامات مسؤول به بنده داده می‌شود، بسیار کوتاه می‌باشد با توجه به این که برداشت و درو کردن گندم در ایام ماه مبارک در زیر آفتاب سوزان طاقت‌فرسا و مشکل می‌باشد، در ضمن، اگر برداشت گندم در موقع معین صورت نگیرد، امکان از بین رفتن محصول هست، آیا برداشت گندم مقدم است یا ادای فریضه‌ی روزه؟

ج - جمع‌آوری زراعت فی نفسه مجوز خوردن روزه نمی‌شود. بلی، با فرض مشقت می‌توانید همه روزه بعد از طلوع فجر به چهار فرسخی سفر نموده و در سفر افطار کرده و برگردید و در حالی که روزه نیستید زراعت را جمع‌آوری کنید، ولی قضای آن را بعد باید بگیرید و اگر مسافرت نکردید، واجب است روزه بگیرید تا وقتی که اتمام آن حرج باشد و قدرت نداشته باشید، آن را تمام نمایید.



□ روزه‌ی پیرمرد و پیرزن

س ۹۰۸ - ما تقول يا سيدي في الشيخ والشيخة، إفتارهما رخصة أو عزيمة، وهل يشترط في الجواز قيد المشقة أو لا، فلو تحملاً المشقة وصاماً صحَّ صومهما أم لا؛ لأنه عزيمة، وفي التكفير لابد أن يكون المدّ عيناً أو يكفي القيمة، وهل يجوز الدفع إلى الفقير بدون إظهار كونه بعنوان الإطعام، فلو صرف الفقير في غير الطعام من حوائجه وعياله يكفي أم لا، وهل يجوز أداء كفارة الأيام المتعددة إلى فقير واحد أم لا؟

- پیرمرد یا پیرزن اگر به رخصت یا عزیمت روزه نگیرند، آیا جایز بودن این کار برای آنان به ناتوانی آنان و سختی روزه گرفتن برای آنان مشروط است یا خیر، و اگر سختی آن را تحمل نمایند و روزه بگیرند آیا روزه‌ی آنان صحیح است؛ چرا که از روی عزیمت می‌باشد، و در پرداخت کفاره‌ی روزه آیا باید عین جنس را پردازند یا پرداخت قیمت آن نیز بسنده است و آیا جایز است آن را به فقیر بدهد اما به او نگوید که آن را در اطعام خویش هزینه نماید و در صورتی که فقیر آن را در رفع نیازهای زندگی خود و در غیر طعام هزینه نمود، آیا کافی است یا خیر؟

«گلبایگانی»: الظاهر أنّ إفتارهما رخصة لا عزيمة، فلو صام صاماً صحّ صومهما، ويكفي في جوازه المشقة الملازمة للهم بحسب الغالب، وإن لم يبلغ حدّ الحرج الرافع للتكليف، ولا يكون المدّ إلا عيناً، ولا يلزم أن يصرف في الطعام بل للفقير أن يفعل فيه ما شاء، ويجوز إعطاء كفارة الأيام المتعدّدة إلى فقير واحد.

- ظاهر این است که جواز افطار روزه برای آنان از باب رخصت است و نه عزیمت و از این رو اگر روزه بگیرند، درست است و در جواز افطار، سختی و مشقتی که به صورت غالب همراه با دوران پیری و فرتوتی است کفایت می‌کند؛ هرچند به حرج و تنگی زندگی که تکلیف را بر می‌دارد نرسد، و آنچه (مد) که به عنوان کفاره می‌پردازد باید عین باشد، و لازم نیست آن را در تهیه‌ی خوراک استفاده کند بلکه فقیر هرگونه که خود بخواهد می‌تواند آن را در هزینه‌ی زندگی خویش به کار برد، و کفاره چند روز را می‌توان به یک فقیر داد.

* * *

«نکونام»: برای پرداخت کفاره لازم نیست عین آن داده شود، بلکه می‌توان معادل ریالی آن را نیز پرداخت کرد.

□ □ □ □

□ روزه گرفتن معتاد مریض

س ۹۰۹ - شخصی شصت ساله، همیشه بیمار و معتاد به تریاک می باشد و هر روز در وقتی معین باید تریاک استفاده کند و از این کار خود نادم و پشیمان است؛ چون نمی تواند واجبات دینی خود را انجام دهد و در ماه مبارک رمضان بر گرفتن روزه توانایی ندارد، تکلیف وی چیست؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله که نمی تواند ترک کند، تکلیف او این است که از مفطرات، غیر از کشیدن تریاک امساک کند و آن را هم به مقدار ضرورت اکتفا کند و در این صورت، ان شاء الله چیزی بر او نیست.

* * *

«نکونام»: در فرض مسأله، با جواز مصرف تریاک در روز ماه رمضان، تکلیفی نسبت به روزه ندارد؛ و خودداری از دیگر باطل کننده های روزه به نیت روزه و مصرف تریاک به قدر ضرورت نیز لزومی ندارد.

□ □ □ □

س ۹۱۰ - شخصی چنان به سیگار معتاد است که ترک سیگار او را مانند دیوانگان می سازد، تکلیف این شخص راجع به روزه چیست؟

«گلپایگانی»: تصمیم بگیرد سیگار نکشد و روزه را هم بگیرد.

* * *

«نکونام»: نیاز داشتن به سیگار، مجوز افطار روزه نمی شود.

□ □ □ □

□ داروی جلوگیری

س ۹۱۱ - اگر زن در ماه مبارک رمضان از قرص های پیش گیری استفاده کند تا عادت خود را به تأخیر اندازد، آیا می تواند روزه بگیرد یا نه؟

ج - در صورتی که ضرر بدنی نداشته باشد، جایز است و اگر خون نبیند، روزه و نماز او صحیح است.

□ □ □ □

س ۹۱۲ - برخی از بانوان برای آن که بتوانند روزه‌ی ماه مبارک رمضان را بگیرند از داروی پیش‌گیری استفاده می‌کنند، و گاه می‌شود که به هنگام استفاده‌ی دارو یا پیش از آن، خون می‌بینند که طبق اطمینان نوعی و عادت همیشگی به بقای خون به مدت سه روز اطمینان می‌یابند، در این صورت، حکم مسایل زیر چیست: آیا به مجرد رؤیت دم در حین استعمال دارو به قاعده‌ی امکان می‌تواند روزه‌ی خود را افطار نماید؟

آیا سه روز دیدن خون، شرط واقعی است یا اماره؟ و روی این جهت اگر پس از یک روز، خون قطع شد، حکم آن خون چیست؟ و اگر روزه‌ی خود را به خیال این که وظیفه او افطار است افطار نمود؛ چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: به حسب ظاهر اخبار، کون الدم ثلاثة ایام، شرط واقعی است، علی هذا، اگر رؤیت دم در ایام عادت است یا این که خون، واجد صفات حیض است و تصمیم دارد که علاج و استعمال دارو نکند تا مانع جریان دم شود، به مجرد رؤیت می‌تواند افطار کند و در این صورت، اگر اتفاقاً در کم‌تر از سه روز قطع شد، فقط قضا واجب است و کفاره ندارد و اگر تصمیم دارد با خوردن قرص جلوگیری نماید و علم دارد که در کم‌تر از سه روز قطع می‌شود، افطار جایز نیست و موجب کفاره است و اغسال استحاضه را احتیاطاً بجا آورد.

* * *

«نکونام»: دیدن سه روز پی‌درپی خون شرط واقعی است و بنابراین، با خوردن قرص و علم به بند آمدن خون در کم‌تر از سه روز، افطار جایز نیست و کفاره و انجام غسل‌های استحاضه بر او واجب است.

□ □ □ □

س ۹۱۳ - اگر به مجرد دیدن خون در ایام عادت، طبق قاعده و عمل همیشگی افطار نمود و سپس از قرص جلوگیری استفاده کرد و در کم‌تر از سه روز خون قطع شود، حکم این خون و حکم افطار روزه‌ی او را بیان فرمایید.
ج - اگر تصمیم جلوگیری از حیض به علاج و استعمال دارو نداشت و

افطار کرد و بعد بدون تصمیم قبلی دوا خورد، کفاره ندارد و اگر بعد از رؤیت تصمیم جلوگیری را داشت و نیز می دانست که خون - به وسیله‌ی علاج - در کم‌تر از سه روز قطع می‌شود و مع ذلک افطار کرد، افطار حرام و کفاره هم واجب است.

□ □ □ □

دیگر مسایل روزه

□ غذا بردن مستخدم برای کارفرمای روزه‌خوار

س ۹۱۴ - اگر رئیس یا کارفرمای کارخانه‌ای پیش خدمت و مستخدم خود را مجبور کند که در روز ماه مبارک رمضان برای او غذا بیاورد و اگر وی خودداری نماید، ممکن است او را از کار برکنار کند، آیا این عمل برای مستخدم مسؤولیت شرعی دارد یا نه؟

«گلبایگانی»: تا مضطر نشوند، این کار را نکنند.

* * *

«نکونام»: در صورتی که چنین نافرمانی از کارفرما سبب بیکاری او شود و بیکاری عسر و حرج داشته باشد، مخالفت با کارفرما با وجود اضطرار لازم نیست؛ هرچند در صورت امکان لازم است ناپسندی خود را بیان دارد.

□ □ □ □

س ۹۱۵ - استعمال عطر و بوی خوش در حالت روزه چگونه است؟

ج - بوییدن گیاه خوش بو مکروه است و لکن استعمال بوی خوش مانعی ندارد.

□ □ □ □

□ فروش خوراکی به اشخاص غیر روزه‌دار

س ۹۱۶ - اگر شخص روزه‌دار در ماه رمضان چای و خوراکی را به اشخاصی که مسلمانند ولی روزه‌دار نیستند بفروشد، چه حکمی دارد و آیا این معامله صحیح

و درآمد آن حلال است یا نه و اگر حرام است، آن را به چه مصرفی برساند؟
 «گلیپگانی»: اگر خوردن روزه بر آن اشخاص حرام باشد، چای و خوراکی نزد آنان گذاشتن - برای این که بخورند - حرام و اعانت بر اثم، و معامله هم باطل است. لکن با خوردن، ضامن قیمت می‌شوند. پس اگر قیمت واقعی را گرفته، بر او حلال است و اگر زیادتر گرفته، زیادی را به صاحبانش رد کند و اگر نمی‌شناسد با اذن حاکم شرع برای آن‌ها به فقیر غیر سید صدقه بدهد.

* * *

«نکونام»: فروش چای و خوراکی توسط فروشنده یا کارگر مغازه و کافه به اشخاص مسلمان غیر روزه‌دار، در صورتی که به روزه‌خواری آن‌ها از معصیت علم نداشته باشد، مانند آن که امکان مسافر یا مریض بودن آن‌ها باشد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر علم به روزه‌خواری آن‌ها به گونه‌ی غالب نوعی از معصیت داشته باشد، جایز نیست؛ هرچند در هر دو مورد نیز نباید فروش، صورت علنی داشته باشد.

□ □ □ □

س ۹۱۷ - اگر زن، در حال روزه‌ی نذر معین حیض شود، چه تکلیفی دارد؟
 «گلیپگانی»: احتیاط لازم آن است که عوض آن را نه بقصد قضا، بلکه به قصد مطلوبیت مطلقه بجا آورد.

* * *

«نکونام»: تکلیفی بر او نیست.

□ □ □ □

س ۹۱۸ - کسی توبه کرده و قسم می‌خورد یا نذر می‌کند که اگر مرتکب گناه شوم و برای نمونه، اگر شراب بخورم یا زنا کنم، یک ماه پی‌درپی روزه بگیرم، حال به عمد مخالفت نکرده، ولی بی‌اختیار آن را مرتکب شده و دوباره توبه کرده،

تکلیف وی چیست؟

ج - اگر اجباری و اکراهی که رافع حکم باشد در بین بوده، حنث نذر و قسم نشده است والا لازم است روزه بگیرد.

□ □ □ □

س ۹۱۹ - در دعاهای دهه‌ی آخر ماه رمضان است که: «هب لي يقيناً تباشر به قلبي» معنای آن چیست؟

ج - بلی، این دعا در ادعیه‌ی ماه مبارک رمضان وارد است؛ مثل: «اللهم اني أسألك ايماناً تباشر به قلبي» و در دعاهای دیگر نیز هست، و معنای آن این است که: خدایا، ایمانی از تو می‌خواهم که آن را به قلب من تماس بدهی.

□ □ □ □

مناسک حج

▣ استطاعت

س ۹۲۰ - آیا زنی که دارای شوهری بده کار است و ماهیانه مقدار زیادی نزول می‌دهد مستطیع دانسته می‌شود و حج بر او واجب می‌شود یا نه؟
«گلیپگانی»: ادای دین شوهر بر زن واجب نیست و اگر استطاعت دارد، واجب است حج خود را بجا آورد.

* * *

«نکونام»: بدهی مرد با استطاعت زن ملازمه ندارد و این دو، دو موضوع جدای از هم است.

□ □ □ □

س ۹۲۱ - کسی که هزینه‌های حج را دارد، ولی برای پسر خود همسر نگرفته یا فرزند وی بیمار و نیازمند به معالجه و درمان است، آیا در این صورت حج مقدم است یا رسیدگی به امر ازدواج و معالجه‌ی فرزند؟

ج - اگر از جهت ترک تزویج در عسر و حرج واقع نمی‌شود، حج مقدم است و اگر امر دایر شد بین حج و معالجه‌ی مرض، معالجه مقدم است و مستطیع نیست.

□ □ □ □

س ۹۲۲ - کسی که از سال پیش مستطیع است ولی هنوز به مکه مشرف نشده آیا می‌تواند در ایامی غیر از ماه‌های حج برای عمره‌ی مفرده مشرف شود یا خیر؟
ج - بلی، جایز است، لکن اگر رفتن برای عمره‌ی مفرده موجب سلب قدرت او از انجام حج واجب شود، جایز نیست.



س ۹۲۳ - مدیران گروه حج، اشخاصی را به عنوان روحانی یا کارمند با خود به مکه می‌برند و تنها هزینه‌ی رفت و برگشت را به آن‌ها می‌دهند، در این فرض، آیا حج بر آن‌ها واجب می‌شود و در صورت عدم وجوب می‌توانند عوض دیگری حج بجا آورند یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر بعد از رسیدن به میقات، دارایی آن‌ها وافی به لباس احرام و قربانی و مخارج عایله‌شان در این مدت باشد، مستطیع می‌باشند و واجب است برای خود حج بجا آورند و اگر وافی نیست یا در سال‌های قبل حج خود را انجام داده‌اند، می‌توانند از دیگری در حج میقاتی نیابت نمایند.



س ۹۲۴ - کسی که مستطیع بوده ولی هنوز به مکه مشرف نشده، اگر در غیر ماه‌های حج برای عمره‌ی مفرده به مکه مشرف شود، استطاعت مالی خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند در ایام حج به مکه رود، آیا وی می‌تواند برای عمره ثبت‌نام کند یا نه؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، اگر در همان سال استطاعت پیدا کرده و هنگام فراهم نمودن مقدمات سفر حج نرسیده و علم به تمکن از حج در وقت خود ندارد، جایز است آن مال را صرف عمره‌ی مفرده نماید و لکن اگر علم دارد که متمکن از حج در وقت آن است، در این صورت قبل از اوان حج، احتیاط واجب عدم صرف آن مال در عمره‌ی مفرده است و در اوقاتی که باید مقدمات و وسایل سفر حج را تهیه نمود، جایز نیست.



«نکونام»: چنانچه گزاردن عمره‌ی مفرده استطاعت مالی را ناقص می‌کند جایز نیست عمره انجام دهد.



س ۹۲۵ - این جانب قصد زیارت بیت الله را دارم و با این که شوهرم ثروتمند است مانع رفتن به حج است و راضی نمی‌شود که مقداری از اموال خود را جهت حج به فروش رسانم، در این صورت تکلیف من چیست؟ اطاعت شوهر مقدم است یا حج؟ ج - حج مقدم است و در ترک واجب نباید اطاعت شوهر کرد.



س ۹۲۶ - افرادی همچون پزشکان و آشپزان کاروان‌ها که مستطیع هستند و حمله‌دار آنان را برای طبابت و آشپزی به مکه می‌برد، آیا با این که به این عنوان به مکه می‌روند می‌توانند اعمال حج را به قصد حجة الاسلام انجام دهند تا تکلیف خود را آورده باشند یا نه؟ ج - همان حج را به قصد حجة الاسلام بجا آورند مجزی است.



س ۹۲۷ - شخصی در بلد مستطیع نیست ولی در میقات مستطیع می‌شود، آیا حج او از حجة الاسلام کفایت می‌کند یا نه؟ ج - مجزی است.



س ۹۲۸ - شخصی دارایی خود را که ملک مشاع بوده به وارثان خود که پنج دختر می‌باشند صلح کرده، فرزندان نیز درآمد آن را به پدر تا آخر عمر مصالحه نموده‌اند و اکنون تمام مال به عنوان بهره‌برداری تحت تصرف او می‌باشد، یکی از ورثه، هنگام صلح و مصالحه در حال احتضار بوده و سپس فوت شده، در این صورت قضای حج برای شخصی که فوت شده لازم است یا نه؟

ج - در فرض سؤال که زمان استطاعت در حال حیات قابل انجام حج نبوده، استیجار حج برای او واجب نیست.



س ۹۲۹ - کسی در آمد خود را ذخیره می‌کند که بعد از مدتی خانه‌ی کوچک خود را که به سختی در آن زندگی می‌کند به خانه‌ی وسیعی تبدیل نماید، حال اگر بتواند پیش از خرید خانه به حج رود، آیا حج بر او واجب است یا این که لزوم خانه مانع از وجوب حج است؟

«گلیپگانی»: اگر پیش از اوقات مهیا شدن برای حج، صرف خانه‌ی مسکونی نماید، مانعی ندارد، لکن اگر تا اوان حج نخریده، واجب است در صورت وجود سایر شرایط، حج را بجا آورد.

* * *

«نکونام»: در صورتی که وسیع نمودن خانه برای وی سختی و مشقت پیش می‌آورد و با گزاردن حج نیز تهیه‌ی آن با سختی و مشقت انجام می‌گیرد، وی مستطیع نیست و فرا رسیدن یا فرا نرسیدن زمان حج در حکم دخالتی ندارد.

□ □ □ □

س ۹۳۰ - زنی است که بیست و پنج هزار تومان آب و ملک از ارث پدر دارد و مهریه‌ی خود را نیز از شوهرش طلب دارد و در ضمن درآمدی که از ارث دارد، هزینه‌ی سالانه‌ی او و شوهرش را تأمین می‌کند؛ زیرا شوهر او مالی از خود ندارد، آیا وی مستطیع است یا نه؟

ج - در صورتی که قبلاً حج بر او مستقر نشده و فعلاً هم اگر بخواهد برود و برگردد امر معاش او و شوهرش مختل می‌شود، استطاعت ندارد.

□ □ □ □

س ۹۳۱ - کسی ملکی دارد که برای هزینه‌های او کافی نیست و از سهم مبارک امام علیه السلام مصرف می‌کند و اگر آن ملک را بفروشد، هزینه‌ی مکه را تأمین می‌کند اما در بازگشت باید از سهم مبارک امام مصرف نماید، آیا استطاعت برای چنین شخصی حاصل است یا نه؟

ج - لازم نیست شخص مذکور ملک را بفروشد، بنابراین مستطیع نیست.

□ □ □ □

س ۹۳۲ - شخصی جهت انجام اعمال حج نایب می‌شود و پس از آن، خود مستطیع می‌گردد، در این صورت، آیا اجاره باطل می‌شود یا نه؟

ج - در فرض سؤال که استطاعت از غیر جهت اجاره حاصل شده، کشف می‌شود که اجاره باطل بوده و باید حج خود را بجا آورد.

□ □ □ □

س ۹۳۳ - شخصی در حجة الاسلام بعد از اعمال عمره در روز هفتم در اثر تصادف، او را در حال بیهوشی به ایران آوردند، حال آیا در سال‌های بعد باید خود به مکه رود یا نایب بگیرد یا ذمه‌ی وی بری شده و چیزی بر او واجب نیست و استقرار حج در سال‌های پیش یا عدم استقرار تفاوتی دارد یا نه؟ و در صورت وجوب نیابت، گزاردن حج میقاتی کافی است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر در سال اول استطاعت او بوده و فعلا دیگر استطاعت ندارد، واجب نیست، ولی اگر فعلا استطاعت دارد، واجب است عمره و حج تمتع را ثانيا بجا آورد و هم‌چنین اگر از سال‌های قبل مستطیع بوده، باید عمره و حج را بجا آورد و با عذر شرعی، گرفتن نایب کافی است و در مواردی که جایز باشد نایب بگیرد، حج میقاتی کافی است.

□ □ □ □

س ۹۳۴ - زنی است فقیر و بی‌بضاعت که فرزند وی می‌خواهد او را با خود به مکه ببرد، ولی شوهرش می‌گوید من راضی نیستم، آیا حج بر این زن واجب است یا نه؟ و اجابت دعوت کننده برای حج در غیر صورت فوق واجب است یا نه؟

ج - در این صورت، حج واجب است و زوج حق منع ندارد و اجابت دعوت کننده برای حج، در غیر این صورت نیز واجب است.

□ □ □ □

س ۹۳۵ - شخص لال اگر مستطیع باشد، واجب است برای انجام عمل حج به مکه رود یا نه؟

ج - بلی، واجب است و در نماز به جای قرائت، اشاره کند و اگر می تواند، زبان را حرکت دهد.



س ۹۳۶ - این جانب چند سال پیش ازدواج کردم و مهریه ام هفت هزار و پانصد تومان می باشد و در آن زمان هزینه ی حج خیلی کم تر از هزینه ی فعلی بود و خود را با این مهریه مستطیع می دانستم ولی شوهرم مهریه مرا نداده بود که به حج مشرف شوم، بنابر این، آیا در حال حاضر بر من واجب است به مکه روم یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر شوهر شما متمکن بوده که مهریه ی شما را بدهد و مع ذلک مسامحه کردید و نگرفتید، حج بر شما مستقر شده و باید بجا آورید و اگر متمکن نبوده یا اگر متمکن بوده به هیچ نحو حاضر نبوده مهریه ی شما را ادا کند و شما هم قدرت بر گرفتن نداشتید، حج بر شما واجب نشده است.



س ۹۳۷ - کسی که استطاعت مالی دارد اما استطاعت بدنی ندارد، آیا لازم است در زمان حیات خود برای حج نایب بگیرد یا خیر؟ و در صورت لزوم، آیا نایب گرفتن از میقات کفایت می کند یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر رجای حصول استطاعت بدنی ندارد، باید نایب بگیرد و استنباه از میقات کافی است و اگر رجا دارد، احتیاط واجب آن است که نایب بگیرد و اگر رفع عذر شد، خودش نیز به حج برود و در صورتی که پس از رفع عذر استطاعت مالی پیدا نکند، لازم نیست به حج برود.



«نکونام»: چنانچه امیدی بر توانمندی بدنی ندارد، باید نایب بگیرد و گرفتن نایب از میقات بسنده است و در صورتی که امید دارد، می تواند تأخیر

بیندازد و نیز می‌تواند نایب بگیرد و در صورت رفع عذر، لازم است خود نیز به حج رود و در صورتی که پس از رفع عذر استطاعت مالی نیابد، لازم نیست به حج رود.



س ۹۳۸ - زنی از جهات مالی استطاعت دارد اما بیماری‌های چندی دارد که از جمله‌ی آن درد پاست و توان وی تنها در این حد است که چند قدم بیشتر نمی‌تواند رود، با این حال، آیا واجب است دیگری را نایب بگیرد یا نه؟
«گلبایگانی»: در صورتی که به هیچ وجه نتواند ادای تکلیف نماید ولو به این که او را طواف بدهند و در سعی بین صفا و مروه سواره او را سعی بدهند و مأیوس از رفع کسالت و تمکن در آتیه باشد می‌تواند در حال حیات خود نایب بگیرد.



«نکونام»: چنانچه امید بهبودی ندارد و وضعیت وی موقتی نیست لازم است نایب بگیرد.



س ۹۳۹ - آژانس مسافرتی یا حمله‌دار به شخصی می‌گوید اگر ده نفر حج‌گزار فراهم کردی که با کاروان ما به مکه رود، تو را به رایگان به مکه می‌بریم، این در حالی است که آنان به حجاج اجحاف می‌کنند، بنابراین، شخص مزبور سبب اجحاف و اغفال حجاج شده است، حال آیا رفتن وی مشروع است و از حجة الاسلام کفایت می‌کند یا نه؟

ج - این کار، ضرری به حج او نمی‌زند و کفایت از حجة الاسلام می‌کند ولی اجحاف و اغفال مسلمین مذموم است.



س ۹۴۰ - آیا بر ساکنین مکه، همه ساله حج واجب است یا نه؟
ج - بر هر مستطیع؛ خواه ساکن حرم باشد یا بعید، در عمر، بیش از یک

مرتبہ حجۃ الاسلام واجب نیست. بلی از جهات دیگر ممکن است در سال‌های دیگر بر بعضی واجب شود.

□ □ □ □

□ فروش کتاب برای تأمین هزینه‌ی حج

س ۹۴۱ - طلبه‌ای که قیمت کتاب‌های او از هزینه‌ی حج بیش‌تر است، آیا واجب است کتاب‌های خود را بفروشد یا قرض نماید و به حج برود، در حالی که برای وی ممکن است به تدریج همان کتاب‌ها را تهیه یا قرض را ادا کند؟

«گلپایگانی»: در صورتی که کتاب‌ها مورد حاجت فعلی او نباشد و فروش آن‌ها ممکن باشد، واجب است ولو با استقراض به حج برود.

* * *

«نکونام»: فروش کتاب‌های خود؛ هرچند در هر صورت ممکن است، چون به‌ویژه در جامعه‌ی ما همراه با اتلاف مال و تفویت مصلحت است، نه تنها لازم نمی‌باشد، بلکه برای انجام حج جایز نیز نمی‌باشد. هم‌چنین، قرض گرفتن برای حج، ضرورت و وجوب شرعی ندارد؛ هرچند قدرت بر پرداخت آن بعد از حج داشته باشد و طرح این‌گونه پاسخ‌ها به مسأله - وجوب فروش کتاب جهت حج - مناسب فقه غنی شیعه نمی‌باشد.

□ □ □ □

□ رفتن به حج پیش از پرداخت بدهی

س ۹۴۲ - شخصی بده‌کار است و بستان‌کار به هیچ وجه راضی به تأخیر آن نیست و وی نیز توانایی ادای آن را دارد. آیا جایز است وی پیش از پرداخت بدهی به حج مشرف شود یا نه؟ و حج واجب یا مستحب از او صحیح است یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که شخص مدیون ثروتمند باشد، ادای دین و بجا آوردن حج، هر دو بر او واجب است و اگر عصیاناً ادای دین نکرده، مکه برود، حج او صحیح است ولی گناه کرده. بلی اگر قبلاً مستطیع نبوده و فعلاً هم اگر دین را ادا نکند نمی‌تواند به مکه برود، حج بر او واجب

نیست؛ زیرا مستطیع نیست، لکن مع ذلک اگر معصیت کند و حج برود، حج او صحیح است و بعد از حصول استطاعت، واجب است دوباره به مکه برود و در صحت حج، فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

* * *

«نکونام»: به حج رفتن بده کار، پیش از پرداخت بدهی خود در حالی که وی قدرت پرداختن آن را دارد، در هر صورت معصیت است و اگر هزینه‌ی حج به مقداری باشد که با پرداخت بدهی، چیزی نماند یا کم‌تر از مقدار هزینه‌ی لازم حج بماند، بده کار مستطیع نیز نمی‌شود و اگر با این پول، حج نیز برود، کفایت از حج واجب نمی‌کند. البته، اگر موقعیت بالای مالی وی بیش از بدهی او و هزینه‌ی حج باشد، ولی ترک پرداخت بدهی کند و به حج رود، معصیت در ترک ادای بدهی با صحت و بسنده بودن حج ناسازگاری ندارد.

□ □ □ □

س ۹۴۳ - شخصی که استطاعت بدنی و مالی داشته و به عمد به مکه نرفته و در حال حاضر از انجام آن ناتوان شده، آیا می‌تواند برای خود نایب بگیرد تا حج میقاتی بجا آورد یا نه؟

ج - اگر فعلاً قدرت ندارد و مایوس از توانایی بر رفتن خود در آینده نیز باشد، می‌تواند جهت حج میقاتی نایب بگیرد.

□ □ □ □

س ۹۴۴ - زنی که خود استطاعت مالی دارد - هرچند به این که مهریه‌ی خود را از شوهر بگیرد - ولی اگر اموال خود را هزینه‌ی گزاردن حج نماید، در آینده زندگی بر او سخت می‌شود؛ چرا که شوهر وی نمی‌تواند وسایل زندگی او را مانند پیش فراهم نماید، آیا بر وی لازم است به حج رود یا نه؟

ج - اگر به نحوی باشد که با مصرف کردن اموال خود، زندگی آنان مختل می‌شود، مستطیع نیست.

□ □ □ □

س ۹۴۵ - چند سال پیش شخصی به شبهه‌ی استطاعت به نیت رجا به حج مشرف شده و بدهی‌های وی نیز بعد از بازگشت ادا شده و اخلاقی در امر معاش وی پیدا نشده، آیا در این صورت حج مذکور کفایت از حجة الاسلام می‌کند یا نه؟
ج - اگر فعلاً هم شک در استطاعت خود در آن سال دارد، آن حج مجزی از حجة الاسلام نیست.

□ □ □ □

س ۹۴۶ - شخصی به هنگام حرکت حجاج، مستطیع شده، اما نمی‌تواند در همین سال به مکه رود و استطاعت خود را در سال آینده از دست می‌دهد، حال وظیفه‌ی وی چیست؟

ج - در مفروض سؤال، شخص مذکور مستطیع نیست.

□ □ □ □

س ۹۴۷ - شخصی استطاعت مالی جهت حج دارد ولی فعلاً وجه موجود ندارد بلکه مطالباتی از اشخاص دارد که پس از شش ماه یا یک سال دیگر وصول می‌شود در این صورت واجب است قرض نماید و به حج مشرف شود یا بگذارد سال آینده برود؟

«گلبایگانی»: شخصی که از مردم به قدر رفتن مکه طلب دارد ولی مطالبات او را نمی‌دهند قرض کردن بر او واجب نیست، لکن طلب اگر معجل باشد، گرفتن آن برای انجام حج، ولو به مرافعه نزد حاکم شرع یا به وسیله‌ی دیگر لازم است و اگر قرض کرد و بعد هم قادر بر ادا می‌باشد، مستطیع است و باید به مکه برود و ادای دین در سال بعد جزو مؤنه‌ی سال بعد است که از ریج همان سال بدون اخراج خمس، می‌شود ادا کرد.

* * *

«نکونام»: برای انجام حج واجب و به دست آوردن هزینه‌ی آن، دعوا و مرافعه و نیز گرفتن وام و قرض لازم نیست؛ اگرچه بتواند قرض خود را بپردازد و چنین شخصی استطاعت فعلی ندارد و مستطیع به شمار نمی‌آید.

□ □ □ □

□ درخواست مهریه برای استطاعت یافتن بر حج

س ۹۴۸ - زنی مهر خود را طلب دارد و شوهر وی نیز بر پرداخت آن تواناست، آیا آن زن مستطیع است، و مطالبه نمودن مهر؛ هرچند به نزاع بینجامد، واجب است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر شوهر قدرت بر ادا داشته باشد و زن بتواند از او وصول نماید، مستطیع است و واجب است از او بگیرد و حج را بجا آورد؛ اگرچه با اوقات تلخی باشد.

* * *

«نکونام»: در فرض مسأله، نزاع غیر از خشم گرفتن است؛ و اگر گرفتن مهریه به نزاع بینجامد که برای زندگی خانوادگی و زناشویی زیان‌بار باشد، درخواست آن جهت ادای حج واجب نیست و فرض وجود چنین طلبی، استطاعت فعلی نمی‌آورد؛ هرچند در صورت گرفتن آن، مستطیع می‌شود.

□ □ □ □

□ تحصیل استطاعت با قرض ربوی

س ۹۴۹ - شخصی مستطیع است و قصد دارد به مکه رود ولی وجه نقد ندارد و تنها دارای اعتبار بانکی است، آیا وی می‌تواند از بانک وام بگیرد تا اموال خود را بعد از آن بفروشد و بدهی بانکی خود را بپردازد یا نه؟

«گلبایگانی»: گرفتن قرض ربوی حرام است ولیکن اگر به یکی از عناوین محله بگیرد، مانع ندارد و اما راجع به فروش مال، اگر فعلاً ممکن است، اگرچه به کم‌تر از قیمت باشد، واجب است بفروشد و در همین سال به حج برود و اگر فروش آن ممکن نیست مگر به قیمت بسیار کم که اجحاف است، در این سال واجب نیست حج بجا آورد و لازم نیست قرض کند، لکن اگر قرض کرد و متمکن از ادای حج شد، حجة الاسلام او صحیح است و این احکام در صورتی است که سال اول استطاعت او باشد و اما

اگر از سال‌های قبل مستطیع بوده و مسامحه در ادای حج نموده، تأخیر آن به هیچ وجه جایز نیست.

* * *

«نکونام»: جمله‌ی «تأخیر آن به هیچ وجه جایز نیست» در پاسخ مسأله درست نیست؛ زیرا آن شخص در حال حاضر وجه نقد ندارد و بدهی غیر ربوی نیز ممکن نیست و فروش مال به کم‌تر از قیمت متعارف نیز اجحاف، تبذیر و حرام است، پس تکلیف فعلی نسبت به حج ندارد. بنابراین، هرچند از سال‌های پیش استطاعت داشته و در ادای حج مسامحه نموده است، ولی این امر سبب جایز بودن تحصیل استطاعت با قرض ربوی، اجحاف، تلف یا هر تکلیف غیر ممکن دیگری نمی‌گردد و به دست آوردن چنین استطاعتی واجب نیست. به این ترتیب، در جایز نبودن آن، میان وجود سابقه‌ی استطاعت در سال‌های پیش با استطاعت تنها در این سال تفاوتی نمی‌باشد و این سال نسبت به سال‌های استطاعت گذشته، تکلیف فعلی ندارد؛ جز آن که سال‌های استطاعت پیشین، گناه تأخیر انداختن آن را داراست؛ زیرا تأخیر در صورت امکان، تحقق یافته است؛ ولی این امر سبب تحصیل غیر شرعی استطاعت یا تکلیف ناممکن دیگری در سال‌های بعد نمی‌گردد.

□ □ □ □

س ۹۵۰ - بنده قصد تشریف به مکه را داشتم که سازمان مربوطه با آن موافقت نمود و اکنون شخصی می‌گوید اگر مبلغ هزار تومان به من بپردازد نام تو را در لیست کسانی که نام حج‌گزاران امسال در آن است خواهم نوشت، حال وظیفه‌ی من چیست؟

«گلپایگانی»: این اجحاف است و تحمل آن واجب نیست و در صورتی که سال اول استطاعت باشد، مانع از حصول استطاعت است. مکرر نظیر این

سؤال از حقیر شده است و «علی الإسلام السلام إذ قد بليت الأمة برعاة أمثال هؤلاء». بعید می‌دانم که مقامات مملکت با امتحاناتی که سازمان اوقاف در این چند سال داد از این سوء استفاده‌ها مطلع نباشند. مع ذلک برای این که مردم را در انجام امور مذهبی گرفتار و در زحمت بیندازند و آزادی آن‌ها را سلب نمایند با این که سفر به تمام نقاط دینا حتی به مراکز قمار و فحشا آزاد است، در سفرهای مذهبی و حج و زیارت مداخله می‌نمایند و از جهات متعدد مردم را ناراضی و خشمگین می‌سازند که در مواقف حج و مشاهد مشرفه نیز آنان را از نفرین فراموش ننمایند. مکرر اعلام نموده‌ایم که غرض از تأسیس سازمان اوقاف در اختیار گرفتن مذهب برای اجرای مقاصد دستگاه و سلب استقلال از روحانیت و بی‌اثر کردن مساجد و مشاهد و برنامه‌های مذهبی است. اگر مقامات بنای ضدیت با اسلام و قصد تغییر شخصیت اسلامی جامعه را ندارند و می‌خواهند با فساد مبارزه کنند، باید این سازمان را فوراً منحل نموده و به مداخلات نامشروعش خاتمه دهند و در هیچ ملت و مذهب و قانونی دیده و شنیده نشده است که برای عبادات عوارض قرار داده باشند و این عمل اوقاف در حقیقت عوارض حج و زیارت است.

* * *

«نکونام»: باید توجه داشت که این پاسخ مربوط به زمان ستم‌شاهی است و انشاء الله زمینه‌ای در زمان حاضر ندارد و در صورت وقوع، چنانچه سال نخست استطاعت وی باشد، مانع از استطاعت است.

□ □ □ □

س ۹۵۱ - اشخاص مستطیع که قصد زیارت خانه‌ی کعبه را دارند قریب به سه ماه پیش از حرکت، مشغول انجام کارهای مقدماتی؛ مانند گرفتن گذرنامه می‌باشند، اکنون شخصی که کارمند دولت است و سه ماه پیش از حرکت مستطیع نیست تا مشغول کارهای مقدماتی شود و اطمینان دارد که اگر پیشامدی رخ ندهد ممکن

است هر ماه مبلغی از حقوق خود پس انداز نموده و در موقع حرکت مستطیع شود، تکلیف چنین شخصی چیست؟

ج - در فرض سؤال، اگر استطاعت مالیه دارد، باید مقدمات آن را از قبیل گذرنامه و غیر آن تحصیل نماید، ولی پس انداز کردن برای تحصیل استطاعت واجب نیست.



س ۹۵۲ - زنی است که مهریه‌ی او هزینه‌های انجام حج را تأمین می‌کند ولی احتمال داده می‌شود شوهر وی بعد از صرف مهریه برای انجام حج، او را طلاق دهد یا شوهر می‌خواهد از مهریه‌ی وی برای پرداخت بدهی‌های خود استفاده کند، در این صورت، زن چه تکلیفی دارد؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال که مهریه وافی به مخارج حج باشد، زن مستطیع است و واجب است مهریه‌ی خود را صرف حج نماید و مجرد طلاق، باعث عدم وجوب حج نیست. بلی، اگر صرف مهریه در حج باعث شود که زندگی او مختل گردد، حج بر او واجب نیست.



«نکونام»: اگر زن مهریه‌ی خود را گرفته و داری استطاعت است، مرد نمی‌تواند حتی با تهدید طلاق گفتن وی، مانع او شود و بر زن لازم است که به حج رود ولی در صورتی که بخواهد مهریه‌ی خود را بگیرد تا بعد از آن مستطیع گردد و مرد وی را به طلاق گفتن او تهدید می‌کند، اجحاف و ظلم مرد به وی مانع استطاعت اوست و زن نباید زندگی آرام خود را تلخ نماید.



س ۹۵۳ - شخصی همسر ندارد و هزینه‌ی حج را دارد، آیا وی باید حج برود یا می‌تواند آن را در مراسم ازدواج هزینه کند؟

«گلپایگانی»: با فرض آن که استطاعت دارد، واجب است حج برود.



«نکونام»: کسی که قصد ازدواج دارد، در صورتی مستطیع و توانمند می‌گردد که افزوده بر مخارج حج، بتواند هزینه‌ی ازدواج خود را تأمین نماید و در صورتی که در شرف ازدواج باشد و نتواند هزینه‌ی ازدواج خود را فراهم آورد و ازدواج برای وی ضرورت دارد، وی مستطیع نیست.



س ۹۵۴ - شخصی چیزی را بدون منافع آن به فرزند خود صلح کرده، ولی فرزند پیش از پدر می‌میرد، آیا صلح این عین در صورت دارا بودن بودن شرایط دیگر موجب وجوب حج بر فرزند می‌گردد تا بر ورثه لازم باشد برای وی اجیر بگیرند یا نه؟

ج - در صورتی که ارزش آن عین مسلوب المنفعه وافی به مخارج حج بوده و می‌توانسته آن را بفروشد، استطاعت مالیه داشته و باید برای او حج استیجار شود.



س ۹۵۵ - کارمندی بازنشسته که در منزل استیجاری سکونت دارد مدت‌هاست با نهایت صرفه‌جویی، امرار معاش نموده و تا به حال مبلغ هشتاد هزار تومان پس‌انداز کرده تا خانه‌ای تهیه کند، حال با توجه به این که هر فردی، داشتن خانه‌ی محقر ملکی را از هر حیث بر منزل استیجاری ترجیح می‌دهد، مراد از رفع احتیاج چیست و آیا حج واجب به وی تعلق گرفته یا نه؟ و در ضمن، چند سال پیش شخصی از بستگان که حج واجب خود را انجام داده بود و می‌خواست برای مأموریتی به مکه رود و از هر جهت مورد اعتماد بود، چون از وضع وی و به‌خصوص بیماری او آگاه بود از وی می‌خواهد به او وکالت دهد تا اعمال حج را برای وی انجام دهد و او نیز به او وکالت می‌دهد و وجه قربانی را به او می‌پردازد و او هزینه‌های دیگر را با رضایت خود به وی بخشید، حال اگر حج بر وی واجب بوده، آیا حج مذکور از او کافی است یا نه؟

«گلپایگانی»: چنان‌چه از جهت نداشتن منزل ملکی در حرج شدید واقع

نمی‌شوید، حج واجب است و اگر موقعی که جهت حج نیابتی وکالت داده‌اید استطاعت بدنی جهت رفتن به مکه و انجام اعمال حج نداشته‌اید و فعلاً هم ندارید و مأیوس از پیدا شدن قدرت بدنی بوده و هستید، همان حج نیابتی کافی است^(۱).

* * *

«نکونام»: در فرض مسأله، استطاعت حاصل نمی‌شود و لزوم تهیه مسکن مانع از حصول استطاعت است.

□ □ □ □

س ۹۵۶ - کسی که در حال حاضر استطاعت دارد ولی مقداری زکات از چندی قبل بده کار است که اگر آن را بپردازد قدرت رفتن به مکه را از دست می‌دهد، آیا جایز است به مکه رود و سپس زکات را به تدریج بدهد یا خیر؟ و در صورت جایز نبودن آن، اگر به مکه رود و بعد از برگشتن، زکات را بدهد، کفایت از حجة الاسلام می‌کند یا نه و تفاوتی میان آگاه به مسأله و غیر آن هست یا خیر؟ ج - واجب است زکات را بدهد و اگر زاید بر آن ندارد، مستطیع نیست و این حج مجزی از حجة الاسلام نیست. بلی، اگر به مقدار زکات داشته باشد و به علاوه به مقدار استطاعت هم داشته باشد، مستطیع است و حج بر او واجب است و در این صورت، حج او مجزی از حجة الاسلام است؛ اگرچه عصیاناً زکات را تأخیر انداخته و فرقی بین عالم و جاهل نیست.

□ □ □ □

س ۹۵۷ - الرجل لم یکن مستطیعاً ولكن قسم الله له الوصول إلى بيت الله الحرام بصفة طعام الحاج، و نوى أن ينوب عن أحد أبويه بدون أن يوصى إليه بالنيابة، وطاف طواف النساء ولم يطفه لنفسه جاهلاً متعمداً، ولا يمكنه الحج مرة أخرى لعدم نفقه الطريق، كما لا يخفى على سماحتكم في هذا الوقت من أجره الطائفة،

۱- کسی که بدون خانهای ملکی رفع نیاز وی نمی‌شود، وقتی حج بر او واجب است که پول خانه را داشته باشد.

ولا يتمكّن من طريق آخر، فهل يجوز له أن يستتبع من يطوف طواف النساء نيابةً عنه؟

- مردی مستطیع نیست اما خداوند تشرّف به خانه‌ی خداوند را به او روزی نموده و او برای حاجیان غذا آماده می‌کند و وی نیت کرده است از یکی از پدران خود حج گزارد بدون آن که وی به آن وصیت نموده باشد و به نیابت از او طواف نسا گزارده اما برای خود از روی ناآگاهی و به عمد طواف نسا بجا نیاورده و برای وی ممکن نیست که دوباره حج انجام دهد؛ چرا که هزینه‌ی آن را ندارد و خود می‌دانید که هزینه تهیه‌ی بلیط هواپیما بالاست و وی به گونه‌ی دیگر نیز نمی‌تواند خود را به آن جا برساند، آیا در این صورت جایز است نایب بگیرد تا وی به نیابت از وی طواف نسا بگزارد؟

ج - يجب على النائب أن يطوف طواف النساء عن المنوب عنه، ولا يصح أن ينوبه لنفسه، فعلى هذا، لا إشكال في صحّة طوافه نيابةً عن أحد أبويه في الفرض، ولا يجب عليه طواف النساء لنفسه. نعم، في المسألة إشكال آخر من جهة أنه إذا كان متمكناً من شراء الهدى ولا يختل أمر معاشه بعد الرجوع من الحجّ بذلك، حصلت له الاستطاعة، وكان الواجب عليه الحجّ لنفسه، وحيث لم يأت به وجبت عليه حجّة الإسلام ولو متسكعاً.

- بر این فرد (نایب) واجب است به نیابت از کسی که برای وی نایب شده است طواف نسا بگزارد و درست نیست که وی برای خود نایب شود و بنابر این، طواف وی درست است و اشکالی ندارد و بر وی واجب نیست برای خود طواف نسا بگزارد. بله، در این مسأله از ناحیه‌ی دیگر اشکال وجود دارد و آن این که اگر وی قدرت بر خرید هدی داشته باشد و زندگی وی بعد از بازگشت از حج مختل نمی‌شود و به مشقت و سختی نمی‌افتد، استطاعت برای وی حاصل است و بر او واجب است برای خود حج بگزارد و چون وی آن را بجا نیاورده لازم است حج بگزارد؛ هرچند در این رابطه به سختی و مشقت دچار شود.

س ۹۵۸ - بنده هزینه‌ی سفر حج را دارا شدم و تصمیم به ثبت نام گرفتم و تمام مدارک را حاضر کردم ولی در موقع ثبت نام گفتند باید کارت پایان خدمت داشته باشی و چون من در آن موقع، خدمت سربازی را در وزارت آموزش و پرورش و محل کارم می‌گذراندم از ثبت نام من جلوگیری به عمل آمد، حال در خرداد ماه امسال، سربازی من تمام می‌شود، در این صورت، آیا در سال گذشته حج بر من واجب بوده است یا نه؟ در صورتی که در آن هنگام، تازه متأهل شده بودم و با پدرم زندگی می‌کردم و خانه‌ای جداگانه نداشتم و بعد از خودداری از ثبت نام، پول آن را صرف خرید ماشین که یکی از ضروریات زندگی من در آن موقع و در حال حاضر بود نمودم.

ج - در فرض مرقوم، اگر مانعی که برای شما پیش آمده در سال گذشته متمکن از رفع آن مانع نبوده‌اید، تمکن از سفر حج نداشته‌اید و فعلاً هم که استطاعت مالی ندارید حج بر شما واجب نیست و در آینده ان شاء الله تعالی هر وقت مستطیع شدید مشرف شوید.



س ۹۵۹ - شخصی برای حج ثبت نام نموده و نوبت تشریف او وقتی می‌رسد که او فوت نموده و وصیت کرده که شخص خاصی به جای او حج بجا آورد، اما وی خود مستطیع است و تنها به جهت بسته بودن راه نمی‌تواند به حج رود، آیا وی می‌تواند با استفاده از نوبت وصیت کننده، حج خود را بگذارد؟

ج - در فرض سؤال که شخص مذکور از جهت مالی مستطیع است، به هر نحو استطاعت طریقی پیدا کند، حج بر او مستقر می‌شود و لازم است حج خود را انجام دهد و باید برای موصی نایب بگیرند تا در همان سال برای او حج بجا آورد و تأخیر جایز نیست و چنانچه تأخیر انداخته شود، فوراً ففوراً باید انجام شود.



□ نیابت حج

س ۹۶۰ - آیا بر نایب واجب است حج نیابی را خود انجام دهد یا می‌تواند دیگری را اجیر کند که حج را انجام دهد؟

ج - جایز نیست که نایب، دیگری را اجیر کند؛ مگر با اذن مستأجر.

□ □ □ □

س ۹۶۱ - اگر کسی چند سال پیش نیابت حج میتی را تعهد کرده و الآن خود مستطیع شده، کدام یک از این‌ها را مقدم بدارد؟

ج - در فرض مسأله، واجب است برای خود حج بجا آورد.

□ □ □ □

س ۹۶۲ - اگر کسی چند سال پیش، نیابت حج میتی را به مبلغی پذیرفته و هم‌اکنون هزینه‌ی حج دو برابر شده، آیا حال که اجیر می‌خواهد حج را بجا بیاورد می‌تواند بقیه‌ی مخارج را از ورثه‌ی میت مطالبه کند یا نه؟

ج - اگر نیابتی را که قبول کرده و اجیر شده مقید به سال اول بوده و از بجا آوردن حج مانع داشته، اجاره باطل شده و فعلاً بر ورثه است که برای مورث به مقداری که وصیت کرده حج میقاتی یا از هر جا بشود، حج استیجار کنند و اگر بدون عذر و مانع تأخیر انداخته، قیمت سال اول را که او باعث فوت حج در آن سال شده ضامن است و اگر به‌نحو مطلق اجیر شده باشد، به ذمه‌ی اجیر است که بعد از رفع مانع، به هر قیمت که باشد حج را بجا آورد و به ورثه مربوط نیست.

□ □ □ □

س ۹۶۳ - شخصی با این که در زمان حیات، حج را به‌توسط دیگری انجام داده به انجام حج برای وی وصیت نموده، آیا در این صورت بر وصی واجب است دوباره برای او حج اجاره نماید یا نه؟

ج - اگر وصیت را بعد از انجام حج کرده، باید حج برای او استیجار شود و

اگر بعد از وصیت، حج را انجام داده، وجوب استیجار آن بر وصی معلوم نیست.



س ۹۶۴ - شخصی روز عید قربان با افراد گروه خود اختلاف پیدا کرده و از روی عصبانیت، به عمد هیچ یک از اعمال منی و مکه را بجا نیاورده و در موقع بازگشت به وطن به یکی از دوستان خود در مکه می‌گوید تو هر کاری می‌توانی برای من انجام بده، آیا نایب قرار دادن آن کفایت می‌کند یا چون به عمد آن را ترک کرده بسنده نیست و در صورت عدم کفایت، برای خروج از احرام، آیا باید خود عمره‌ی مفرده بجا آورد یا نیابت از آن نیز کافی است؟

ج - در فرض سؤال که شخصا قدرت داشته، بقیه‌ی اعمال را خودش انجام دهد، نیابت کافی نیست و با ترک طواف، عمدا حج او فاسد و احکام احرام او باقی است، مگر آن که عمره‌ی مفرده بجا آورد و محل شود و در ذی‌حجه‌ی سال بعد، ضمن احرام برای حج، قضای اعمال باقیه را نیز بجا آورد و برای افساد حج هم کفاره‌ی بدن لازم است.



س ۹۶۵ - شخصی مستطیع است ولی هنوز حج خود را بجا نیاورده، وی وجهی از ورثه‌ی میتی قبول می‌کند و در همان سال به مکه می‌رود و لکن آن سال حج نیابتی را انجام نمی‌دهد، بلکه برای خود می‌رود و تصمیم قطعی دارد سال آینده حج متوفی را بگذارد، آیا این عمل جایز است یا نه؟

ج - اجاره برای خصوص سال اول که خود شخص مستطیع است باطل است و مال الاجاره را مالک نمی‌شود و پول نزد او غصب می‌باشد و واجب است رد کند، ولی حج خود او که سال اول مشرف می‌شود صحیح است و سال بعد، اگر طرف مایل بود که این شخص مشرف شود، باید تجدید اجاره نمایند و اگر بدون اطلاع برود، مال الاجاره طلب ندارد.



س ۹۶۶ - زنی (عمه ی من) مستطیع است ولی قدرت مسافرت به خانه‌ی خدا را ندارد و برادر وی عازم خانه خداست و پسر برادر او نیز برای کمک پدر به مکه می‌رود و نیابت عمه‌ی خود را قبول می‌کند، ولی سفر اول اوست، آیا این حج قبول است یا نه؟

«گلیایگانی»: در فرض مسأله، اگر عمه مایوس از رفتن به حج باشد و نایب هم مستطیع و واجب الحج نبوده؛ یعنی نه خودش مال داشته به مقدار استطاعت و نه پدر به او گفته باشد که همراه من بیا برویم حج، خرج تو را می‌دهم، نیابت مذکور صحیح و حج او مقبول است؛ ان شاء الله، و اگر مستطیع بوده یا واجب الحج به نحوی که ذکر شد، صحت حج به نظر حقیر مشکل است و چنانچه حج را به نیابت عمه بجا آورد، باید هم برای عمه ثانیاً نایب بگیرند و هم برای خودش حج مشرف شود.

* * *

«نکونام»: در فرض مسأله، در صورتی که زن از توانا شدن بر انجام حج ناامید گردیده و بر نایب نیز انجام حج واجب نبوده؛ یعنی نه خود قدرت تأمین هزینه‌ی حج را داشته و نه پدر به وی امر به همراهی در سفر حج با تضمین تأمین هزینه‌ی آن نموده، نیابت و حج وی صحیح است، اما چنانچه وی مستطیع بوده یا انجام حج به گونه‌ی مذکور بر او واجب شده، حج او صحیح نیست و در صورتی که از طرف زن نایب شود، زن باید دوباره نایب بگیرد و نایب باید برای خود حج بگذارد.

□ □ □ □

س ۹۶۷ - شخصی که در طواف حج یا عمره‌ی مفرده یا عمره‌ی تمتع نایب شده، آیا بعد از ادای مناسک خود، آن را بجا آورد یا در تقدیم و تأخیر طواف نیابتی اختیار دارد؟

«گلیایگانی»: در فرض سؤال، احوط آن است که بعد از فراغ از ادای مناسک خود، طواف نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

* * *

«نکونام»: بر چنین ناییبی لازم است بعد از انجام مناسک خود، طواف نیابتی را پیش از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

□ □ □ □

س ۹۶۸ - آیا برای نایب در طواف عمره‌ی تمتع یا حج جایز است طواف را در غیر ماه‌های حج بجا آورد یا نه؟

ج - طواف عمره‌ی تمتع و طواف حج به عنوان نیابت از غیر واجب است در موسم حج انجام بگیرد؛ یعنی طواف عمره‌ی تمتع را در اشهر حج و طواف حج را در ذی حجه روز عید و بعد از آن باید بجا آورد؛ مگر این که منوب عنه طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود، که در این صورت، خود او، و در فرض عدم تمکن، نایب او می‌تواند طواف را در غیر اشهر حج بجا آورد.

□ □ □ □

س ۹۶۹ - شخصی نماز طواف را بی درنگ بجا آورده و بعد از سعی و تقصیر چون قرائتش درست نبوده، برای نماز طواف نایب گرفته، آیا نماز وی صحیح است یا نه و آیا به حج او ضرر وارد می‌آورد یا خیر؟

«گلپایگانی»: نایب باید نماز را بعد از طواف بخواند و در فرض مسأله که بعد از تقصیر بجا آورده، خلاف احتیاط است، ولی مضر به حج نیست.

* * *

«نکونام»: نایب باید نماز را بعد از طواف بخواند؛ اگرچه در فرض یاد شده بجا آوردن آن بعد از تقصیر به حج ضرری وارد نمی‌آورد.

□ □ □ □

س ۹۷۰ - کسی که حج تمتع می‌گزارد، اگر پس از احرام و بعد از وارد شدن به حرم فوت شود، آیا کفایت از دیگر اعمال حج می‌نماید یا باید برای او نایب گرفته شود؟
ج - کفایت می‌کند و گرفتن نایب لازم نیست؛ خواه حج خودش باشد یا نایب از غیر باشد.

□ □ □ □

س ۹۷۱ - شخصی چند سال پیش مستطیع بوده و به سبب نداشتن قدرت بدنی نتوانسته است حج بگذارد و چون از به دست آوردن قدرت بدنی ناامید بوده شخصی را اجیر می‌نماید که از طرف او حج نماید و اجیر تمام مبلغ را می‌گیرد و بعد از چند روز ادعا می‌کند که خود مستطیع است و باید به حج رود، آیا در این صورت، اجاره‌ی وی فسخ می‌شود یا خیر؟ و تکلیف نایب درباره مخرج ابتدایی که نموده چیست؟

ج - در فرض سؤال، اگر برای حجة الاسلام اجیر شده و بعد معلوم شود که منوب عنه متمکن شده، اجاره باطل است و مقداری که اجیر به امر مستأجر خرج کرده، ضامن نیست و اگر برای مطلق حج اجیر شده؛ اعم از حجة الاسلام و غیره و اختیار فسخ برای مستأجر قرار نداده باشند، اجاره لازم است و منوب عنه نمی‌تواند فسخ کند و اجیر باید عمل را انجام دهد.



س ۹۷۲ - شخصی را برای انجام اعمال حج اجیر می‌کنند و وی بخشی از مقدمات را انجام می‌دهد و سپس از طریق دولت ممنوع السفر می‌شود و به جای او دیگری را می‌فرستند، آیا این شخص در ازای آن مقدار از مقدمات که انجام داده استحقاق اجرتی دارد یا نه؟ و آیا حق دارند دیگری را به جای او بفرستند یا نه؟

ج - در فرض سؤال که اجیر ممنوع السفر شده، اجیر کنندگان حق دارند که شخص دیگری را اجیر کنند و راجع به استحقاق اجرت، اگر او را برای خصوص اعمال حج در همان سال که ممنوع السفر شده اجیر کرده‌اند، استحقاق اجرت ندارد، مگر این که مقدمات را به امر مستأجر بجا آورده باشد که چون عمل مسلم محترم است، اجرت المثل عمل خود را استحقاق دارد و اگر او را اجیر کرده‌اند برای حج و مقدمات، مال الاجاره تقسیط می‌شود و به مقداری که مقابل مقدمات واقع شده حق دارد.



س ۹۷۳ - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب نیز جایز است یا نه؟
ج - بلی، جایز است.

□ □ □ □

س ۹۷۴ - شخصی فوت کرده و شخص خاصی را برای انجام حج معین نموده ولی همسر وی بدون رضایت وصی دیگری را جهت انجام حج در نظر می‌گیرد، آیا شخصی که از طرف زن پول را گرفته مشغول الذمه است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر شخصی که پول را از زن گرفته به حج نرفته، باید بر طبق وصیت عمل شود و اگر به حج رفته و حج را صحیح انجام داده باشد ذمه‌ی منوب عنه بری می‌شود و لکن با علم به این که زن متوفی شرعاً مجاز در استیجار و ادای اجرت از ترکه منوب عنه نیست حق گرفتن اجرت ندارد، بلی اگر جاهل بوده حق مطالبه اجرت المثل عمل را از شخص آن زن دارد و اگر زن از مال خودش پول داده که نایب حج بجا آورد، حق مطالبه از نایب ندارد و حق برداشت از مال متوفی هم ندارد و حج نایب صحیح است.

□ □ □ □

س ۹۷۵ - شخصی که قرائت یا اذکار واجب نماز را به صورت صحیح نمی‌داند، آیا جایز است نیابت حج را قبول نماید و بعد از این که خود نماز طواف را خواند دیگری را نیز برای نماز نایب کند یا نه؟ و بر فرض عدم جواز؛ چون وی جاهل به مسأله بوده، چنین کاری را انجام داده، حال تکلیف او چیست؟

«گلپایگانی»: استیجار چنین شخصی خلاف احتیاط است و در فرض بعد هم احوط این است که از مستأجر استرضا کند یا وجه را مسترد دارد.

* * *

«نکونام»: کسی که نمی‌تواند اعمال و مناسک حج را به درستی انجام دهد نمی‌تواند از دیگری نایب شود و کسی که نایب می‌گیرد باید مطمئن باشد که نایب می‌تواند همه‌ی اعمال را به درستی انجام دهد و در صورتی که

نایب بر درست انجام دادن آن توانایی نداشته باشد و کسی که نایب می‌گیرد نیز از این موضوع آگاه نبوده است باید مزدی را که در برابر گرفته است باز گرداند و گرفتن نایب در حج نیابتی بدون آگاهی و موافقت کسی که نایب گرفته است جایز نیست.



س ۹۷۶ - می‌خواهم کسی را به نیابت برای زیارت بیت الله الحرام بفرستم، شرایط نیابت چیست و پولی که به نیابت حج داده می‌شود خمس دارد یا نه؟

ج - نایب باید مسلمان و عاقل و مسأله‌دان باشد و مستطیع هم نباشد که حج بر او واجب باشد و مصارف حج نیابتی مثل حج خود شخص جزو مؤنه است، اگر از سرمایه‌ی خمس داده یا ربح همان سال باشد، خمس ندارد.



س ۹۷۷ - اگر نایب برای حج اجیر شود و در ضمن عقد با او شرط کنند که حج را در سال معین یا از طریق معین بجا آورد و نایب تخلف کند و در سال دیگر یا از طریق دیگر برود، آیا حج او صحیح است و ذمه‌ی نایب گیرنده از حج فارغ می‌شود یا خیر، و آیا همه‌ی مزد را می‌تواند بگیرد یا نه؟

ج - در فرض سؤال که اجاره بر حج مخصوص واقع شده و نایب تخلف نموده، مستحق اجرت نیست و لکن ذمه‌ی منوب عنه فارغ می‌شود.



س ۹۷۸ - شخصی ملکی را جهت استیجار حج معین کرده و در موقع فروش ملک، قیمت آن زاید بر مال الاجاره نیابت حج است، در این صورت باید تمام آن را تسلیم نایب بنمایند یا آن که زاید آن را تسلیم ورثه نمایند؟

ج - در فرض سؤال، در صورتی که آن‌چه زاید بر مال الاجاره‌ی حج میقاتی است بیش‌تر از ثلث نباشد، تمام آن را بدهند به نایب؛ مگر آن که

معلوم باشد که غرض او استیجار اصل حج است و خصوصیت استیجار آن به تمام قیمت ملک مذکور در نظر موصی نبوده است.



س ۹۷۹ - آیا بر نایب واجب است اعمال حج را بر طبق فتوای مرجع تقلید نایب گیرنده انجام دهد یا مطابق وظیفه‌ی خود به تقلید یا به اجتهاد عمل نماید؟
ج - اجیر باید مطابق وظیفه‌ی خودش عمل نماید. بلی، اگر با او شرط کنند که علاوه بر واجبات و شرایط صحت به نظر اجیر بعضی از امور لازمه به نظر منوب عنه را نیز بجا آورد یا بعض منافیات به نظر او را ترک کند، باید به شرط عمل نماید.



س ۹۸۰ - شخصی از طرف دیگری برای انجام حج به مبلغ کمی نایب شد و سپس خدمت‌گزاری کاروانی را به عهده گرفته تا بتواند نیازهای خود را در سفر تأمین کند و وی حج نخست خود (صروره) را می‌گذاشته، آیا این حج، از طرف نایب گیرنده به شمار می‌رود یا چون خدمت دیگری را نموده، حج بر او واجب شده و نیابت وی باطل بوده است؟

ج - کسی که به واسطه‌ی قبول خدمت، رفتن به مکه بر او واجب شود و پول قربانی و لباس احرام داشته باشد، مستطیع است و باید حجة الاسلام بجا آورد و اگر اجیر برای نیابت شده باشد و اجیر شدن برای خدمت، بنفسه منافی با اجاره‌ی قبلی باشد، اجاره‌ی دوم باطل است و باید حج نیابتی را بجا آورد.



س ۹۸۱ - کسی که در حال احرام وارد حرم می‌شود و می‌میرد، حج او بنا بر مشهور صحیح است، آیا اگر کسی بعد از عمره‌ی تمتع و پیش از احرام حج فوت کند، ذمه‌ی وی بری است یا باید برای دیگر اعمال وی نایب گرفته شود و چنانچه

نایب لازم باشد و شخص شیعه یافت نشود، چه تکلیفی دارد؟

ج - بلی بریء الذمه می‌شود و گرفتن نایب لازم نیست.

□ □ □ □

س ۹۸۲ - زنی مستطیع است و از شوهر خود نیز مبلغی را طلب دارد و به هنگام فوت به شوهر خود گفته که در مقابل این طلب، باید حج مرا انجام دهی و بعد از فوت آن زن، شوهر نه حج را انجام داده و نه طلب او را داده است. اکنون اگر وارثان با هم توافق نکنند و نسبت به حج وی عملی انجام ندهند و اموال او را میان خود تقسیم کنند، نسبت به اصل حج تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال واجب است بر شوهر، حج مورد وصیت را بجا آورد و ورثه می‌توانند از او مطالبه کنند که یا عمل به وصیت کند یا دین را ادا نماید و اگر ورثه حج میقاتی برای متوفات بجا آورند، ذمه‌ی میت بری می‌شود و کافی است در جواز تصرف در بقیه‌ی ترکه، ولی تا حج ادا نشود، تصرف ورثه در ترکه‌ی او جایز نیست. بلی، اگر سهم یک نفر از آن‌ها به تنهایی وافی به حج میقاتی نیز نباشد و ورثه نیز حاضر نیستند پول حج را تکمیل نمایند، تصرف او در سهم خود مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۹۸۳ - در حج و عمره‌ی مفرده نیابی، نایب باید طواف نسا و نماز آن را از طرف خود انجام دهد یا از طرف نایب گیرنده؟
ج - باید به قصد منوب عنه انجام دهد.

□ □ □ □

س ۹۸۴ - آیا زن می‌تواند برای انجام حج دیگری اجیر شود یا نه؟
ج - بلی می‌تواند.

□ □ □ □

س ۹۸۵ - شخصی به مکه مشرف شده و پس از انجام اعمال حج خود آیا می‌تواند به نیابت از اشخاصی که معذور از طواف هستند یا قادر نیستند طواف حج و

طواف نسا و هم‌چنین سعی بین صفا و مروه را بجا بیاورند، این اعمال را انجام بدهد یا نه؟

ج - مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۹۸۶ - شخصی به گزاردن حج بلدی وصیت نموده ولی آن را مشخص نکرده و به شهری به خصوص منصرف نیست و قرینه نیز بر تعیین آن در دست نیست؛ مثلاً اگر وطن این شخص خراسان باشد و مدتی در آن‌جا زندگی کرده و سپس در تهران ساکن شده و بعد به کاشان رفته و در آن‌جا بیمار شده و به حج بلدی وصیت کرده و سپس برای زیارت به قم آمده و همان‌جا فوت کرده، در این صورت باید از کدام یک از شهرهای یاد شده برای او حج اجاره نمایند؟

ج - ظاهراً مراد از بلدی که موصی وصیت می‌نماید بلدی است که محل سکونت فعلی اوست؛ بناءً علی هذا، اگر از توطن در خراسان اعراض نموده، باید از تهران استیجار نمود، والا صاحب دو وطن است و از هر کدام استیجار شود، کافی است.

□ □ □ □

س ۹۸۷ - آیا ولی در حال احرام می‌تواند پیش از انجام اعمال خود از طرف کودکی نایب شود و اعمال او را انجام دهد یا نه؟
«گلبایگانی»: لازم است اول طواف و نماز آن و سعی خود را بجا آورد و احتیاطاً قبل از تقصیر، نیابتاً اعمال طفل را بجا آورد.

* * *

«نکونام»: بر نایب لازم است طواف و نماز آن و سعی خود را بجا آورد و پیش از تقصیر، اعمال طفل را به نیابت بگزارد.

□ □ □ □

س ۹۸۸ - شخصی مستطیع شده ولی بعد از استطاعت به جنون دایمی شده، آیا ولی شرعی او که از جانب حاکم شرع معین شده می‌تواند کسی را به نیابت او به

حج بفرستد یا نه؟

«گلبایگانی»: احوط، ترک استنابه است در حال جنون. بلی، اگر به همین حال از دنیا برود، بعد از موت او واجب است از ترکه‌ی او برایش حج استیجار نمایند.

* * *

«نکونام»: چنانچه دیوانگی وی دایمی باشد، می‌توان از طرف وی نایب گرفت.

□ □ □ □

س ۹۸۹ - آیا جایز است یک نفر حج مستحبی یا عمره‌ی مفرده‌ی مستحبی را از چند نفر بجا آورد و قصد نیابت از چند نفر بنماید یا نه؟
ج - در صورت تبرع مانع ندارد ولیکن در استیجاری، تابع قرارداد با مستأجرین است.

□ □ □ □

س ۹۹۰ - آیا کسی که در موقع عمل حج و عمره ناچار است سر خود را بیوشاند یا زیر سایه قرار بگیرد و نمی‌تواند در آفتاب باشد جایز است از دیگری نیابت کند یا نه؟

ج - در فرض سؤال که نایب معذور در انجام بعضی محرمات احرام است، نیابت و استیجار او مانع ندارد و کفاره‌ی آن بر عهده‌ی خود نایب است.

□ □ □ □

□ اجرت مسمای راه پیموده شده

س ۹۹۱ - شخصی برای انجام حجة الاسلام اجیر شده و تا سوریه رفته و موفق به انجام عمل نشده و به کشور خود بازگشته، آیا وی می‌تواند برای مخارجی که در این سفر نموده و جهی از گیرنده‌ی نایب بخواهد یا نه؟

«گلبایگانی»: بر حسب ظاهر حال که اجرت را مقابل رفتن و برگشتن و عمل

حج قرار می‌دهند، اجیر از اجرت المسمی به اندازه‌ای که از راه پیموده مستحق است؛ هرچند عمل برای منوب عنه فایده نداشته باشد.

* * *

«نکونام»: اگر نیابت برای عمل حج است، ولی رفتن راه آن به خواست نایب می‌باشد، «اجرت المسمی» ندارد و چیزی بر عهده‌ی نایب گیرنده نیست؛ ولی اگر شرط راه ویژه‌ای شده باشد، اجرت مسما دارد.

□ □ □ □

س ۹۹۲ - کسی که قرائت نماز او و همچنین اعراب تلبیه‌ی او صحیح نیست، آیا می‌تواند برای انجام حج دیگری نایب شود یا نه؟ و بر فرض جایز نبودن، آیا وی می‌تواند اجیر شود اما شرط کند کسی را برای نماز و تلبیه اجیر نماید یا تحت نظر معلمی تلبیه بگوید یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر با تلقین معلم بتواند صحیح بخواند، نیابت او جایز است و در غیر این صورت، محل اشکال است.

□ □ □ □

س ۹۹۳ - زنی از دنیا رفته و به شوهر خود وصیت کرده که برای او حج استیجار نمایند ولی قید بلدی یا میقاتی نکرده و شوهر وی قبول وصیت او نموده اما مسامحه کرده و جهت همسر خود حج استیجار ننموده و اموال او از بین رفته و شوهر آن زن که وصی او بوده فوت کرده است و پیش از فوت به یک نفر وصیت نموده که حج همسر بر عهده‌ی من مانده است آن را ادا کنید و شوهر دارای کودکانی صغیر است که اگر خواسته باشند حج بلدی آن زن را از مال او بردارند آن کودکان صغیر به زحمت می‌افتند، آیا اجازه می‌فرمایید که حج میقاتی جهت آن زن گزارده شود یا نه؟

ج - در فرض مسأله که وصیت به حج شده، چون منصرف به بلدی است، واجب است بر وصی حج بلدی استیجار نماید و اگر مال را تلف کرده،

ضامن حج بلدی است و فعلا باید از مال خود حج بلدی استیجار شود؛ هرچند صغیر داشته باشد.



س ۹۹۴ - شخصی در زمان حیات خود اهل نماز و روزه بوده و حج نیز بجا آورده، با این حال، وصیت کرده که برای او حج استیجار نمایند، فعلا فوت کرده و ورثه نمی‌دانند حجی که وصیت نموده برای این است که حجة الاسلام خود را باطل دانسته یا سفارش به انجام حج استحبابی و احتیاطی است، تکلیف چیست؟

«گلبایگانی»: ظاهر آن است که حج احتیاطی است، مگر قرینه باشد که مستحبی یا واجبی است و در هر صورت، باید بر طبق وصیت عمل شود.



«نکونام»: چنانچه دلیلی بر واجب بودن حج در دست نباشد حج نیابی استحبابی انجام گیرد، البته در صورتی که هزینه‌ی آن بیش از یک سوم اموال برجای مانده از او نباشد یا وارثان وی که صغیری در میان آنان نیست بر آن رضایت دهند.



س ۹۹۵ - شخصی فوت نموده و حج و قضای نماز و روزه بر عهده دارد و وصیت کرده که از یک سوم مال وی برای او حج و قضای نماز و روزه استیجار شود، در صورتی که یک سوم مال همه‌ی هزینه‌های آن را تأمین ننماید، کدام یک را باید مقدم داشت یا همه‌ی عبادات یاد شده در عرض هم قرار دارد؟

ج - در صورت عدم وفای ثلث، حج میقاتی از اصل برداشته می‌شود و اجرت نماز و روزه و تفاوت بین بلدی و میقاتی از ثلث داده می‌شود و در صورت عدم وفای ثلث به نماز و روزه و تفاوت بین بلدی و میقاتی، نماز و روزه مقدم بر تفاوت بین بلدی و میقاتی است و ورثه‌ی کبار در صورت رضایت، از مال خود حج بلدی استیجار نمایند و با عدم رضایت و عدم کفایت ثلث، زاید بر میقاتی واجب نیست.



س ۹۹۶ - اگر کسی به حج وصیت کند و بلدی یا میقاتی بودن آن را تعیین نکند، چه باید کرد؟

ج - ظاهر وصیت، حج بلدی است.

□ □ □ □

س ۹۹۷ - کسی که استطاعت حج را داشته و پیش از آن که به مکه برود از دنیا رفته، آیا می‌شود از میقات نایب برای او بگیرند یا باید از بلد نایب گرفت و آیا در وصیت کردن و نکردن متوفی و کم بودن و زیاد بودن مال او برای گرفتن نایب تفاوتی هست یا نه؟

ج - اگر وصیت نکرده، استیجار حج میقاتی کافی است و اگر وصیت کرده و مقید به میقاتی نبوده، حج بلدی استیجار نمایند، مگر آن که مازاد بر استیجار میقاتی بیش از ثلث باشد که در این صورت، محتاج به امضای ورثه است و اگر ورثه امضا نکردند، باید ثلث را صرف در استیجار حج از ماقبل میقات به هر مقدار که ممکن است بنمایند.

□ □ □ □

س ۹۹۸ - کسی که به قصد حج مستحبی، عمره‌ی تمتعی برای خود بجا آورده، آن‌گاه در مکه اجیر شده و دوباره به میقات ادنی الحل برگشته و سپس عمره و حج تمتعی به نیابت از شخص متوفی بجا آورده است، تکلیف او چیست؟
«گلبایگانی»: اجاره باطل و حج او نیز مجزی از حج منوب عنه نیست، بنا بر احتیاط واجب.

* * *

«نکونام»: اجاره باطل و حج او نیز از حج کسی که برای او نایب شده کافی نیست.

□ □ □ □

س ۹۹۹ - شخص مستطیع که حج بر او مستقر شده فوت نموده و وصیت کرده که شخص معینی که امسال اجیر دیگری است سال بعد از طرف او به نیابت به حج برود و حال آن که ممکن است امسال شخص دیگری از او نیابت نماید و نیز

محتمل است سال آینده موانعی ایجاد شود که نتوان کسی را اجیر نمود، در این صورت، مطابق وصیت باید شخص معین نایب شود یا امسال به دیگری رجوع نمایند؟

ج - ظاهر این است که عمل به این وصیت مشروع نیست و واجب است با تمکن، فوراً نایب بگیرند.



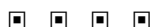
س ۱۰۰۰ - شخصی وصیت نموده از مال او بعد از مرگ برای وی حج بلدی استیجار شود، اما هم‌اکنون مال او هزینه‌ی حج بلدی را تأمین نمی‌کند و امید به ترقی قیمت نیز نیست، در این صورت، آیا لازم است برای گزاردن حج میقاتی از طرف او نایب گرفته شود یا نه؟

ج - با فرض این که آنچه معین شده وافی نیست، از هر جا می‌رسد استیجار شود؛ مثلاً اگر ممکن است، از عتبات استیجار شود و اگر ممکن نشود، میقاتی استیجار کنند.



س ۱۰۰۱ - شخصی از ایران حرکت می‌کند که برای خود یا به نیابت از دیگری حجة الاسلام بجا آورد، حال می‌خواهد پیش از حج برای خود یا دیگری عمره‌ی مفرده بجا آورده و بعد به مدینه باز گردد و برای حج احرام ببندد، آیا این عمل جایز است یا نه؟ و اگر چنین کرد، حج از عهده‌ی او یا از نایب گیرنده ساقط می‌شود یا نه؟

ج - کسی که حج واجب خود را بجا نیاورده جایز نیست در ایام حج، عمره‌ی مفرده بجا آورد و هم‌چنین کسی که نایب حج بلدی است، جایز نیست عمره‌ی مفرده را قبل از اعمال حج بجا آورد و در صورتی که قبل از حج بجا آورد، عمره‌ی مفرده‌ی او باطل است و لکن حج صحیح است و از ذمه‌ی منوب عنه ساقط می‌شود. بلی، اگر نایب حج بلدی بوده، استحقاق اجرت ندارد.



س ۱۰۰۲ - کسی که برای حج تمتع استحبابی به مکه رفته و عمره‌ی تمتع را انجام داده و از روی جهل به مسأله، برای حج تمتع میقاتی در مکه اجیر شده و به میقات رفته و برای عمره‌ی تمتع محرم شده و به مکه آمده و اعمال عمره را انجام داده و سپس مسأله را فهمیده که حج میقاتی وی صحیح نیست، نسبت به عمره تمتع و اعمال خود چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - احرام او برای عمره‌ی حج میقاتی درست نبوده و باید بقیه‌ی اعمالش را بجا آورد؛ یعنی در مکه برای حج محرم شود و به عرفات رود و مناسک را انجام دهد و حج تمتعش صحیح است.

□ □ □ □

□ حج به نیابت از امام زمان علیه السلام

س ۱۰۰۳ - عمره و حج به نیابت از امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صحیح است یا خیر؟

«گلبایگانی»: جواز آن بعید نیست.

* * *

«نکونام»: جمله‌ی «جواز آن بعید نیست» در پاسخ مسأله مناسب نمی‌باشد؛ زیرا چنین نیابتی - عمره یا حج نیابتی - از طرف آقا امام زمان یا دیگر حضرات معصومین علیهم السلام گذشته از جایز و نیکو بودن آن، می‌تواند استحباب نیز داشته باشد؛ چرا که با توجه به اطلاقاتِ باب حج مستحب نیابتی، تفاوتی میان افراد نیست؛ هر چند حضرت، خود در آن جا حج بگزارند.

□ □ □ □

□ میقات

س ۱۰۰۴ - شخصی در غیر ماه‌های حج با احرام عمره‌ی مفرد به مکه وارد شده و اعمال عمره‌ی مفرد را بجا آورده و تا ایام حج در مکه می‌ماند، آیا وی می‌تواند برای احرام عمره‌ی تمتع از تنعیم محرم شود یا باید به یکی از میقات‌ها برود؟

ج - باید به یکی از مواقیت پنج‌گانه برود و از آن جا محرم شود.

□ □ □ □

س ۱۰۰۵ - کسی که برای گزاردن عمره‌ی مفرده به مکه می‌رود، آیا جایز است با نذر یا بدون نذر از جده احرام ببندد؟ بر فرض جواز، آیا جایز است از حدیبیه یا ادنی الحل احرام ببندد؟ حکم صورت‌های مختلف مسأله را بیان فرمایید.

ج - عبور از میقات یا محاذی آن برای قاصد مکه، بدون احرام جایز نیست؛ هرچند بخواهد عمره‌ی مفرده بجا آورد و لکن اگر معصیت نمود و از ادنی الحل که میقات عمره‌ی مفرده است محرم شد، عمره‌ی او صحیح است و کسی که عازم عمره‌ی مفرده است، جایز است قبل از رسیدن به ادنی الحل نذر کند و محرم شود؛ خواه در جده باشد یا قبل از آن و هم‌چنین است اگر عابر قاصد مکه نبوده و بعد از عبور از میقات یا محاذی آن قصد نماید به مکه مشرف شود جایز است با نذر از جده مثلاً برای عمره‌ی مفرده محرم شود و اما اعمال حج واجب در مناسک مذکور است.



س ۱۰۰۶ - اگر کسی در مکه زندانی شود و هنگامی آزاد گردد که نمی‌تواند به میقات برود، از کجا باید محرم شود؟

«گلبایگانی»: فعلاً وظیفه‌ی این شخص بنا بر احتیاط این است که از هر جایی که نزدیک‌ترین نقطه به میقات است و ممکن باشد احرام عمره‌ی تمتع ببندد، محرم گردد و حج را تمام کند و پس از مراجعت، اگر سال اول استطاعت او بوده و استطاعتش تا سال بعد باقی نباشد، حج مزبور کافی است و چیزی بر او نیست و اگر تا سال بعد، استطاعتش باقی باشد یا قبلاً حج بر او مستقر شده بوده، مجدداً حج تمتع را بنا بر احتیاط لازم بجا آورد.



«نکونام»: وی باید از نزدیک‌ترین نقطه به میقات برای عمره‌ی تمتع محرم شود و حج را تمام کند و پس از بازگشت، چنانچه سال نخست استطاعت او بوده و استطاعت وی تا سال بعد باقی نباشد، حج یاد شده کافی است و

در صورتی که استطاعت وی تا سال بعد باقی باشد یا حج پیش از آن بر او مستقر بوده، لازم است حج تمتع را دوباره بگذارد.

□ □ □ □

س ۱۰۰۷ - اگر کسی پیش از میقات نذر احرام کرده باشد و پیش از میقات محرم شود و بعد از ورود به جده وسیله‌ی حرکت او به مدینه فراهم شود، آیا می‌تواند محل شود و به مدینه برود و بعد از آن از میقات محرم شود و وارد مکه گردد یا خیر؟

ج - انصراف از نیت احرام، سبب بیرون آمدن از احرام نمی‌شود و با آن که احرام بسته، تجدید احرام به نحو جزم مشروع نمی‌باشد. بلی رجاء بخواهد در مسجد شجره تجدید نیت کند مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۰۸ - کسی که در میقات برای عمره‌ی تمتع یا در مکه برای حج محرم می‌شود، اگر او را بی‌اختیار از میقات یا از مکه بیرون برند و باز گردانند، چه حکمی دارد؟ «گله‌یگانی»: فعلا مانعی به نظر نمی‌رسد، لکن در عمره‌ی تمتع، احتیاط آن است که در مراجعت و مرور به میقات یا محاذی آن، نیت و تلبیه را تکرار کند.

* * *

«نکونام»: در عمره‌ی تمتع لازم است به هنگامی که از میقات یا برابر آن می‌گذرد نیت و تلبیه را تکرار کند و در غیر آن چیزی بر او نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۰۹ - آیا احرام در هر جای مسجد شجره که در حال حاضر توسعه یافته، جایز است یا خیر؟

ج - احرام در تمام نقاط مسجد، بلکه در مقداری از اطراف و جوانب آن جایز است.

□ □ □ □

□ نیت احرام

س ۱۰۱۰ - معنای نیت الاحرام هو توطین النفس علی ترك المحرمات، فعليه أن الشخص الذي يحرم من بلده قبل الميقات بالندز، وهو يعلم أنه يسافر بالطائرة تحت الظل، فهل ينعقد نذره في هذه الصورة ويصح إحرامه أم لا؟

- با توجه به این که معنای احرام این است که شخص قصد ترک محرمات احرام را نماید و بنابر این، کسی که نذر نموده پیش از میقات محرم شود و از طرفی چون رفتن وی به زیر سایه حرام است و وی می‌داند که در هواپیما می‌نشیند، آیا نذر وی منعقد می‌شود؟

ج - الظاهر أن نية الإحرام لا يعتبر فيها العزم على ترك المحرمات وتوطین النفس عليه، بل هو إنشاء التحريم على نفسه، وهو لا ينافي العلم بارتكاب بعضها ولو مختاراً، فعلى هذا، ينعقد النذر ويصح الإحرام.

- ظاهر چنین است که در نیت احرام قصد ترک محرمات و آماده ساختن خود برای آن شرط نیست، بلکه نیت احرام آن است که محرمات را بر خود به انشا حرام کند و این امر با آگاهی از این که وی برخی از آن را به اختیار انجام می‌دهد منافاتی ندارد و بر این اساس، نذر وی منعقد می‌شود و احرام وی نیز صحیح است.



س ۱۰۱۱ - شخصی برای حج تمتع مشرف شد و در هنگام احرام نمی‌دانست باید برای عمره محرم شود و بنابر این نیت می‌کند که برای حج احرام می‌بندد و اعمال حج را طبق دستور عمره انجام می‌دهد و تقصیر می‌نماید و از احرام بیرون می‌آید و سپس به گمان این که عمره‌ی وی صحیح نباشد، به علت این که در موقع احرام عمره، نیت حج کرده، دوباره در مسجد الحرام محرم شود و نیت عمره کند و دوباره عمره‌ی تمتع بگذارد و سپس حج تمتع را انجام دهد، در این صورت عمره‌ی اول وی که به نیت حج بوده، چه حکمی دارد؟ و اگر عمره‌ی اول باطل

است، عمره‌ی دوم صحیح است یا خیر؛ چرا که او به میقات نرفته و از مکه خارج نشده و می‌دانسته که وقت بیرون رفتن را ندارد و امکان دارد که گم بشود.

ج - در فرض سؤال، اگر به نیت حج تمتع محرم شده، عمره‌ی اول او صحیح است.



س ۱۰۱۲ - کسی یک مرتبه به حج مشرف شده ولی آن را مورد پسند دل خود نمی‌داند و می‌خواهد دوباره حج بگذارد، آیا وی باید نیت احتیاط کند یا ما فی الذمه؟

ج - قصد ما فی الذمه نماید.



□ تلبیه

س ۱۰۱۳ - در حج تمتع پیش از وقوف به عرفات دانسته می‌شود که تلبیه‌ی او هم در عمره‌ی تمتع و هم در حج صحیح نبوده، اکنون وظیفه چیست؟

ج - در فرض سؤال که از جهت نسیان یا جهل بوده، اگر قبل از اعمال عمره متوجه شود؛ چنانچه ممکن است به میقات باز گردد و با تلبیه‌ی صحیح محرم شود، و اگر ممکن نیست، هر مقدار می‌تواند به طرف میقات برگردد و محرم شود و اگر آن هم ممکن نیست، در همان جا که می‌فهمد محرم شود و عمره‌ی او صحیح است و هم چنین اگر بعد از اعمال عمره بفهمد، عمره‌ی او صحیح است و اگر در عرفات بفهمد و برگشتن ممکن باشد، برگردد به مکه و ثانیاً محرم شود و اگر ممکن نیست، هر قدر می‌تواند به طرف مکه برگردد و محرم شود و اگر آن نیز ممکن نیست، در همان محل محرم شود و حج او صحیح است.



س ۱۰۱۴ - هرگاه کسی به هنگام بستن حوله‌ی احرام نیت عمره‌ی تمتع نماید و بعد از آن که حوله را بست، دعای مستحبی خواند و آنگاه متوجه شد که لبیک نگفته و بی‌درنگ لبیک بگوید، چه حکمی دارد؟
ج - مانعی ندارد، احرام صحیح است.

□ □ □ □

س ۱۰۱۵ - شخصی خیال کرده که تلبیه مختص به عمره است و برای احرام حج تلبیه نگفته و بدون تلبیه محرم شده و به عرفات رفته و اعمال خود را تا آخر انجام داده و سپس دانسته که باید در احرام حج نیز تلبیه بگوید، تکلیف وی چیست؟
ج - در فرض سؤال که بعد از تمام اعمال فهمیده که تلبیه نگفته، حج او صحیح است.

□ □ □ □

س ۱۰۱۶ - کسانی که به احرام عمره‌ی تمتع محرم می‌شوند و بعد وظیفه آن‌ها حج افراد می‌شود، آیا باید دوباره به نیت حج افراد تلبیه بگویند و محرم شوند، یا عمره‌ی آنان خودبه‌خود به حج افراد تبدیل می‌شود و تلبیه و احرام دوباره لازم نیست؟

ج - ثانیاً تلبیه و احرام لازم نیست، بلکه با همان احرام و تلبیه‌ای که برای عمره‌ی تمتع گفته با قصد حج افراد به عرفات می‌رود.

□ □ □ □

س ۱۰۱۷ - آیا بعد از محرم شدن و گفتن تلبیه می‌توان برای احتیاط تلبیه را دوباره گفت و محرم شد یا خیر؟ و آیا تکرار تلبیه به حج ضرر می‌رساند یا نه؟
ج - اگر احتمال عدم صحت تلبیه و احرام اول را بدهد، رجاء و احتیاطاً مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۱۸ - اگر زن تکبیرة الاحرام یا قرائت را در نماز و تلبیه را در موقع محرم شدن بلند بگوید؛ به‌طوری که نامحرم آن را بشنود، آیا جایز است یا نه؟ و بر

فرض عدم جواز، آیا باطل است یا خیر؟

«گلبایگانی»: اگر با شنیدن اجنبی، جهر به تلبیه کرده، احوط لزوم اعاده است.

* * *

«نکونام»: اعاده و دوباره گزاردن آن لازم نیست.

□ □ □ □

□ احرام

س ۱۰۱۹ - کسی که در مکه است، اگر برای انجام کاری به جده رفت، آیا باید موقع برگشتن محرم گردد و با احرام داخل حرم شود یا نه؟ و اگر احرام لازم است، باید به چه نیتی محرم شود و پس از دخول مکه باید چه کند؟

ج - شخص مذکور، اگر معتمر به عمره‌ی تمتع بوده تا حج را بجا نیاورد، حرام است از مکه بیرون برود؛ مگر حاجت پیدا کند و بیرون رفتن موجب فوت حج نشود که در این صورت باید محرم به احرام حج شود و از مکه بیرون رود و بعد از مراجعت به همان احرام، اعمال حج را بجا آورد. بلی، اگر در خارج کاری داشته باشد و رفتن به آن جا با احرام برای او حرج باشد، جایز است بدون احرام خارج شود و در هر حال، اگر جهلا یا عصیانا بدون احرام بیرون رفت؛ چنانچه مراجعتش در همان ماهی باشد که عمره‌ی اولی را بجا آورده، همان عمره‌ی اولی کافی است و جایز نیست دوباره محرم شود به احرام عمره و اگر از عمره اولی سی روز گذشته باشد، باید در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود و بعد از وارد شدن به مکه، عمره‌ی تمتع را انجام دهد و عمره‌ی اولی مفرده می‌شود و بعد محرم به احرام حج گردد و اگر فاصله کم‌تر از سی روز باشد و در غیر آن ماهی که عمره‌ی اولی را بجا آورده، وارد شود به احتیاط واجب در میقات محرم به احرام عمره‌ی تمتع شود و بعد از انجام اعمال عمره، محرم به احرام حج شود و کسی که بعد از عمره‌ی تمتع بدون احرام از مکه خارج شده و پس از گذشتن یک ماه یا بیش‌تر عصیانا یا جهلا یا

نسیانا بدون احرام وارد مکه شده، همان عمره‌ی اولی که انجام داده عمره‌ی تمتع محسوب است و اگر بعد از حج بیرون رفت و خواست مراجعت به مکه نماید، اگر در همان ماهی که احرام بسته مراجعت کرد، احرام لازم نیست و اگر از احرام سابق سی روز گذشته، باید محرم شود به احرام عمره‌ی مفرده، و اگر فاصله کم‌تر از سی روز باشد و در غیر آن ماهی که احرام سابق را بسته بخواهد مکه برود، احتیاط واجب آن است که محرم شود به احرام عمره‌ی مفرده و پس از دخول مکه اعمال عمره مفرده را بجا آورد.



س ۱۰۲۰ - جوانی پس از احرام و ورود به مکه دیوانه می‌شود و جنون او ادواری است، حال در همان سال که جنون عارض شده، جنون وی حکم موت را دارد یا حکم مصدود و محصور را؟

ج - در فرض سؤال، شخص مزبور به حال احرام باقی است و اگر بعد از گذشتن ایام حج افاقه پیدا کرد، باید به اعمال عمره‌ی مفرده محل شود و اگر حج بر او مستقر بوده، واجب است بعد از افاقه بجا آورد و در صورت استقرار حج و ادامه‌ی جنون تا زمان موت، بر ورثه لازم است از ترکه‌ی او حجش را بجا آورند.



س ۱۰۲۱ - محرم شدن از محله‌ی شیشه کافی است یا نه؛ یعنی آیا محله‌ی شیشه که نزدیک منی است جزو مکه به شمار می‌رود یا نه؟

«گلبایگانی»: کسی که می‌خواهد محرم با احرام حج بشود، باید در شهر مکه محرم گردد و چنانچه بعضی گفته‌اند محل شیشه داخل شهر است مع ذلک اگر احراز نشد، ترک احتیاط نشود به این که پیش از محله‌ی شیشه محرم به احرام حج گردد و کسی که می‌خواهد محرم به احرام عمره‌ی مفرده گردد می‌تواند از ادنی‌الحل؛ مثل تنعیم، محرم شود.



«نکونام»: محله‌ی شیشه جزو شهر مکه شمرده می‌شود و کسی که می‌خواهد برای عمره‌ی مفرده محرم گردد می‌تواند از مکانی مانند تنعیم، محرم شود.

□ □ □ □

س ۱۰۲۲ - اگر کسی حج خود را فاسد نماید، لازم است همان را به آخر برساند، حال آیا وی با به پایان رساندن حج فاسد از احرام خارج می‌شود یا نه؟
ج - بلی، محل می‌شود؛ مگر آن که مانعی از اتمام پیش آید.

□ □ □ □

س ۱۰۲۳ - کسی که با احرام عمره‌ی تمتع وارد جده می‌شود، اما وی از احرام خارج می‌گردد و به مدینه‌ی منوره می‌رود تا در بازگشت، از مسجد شجره محرم شود، حکم وی چیست؟

ج - شخص مذکور اگر احرام اول او صحیح بوده تا اعمال عمره را تمام نکند، از احرام بیرون نمی‌رود؛ اگرچه قصد به هم زدن آن را کرده باشد و باید با همان احرام، عمره را تمام کند و تجدید احرام بعد از برگشتن از مدینه لازم نیست. بلی، رجاء بخواید در مسجد شجره تجدید احرام کند، مانعی ندارد ولی لازم نیست و اگر به گمان این که احرامش به هم خورده مرتکب یکی از محرمات شود، حکم آن در مناسک در احکام محرمات احرام گفته شده است.

□ □ □ □

س ۱۰۲۴ - مردی که می‌خواهد محرم شود، اگر لباس دوخته را بیرون نیاورد و لباس احرام را روی آن بپوشد، آیا به احرام وی ضرری وارد می‌آید یا نه؟
«گلبایگانی»: بنابر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود تا قطع به صحت احرام نماید.

* * *

«نکونام»: لازم است لباس دوخته را از بدن بیرون آورد تا به درستی احرام اطمینان یابد.

□ □ □ □

س ۱۰۲۵ - آیا کسی که عمره انجام داده می‌تواند پیش از یک ماه همه روزه از حدود میقات خارج شود و بدون احرام وارد مکه گردد یا نه؟

ج - مانعی ندارد. بلی، بعد از عمره‌ی تمتع، خروج از مکه بدون احرام برای حج تمتع جایز نیست، لکن اگر نسیانا یا عصیانا خارج شد، قبل از یک ماه بدون احرام داخل مکه شود و عمل حج را انجام دهد.

□ □ □ □

س ۱۰۲۶ - آیا قرار گرفتن در سایه‌ی دیوار ماشین‌هایی که سقف ندارد جایز است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر دیوار ماشین مورب باشد؛ به طوری که عرفاً صدق کند از بالای سر استظلال شده، جایز نیست و اگر از پهلو سایه بر سر محرم بیفتد، جواز آن خالی از قوت نیست، و لکن احوط ترک است.

* * *

«نکونام»: قرار گرفتن سایه از کنار بر سر محرم اشکال ندارد و اگر از بالای سر باشد، اشکال دارد.

□ □ □ □

س ۱۰۲۷ - بعضی از مدیران کاروان‌های حج یا بعض کارمندانی که سال‌های زیاد به حج مشرف می‌شوند و حج واجب خود را انجام داده‌اند در بعضی از سال‌ها اگرچه در ماه‌های حج باشد، فقط یک عمره‌ی مفرده بجا می‌آورند و محل می‌شوند و به منظور سهولت رسیدگی به حجاج برای رفتن به عرفات نیز محرم نمی‌شوند، آیا این کار اشکال دارد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال که واجبی در ذمه‌ی او نیست، بعد از بجا آوردن عمره‌ی مفرده، جایز است از مکه خارج گردد و تا یک ماه بعد جایز است بدون احرام داخل مکه شود.

□ □ □ □

س ۱۰۲۸ - شخصی بعد از اتمام عمره‌ی تمتع و پیش از بستن احرام برای حج تمتع، بیمار و بی‌هوش می‌گردد؛ به طوری که توانایی رفتن به عرفات و انجام اعمال را از دست می‌دهد، حال وی اگر محرم بود، حکم محصور را داشت اما در این فرض که وی محرم نشده، تکلیف چیست؟

«گلبایگانی»: در فرض مذکور، عمره‌ی او مفرده شده ولی وجوب طواف نسا در این مورد معلوم نیست؛ اگرچه احتیاط خوب است و اگر رفتن خودش متعذر است، نایب بگیرد که طواف نسا را از طرف او انجام دهد و اگر استطاعت دارد، باید در سال آینده حج کند و هم‌چنین اگر قبلاً حج بر او مستقر شده بوده، باید حج بجا آورد.

* * *

«نکونام»: در فرض یاد شده، عمره‌ی وی به افراد تبدیل شده و انجام طواف نسا بر او واجب نیست و چنانچه بخواهد طواف را بگذارد می‌تواند در صورت ناتوانی از انجام آن، نایب بگیرد. البته، اگر استطاعت وی تا سال آینده باقی باشد یا حج پیش از آن بر او مستقر شده باید دوباره حج بگذارد.

□ □ □ □

س ۱۰۲۹ - آیا احرام در نیابت برای طواف عمره‌ی تمتع و مفرده و حج تمتع لازم است یا خیر؟

ج - احرام در نیابت طواف عمره‌ی تمتع و مفرده واجب است و در طواف حج لازم نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۳۰ - آیا میان عمره و حج تمتع می‌توان به غار ثور یا کوه حرارفت یا خیر؟
ج - بعد از عمره‌ی تمتع، جایز نیست از مکه بیرون رود الا با احرام حج.

□ □ □ □

س ۱۰۳۱ - کسی که احرام بسته، اگر از دور کمر تا بالای سینه‌ی خود را با پارچه‌ی ندوخته بپوشاند و پارچه را همانند شال کمر به دور بدن خود بپیچد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر بخواهد پارچه‌ای را مثلاً از کمر به پایین ببندد، مانعی ندارد؛ ولی روی سینه چیزی نبندد.



س ۱۰۳۲ - اگر جامه‌ی احرام یا بدن محرم در غیر حال طواف و نماز و برای نمونه در قربان‌گاه نجس شود، آیا برای احرام او اشکال دارد یا نه؟
«گلبایگانی»: برای احرام او اشکال ندارد ولیکن احوط آن است که در صورت امکان، تطهیر یا تبدیل نماید.



«نکونام»: به احرام او ضرری وارد نمی‌آورد و چنانچه برای وی ممکن است لباس خود را تطهیر یا تبدیل نماید.



س ۱۰۳۳ - اگر محرم، زیر لباس احرام شالی به گردن بیندازد و شال گردن را از زیر بغل تا زیر ناف چندین دور بپیچد، این عمل از جهت شبیه بودن به لباس دوخته موجب فدیة می‌شود یا نه؟

«گلبایگانی»: بستن شال به گردن و سینه به نحوی که ذکر شده جایز نیست ولیکن انداختن پارچه‌ی غیر دوخته روی شانه نظیر حوله مانعی ندارد و چنانچه به نحو مرقوم در سؤال، شال به گردن و سینه ببندد، احتیاط لازم، دادن کفاره است.



«نکونام»: بستن شال به گونه‌ی مذکور جایز نیست و انداختن لباسی که دوخته نیست بر روی شانه اشکال ندارد و پرداخت کفاره در مورد یاد شده لازم نیست.



س ۱۰۳۴ - آیا زن در حال احرام می تواند جوراب بپوشد یا روی پای وی باید باز باشد؟

«گلپایگانی»: اقوی، جواز پوشیدن جوراب است برای زن.

* * *

«نکونام»: زن می تواند به هنگام احرام، جوراب بپوشد.

□ □ □ □

س ۱۰۳۵ - پوشیده شدن روی پا در حال احرام و در موقع نشستن، یا آمدن جامه ای احرام روی پا در حال حرکت یا در منزل، چه حکمی دارد؟
ج - اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۳۶ - کسانی که برای ذبح قربانی، به قربانگاه می روند و به صورت قهری لباس احرام و بدن آنان به خون آلوده می شود و پاک نمودن و تطهیر آن آسان نیست، مگر این که به مکه برگردند، آیا گناهی بر آنان هست یا نه؟
«گلپایگانی»: رفتن به مذبح برای قربانی نمودن حرام نیست ولیکن اگر لباس یا بدن محرم نجس شود، احوط تطهیر آن است با امکان، اگرچه مستلزم رفتن به مکه باشد.

* * *

«نکونام»: گناهی بر آنان نیست و در صورت نجس شدن لباس احرام، در صورت امکان، آن را تطهیر یا تبدیل نمایند؛ هرچند لازم باشد به مکه روند.

□ □ □ □

س ۱۰۳۷ - آیا گذاشتن سر بر روی بالش نرم که باعث پوشیدن مقداری از سر می شود جایز است یا خیر؟

ج - سر روی بالش گذاردن مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۳۸ - این جانب قصد گزاردن حج را دارم و پایم مصنوعی است و پای مصنوعی باید بسته و هم‌چنین دوخته باشد تا بتوانم راه بروم و افزوده بر این به خاطر بستن پا باید زیر شلواری و زیر پیراهن بپوشم و آن‌ها نیز دوخته است و برای این که بهتر بتوانم راه بروم باید کفش معمولی بپوشم و نمی‌توانم از دم‌پایی استفاده نمایم؛ چنان‌که به همین خاطر باید جوراب بپوشم، حال با توجه به این خصوصیات، مرا راهنمایی فرمایید.

«گلبایگانی»: ظاهر آن است که برای پوشیدن جنس دوخته یک کفاره بدهید کافی است؛ بنابراین باید برای بستن پا با چیز دوخته و پوشیدن شلوار و پیراهن یک گوسفند کفاره در احرام عمره و یک گوسفند کفاره در احرام حج قربانی نمایید و چون پوشیدن روی پای غیر مصنوعی برای مرد محرم مستقلاً حرام است باید برای این جهت هم یک کفاره در احرام عمره و کفاره دیگری در احرام حج بدهید.

* * *

«نکونام»: اگر ضرورت آن را ایجاب کند، اشکال ندارد و پرداخت کفاره نیز لازم نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۳۹ - آیا طفل ممیز یا غیر ممیز می‌تواند به عمره‌ی مفرده محرم شود و آیا می‌شود که ولی او را محرم کند یا نه؟
ج - ظاهر اخبار جواز است و اختصاص به حج ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۴۰ - شخصی از جده محرم گردیده و به مکه مشرف شده و اعمال عمره‌ی مفرده و طواف نسا را بجا آورده و در صورتی که از رفتن به یکی از مواقیت تمکن داشته و بعد از فراغ از اعمال، با همسر خود نزدیکی نموده، آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج - کفاره ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۴۱ - در اثر هجوم جمعیت، ممکن است وقت بوسیدن حجرالاسود، جامه‌ی احرام برخی از حاجیان سر آن‌ها یا سر سایر حجاج را بپوشاند، در این صورت چه باید کرد؟

ج - در صورت تصادف، اشکال ندارد.



س ۱۰۴۲ - اگر طفل محرم یکی از محرّمات احرام را که کفاره دارد مرتکب شود، آیا کفاره دارد یا خیر؟ و اگر داشته باشد، بر خود طفل است که بعد از بلوغ بدهد یا بر ولی او است؟

«گلیپگانی»: بر ولی واجب است که طفل را از ارتکاب محرّمات باز دارد، و در فرض سؤال، کفاره لازم می‌شود، حال چنانچه غیر ممیز باشد و ولی او را محرم کرده باشد و طفل صید نماید، کفاره بر ولی واجب می‌شود و بنابر احتیاط، سایر کفارات نیز بر عهده‌ی ولی است و اگر طفل ممیز باشد، احوط آن است که ولی کفاره را از مال خودش بدون این که قصد کند بر او واجب بوده یا بر صبی ادا نماید؛ یعنی قصد کند که کفاره واجب شده را ادا می‌نماید؛ اعم از این که بر خودش واجب شده یا بر صبی ممیز.



«نکونام»: بر ولی واجب است طفل را از ارتکاب محرّمات باز دارد، و در فرض سؤال و نیز در دیگر موارد، کفاره بر ولی لازم است؛ خواه طفل ممیز باشد یا خیر.



س ۱۰۴۳ - کسی که به سبب ناآگاهی یا فراموشی، در حال احرام شورت داشته باشد و آن را بیرون نیاورد، چه حکمی دارد؟

ج - احرام، صحیح است و کفاره ندارد، باید شورت را فوراً از بدن بیرون کند.



س ۱۰۴۴ - شخصی که پیش از ماه‌های حج یا در آن، به احرام عمره‌ی مفرده محرم شده و وارد مکه گردیده و اعمال را انجام داده، اما مانعی پیش آمده یا خوف دارد او را دستگیر کنند و از این رو نمی‌تواند برای حج تمتع به میقات رود، حال وظیفه‌ی وی چیست؟

ج - در فرض سؤال به ادنی‌الحل، میقات عمره‌ی مفرده برود و محرم به احرام عمره‌ی تمتع بشود و تمام اعمال حج تمتع را انجام دهد و سال بعد هم احتیاطاً حج تمتع را بجا آورد.



س ۱۰۴۵ - اگر کسی العیاذ بالله در عمره‌ی تمتع لواط کند یا بازنی جماع نماید، آیا عمره‌ی وی باطل می‌شود یا تنها کفاره را سبب می‌شود؟

ج - اگر در عمره‌ی تمتع، پیش از سعی، جماع یا لواط کند، عمره‌اش باطل می‌شود و یک شتر کفاره بر او لازم است و واجب است همان عمره‌ی باطل را تمام کند و اگر وقت دارد به میقات برود و عمره‌ی تمتع را اعاده نماید و اگر وقت اعاده ندارد، واجب است حج افراد بجا آورد و بعد عمره‌ی مفرده و احوط اعاده‌ی حج است در سال آینده و اگر بعد از سعی، جماع یا لواط کرده، عمره باطل نمی‌شود، لکن یک شتر کفاره بر او واجب است.



س ۱۰۴۶ - برخی از حاجیان در مشعر و منی و در حال احرام، از پتو و لحاف دوخته جهت ایمنی از سرما استفاده می‌کنند، آیا این عمل جایز است یا نه؟

ج - خوابیدن زیر پتو و لحاف، اگر طوری به خود نپیچد که مثل لباس شود، اشکالی ندارد، ولی در حال جلوس و قیام، لحاف و پتوی دوخته روی خود نیندازد.



س ۱۰۴۷ - آیا لازم است لباس احرام زن غیر دوخته باشد؟

ج - بلی، جامه‌ی احرام زن در عقد احرام باید غیر دوخته باشد.



س ۱۰۴۸ - برخی از حجاج را در نه کیلومتری مسجد الحرام و دوازده کیلومتری عرفات منزل می دهند، تکلیف اقامه و نماز آنها از نظر قصر و اتمام و احرام حج تمتع که باید از مکه باشد چیست؟

ج - دایر مدار صدق عرفی است، در صورتی که بر مجموع محلات عنوان مکه صدق کند، قصد اقامه در تمام نقاط زمین مکه صحیح است و احرام حج تمتع از آن نقاط کافی است. بلی، اگر منزل حجاج، خارج از حد مکه باشد؛ مثل منی یا حدیبیه و حده و بحره که به آنها محلات مکه نمی گویند و شخص حاج بخواهد هم در مکه باشد و هم در ملحقات مکه که صدق محلات مکه نکند، قصد اقامه در دو محل محقق نمی شود و احرام حج هم از آنجاها کافی نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۴۹ - شهر مکه توسعه پیدا کرده ولی محله ها به هم متصل است، آیا برای حج تمتع می توان از محله های یاد شده احرام بست یا نه؟
ج - در صورتی که جزو مکه شمرده شود، صحیح است.

□ □ □ □

س ۱۰۵۰ - اگر لباس احرام کوتاه تر از حد شرعی باشد، آیا احرام با آن محقق می شود یا نه؟

«گلبایگانی»: در صورت جهل، احرام محقق می شود و در صورت عمد نیز تحقق آن بعید نیست؛ هرچند در ترک شرایط لباس احرام معصیت کرده است.

* * *

«نکونام»: خواه محرم به این مسأله آگاه باشد یا خیر، احرام وی درست است، البته، او در صورت عمد به سبب ترک شرایط لباس احرام گناه کرده است و توبه را لازم دارد.

□ □ □ □

س ۱۰۵۱ - هل يجوز ازالة الزوائد الجلديّة التي تخرج فوق الظفر أو في الشفة عادة، في حال الإحرام أم لا؟

- آیا گوشت‌های زایدی که در کنار ناخن‌ها و اطراف لب بیرون می‌آید را می‌توان در حال احرام جدا نمود یا خیر؟

ج - لا مانع من ازالة الزوائد المذكورة في حال الإحرام إلا أن توجب الإدماء، فإنّ الإدماء حرام و موجب للكفارة كما إنّه لا مانع من إزالتها في غير حال الإحرام أيضاً إذا كان أوان انفصالها.

- جدا نمودن گوشت‌های زاید یاد شده در حال احرام اشکالی ندارد؛ مگر آن که موجب آمدن خون گردد که در این صورت حرام است؛ چنان که جدا کردن آن در غیر حال احرام و به هنگامی که نزدیک به افتادن است، جایز می‌باشد.



س ۱۰۵۲ - هل يجوز للمحرم أن يدخن السيجارة الفرنجيّة ذات رائحة أم لا؟
- آیا کسی که در حال احرام است می‌تواند سیگار فرنگی که دارای بوست بکشد یا خیر؟

ج - لا يجوز التدخين به مع صدق الطيب عليه.
- کشیدن سیگار در صورتی که به آن طیب گفته شود، جایز نیست.



س ۱۰۵۳ - اگر جامه‌ی احرام را با پولی بخرد که خمس یا زکات آن را نداده، آیا احرام در آن صحیح است یا خیر؟

ج - اگر به عین آن پول، معامله واقع شده باشد، احرام در آن جایز نیست و هم‌چنین اگر جامه‌ی احرام خودش متعلق خمس شده باشد، محرم شدن در آن جایز نیست و طواف در آن باطل است، ولی اگر آن را به پول کلی خریده باشد، احرام در آن ضرر ندارد؛ هرچند در مقام پرداخت قیمت،

پول خمس یا زکات نداده را بدهد، لکن ذمه‌ی او به مقدار خمس بری نمی‌شود و ضامن آن مقدار خمس هم می‌باشد.

□ □ □ □

س ۱۰۵۴ - آیا صید کردن بر کسی که محرم نیست در محدوده‌ی حرم حرام است یا نه؟

ج - هر صیدی که بر محرم در حال احرام حرام است، بر محل نیز در حرم حرام است.

□ □ □ □

س ۱۰۵۵ - در رساله است جایز است محرم در منزل زیر سقف و سایه برود یا چتر بر سر بگیرد، آیا مراد از منزل، شهر مکه است یا منزلی که در شهر مکه دارد و چنانچه در منی و عرفات باشد چطور؟

ج - مراد از منزل محل نزول است در مقابل حال طی طریق، پس در شهر مکه و منی و عرفات و قهوه‌خانه‌های بین راه و امثال آن، برای محرم بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ کردن استظلال مانعی ندارد؛ هرچند در آمد و شد برای حواجج باشد.

□ □ □ □

س ۱۰۵۶ - کفاره‌ی کشتن ملخ در حال احرام چیست؟

ج - یک کف طعام یا یک دانه خرماس است به طور تخییر و اگر هر دو را بدهد، بهتر است.

□ □ □ □

س ۱۰۵۷ - اگر کسی ملخ را در حال احرام بکشد و بخورد، کفاره‌ی آن چیست؟

ج - یک گوسفند قربانی بر او واجب می‌شود.

□ □ □ □

س ۱۰۵۸ - اگر ملخ بسیار باشد و همه‌ی آن را بکشد، چه چیزی بر او لازم می‌شود؟
«گلبایگانی»: احوط آن است که اگر بیش‌تر از یک ملخ کشته باشد، یک گوسفند قربانی کند و احوط از آن ضمیمه ساختن یک کف طعام و یک دانه خرماست.

* * *

«نکونام»: چنان‌چه محرم بیش از یک ملخ را صید کند، دادن یک گوسفند با کفی طعام و مقداری خرما بر او لازم است.

□ □ □ □

س ۱۰۵۹ - اگر از جهت زیادی ملخ در بین راه نتواند خود را از کشتن آن‌ها حفظ نماید، چه کند؟

ج - در این صورت چیزی بر او نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۶۰ - آمپول زدن محرم به دیگری با علم به بیرون آمدن خون در حال احرام و غیر آن چه حکمی دارد؟

ج - اشکالی ندارد و فرقی بین آن دو نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۶۱ - شخصی بعد از عمره‌ی تمتع که در روز چهارم ذی‌حجه انجام داده، پیش از حرکت به عرفات و منی برای اعمال حج تمتع، سر خود را با تیغ یا ماشین یک یا دو یا سه بار تراشیده، آیا این عمل، ضرری به حج او می‌رساند یا نه؟ و آیا کفاره دارد یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر با تیغ، سر خود را بین عمره‌ی تمتع و حج تمتع بتراشد با آن که عالم به مسأله بوده، یک گوسفند کفاره دارد و در صورت جهل و نسیان، کفاره ندارد و ماشین کردن سر هم در فرض مزبور موجب کفاره نمی‌شود؛ هرچند احوط، دادن کفاره است و در هر حال، ضرری به حج او نمی‌رساند.

* * *

«نکونام»: در ازاله‌ی مو میان تراشیدن یا کندن یا قیچی کردن و مانند آن تفاوتی نیست و به هر حال باید کفاره بپردازد.

□ □ □ □

س ۱۰۶۲ - آیا می‌توان در حال احرام به خود آمپول تزریق نمود یا خیر؟
ج - اگر موجب بیرون آمدن خون نشود، برای احرام او اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۶۳ - هل يجوز السكنى والإقامة والإحرام لحجّ التمتع في المحلات الجديدة من مكة مثل كدي ومسفلة وشيشه؟
- آیا سکونت، اقامت و بستن احرام در محله‌هایی که تازه در مکه احداث شده؛ مانند کدی، مسفله و شیشه برای حج تمتع جایز است یا خیر؟

ج - يجوز السكنى والإقامة في المواضع التي تصدق عليها مكة، وكذلك يجوز الإحرام منها لحجّ التمتع.

- سکونت و اقامت در محله‌هایی که مردم آن را از مکه می‌دانند و هم چنین بستن احرام از آن جا برای حج تمتع جایز است.

□ □ □ □

□ طواف

س ۱۰۶۴ - شخصی در عمره‌ی تمتع، حجر اسماعیل را در طواف داخل ننموده و نماز طواف عمره‌ی تمتع و سعی بین صفا و مروه را بجا آورده و تقصیر کرده و لباس دوخته شده نیز پوشیده و پس از التفات، دوباره لباس احرام پوشیده و اعمال را به گونه‌ی صحیح دوباره بجا آورده، آیا حج او صحیح است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، عمره‌ی او صحیح است و در صورت جهل به مسأله؛ چنانچه ظاهر سؤال است، کفاره هم ندارد و همین طور اگر از جهت نسیان باشد.

□ □ □ □

س ۱۰۶۵ - شخصی در مکه در عمره‌ی تمتع پس از هفت شوط طواف، پیش از بجا آوردن نماز طواف، سعی نموده و تقصیر نیز کرده و شخص دیگر طواف را یک شوط ناقص نموده و نماز را خوانده و پس از سعی تقصیر کرده و لباس‌های عادی خود را پوشیده، اکنون وظیفه‌ی آن‌ها چیست؛ مخصوصاً شخص دوم هنوز محرم است و می‌تواند عمل را اعاده کند یا نه؟ و همچنین جهت تقصیر و پوشیدن لباس دوخته شده آیا باید کفاره بدهد یا نه؟

ج - در فرض اول، نماز طواف را هر وقت یادش آمد بجا آورد و اگر از مکه‌ی معظمه خارج شد یادش آمد، هر جا باشد بجا آورد؛ هر چند در وطن باشد کفایت می‌کند و در فرض دوم، اگر در مکه یادش آمد و یک شوط را بجا آورد، اشکال ندارد و اگر بعد از برگشتن در وطن یادش آمده، کسی را نایب کند از طرف او یک شوط را بجا آورد و در هر دو صورت، شخص مذکور محرم نیست و محل شده و چون جهلاً تقصیر نموده و منخبط پوشیده کفاره ندارد.



س ۱۰۶۶ - هرگاه شخصی از روی جهل به حکم پیش از وقوف به عرفات، طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را بجا آورد و بعد از اتمام مناسک حج، عالم شد، آیا خللی به حج او وارد می‌شود یا نه؟ و آیا کفاره بر او واجب است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر تقدیم بدون عذر بوده، واجب است طواف و سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر با عذر بوده، احتیاطاً اعاده کند و کفاره در صورت جهل واجب نیست.



«نکونام»: در هر صورت باید طواف، سعی و تقصیر را اعاده کند و در صورت جهل، کفاره‌ای بر او نیست.



س ۱۰۶۷ - کسی که در عمره‌ی تمتع موقع طواف کاری کند که لازم باشد طواف را به احتیاط تمام نموده و نماز آن را بخواند و بعد نیز طواف و نماز را اعاده نماید، هرگاه پس از اتمام طوافی که مشغول آن بوده، به عمد یا از روی فراموشی یا جهل بدون خواندن نماز آن، طواف دوم را بجا آورد و بعد از آن دو نماز طواف بخواند، چه حکمی دارد و آیا قرآن بین دو طواف است یا خیر؟

ج - قرآن نیست و اشکال ندارد، مگر در صورت علم و عمد که تأخیر نماز از طواف ممکن است معصیت باشد، لکن در همین صورت هم به طواف ضرر نمی‌زند.



س ۱۰۶۸ - آیا می‌شود طواف یا سعی را پس از یک یا دو شوط به عمد رها کرد و آن را از سر گرفت و اگر کسی چنین کند، آیا طواف و سعی وی صحیح است یا نه؟ و همین‌طور رها نمودن طواف یا سعی در کم‌تر از یک شوط چه تکلیفی دارد؟

«گلبایگانی»: در فرض مذکور، صحت طواف و سعی بعید نیست.



«نکونام»: طواف و سعی وی درست است.



س ۱۰۶۹ - در رساله است اگر در طواف وارد حجر اسماعیل شود، باید آن شوط را از سر بگیرد، حال، اگر طواف‌دهنده کسی را که طواف می‌دهد به اشتباه وارد حجر نماید و بعد از یادآوری آن، او را از حجر بیرون آورد و از همان‌جا طواف را تمام نماید و پس از گذشت دو سال متوجه این فتوا شود، در این صورت، تکلیف وی چیست؟ باید به خود حج‌گزار بگوید یا لازم نیست و می‌تواند وی حج را از طرف او انجام دهد یا برای او نایب بگیرد؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، کفایت حج مزبور از حجة الاسلام محل اشکال است و احتیاط لازم آن است که اگر در غیر اشهر حج مشرف شود،

عمره‌ی مفرده بجا آورد و در اشهر حج نیز حجة الاسلام خود را اعاده نماید و اگر در اشهر حج مشرف شود، اول عمره و حج تمتع را بجا آورد و بعد عمره‌ی مفرده بجا آورد و در حال حیات منوب عنه جایز نیست مطوّف نایب بگیرد و لازم است خود حاج حکم مسأله را بداند و به وظیفه‌ی خود عمل کند.

* * *

«نکونام»: در فرض سؤال، حج وی از حجة الاسلام بسنده نیست و باید آن را در ماه‌های حج اعاده کند و سپس عمره‌ی مفرده بگزارد و چنانچه در غیر ماه‌های حج بوده، باید عمره‌ی مفرده بجا آورد و حج‌گزار در حال حیات خود نمی‌تواند نایب بگیرد و لازم است وی خود حکم مسأله را بداند و به وظیفه‌ی خود عمل کند و بر نایب چیزی نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۷۰ - کسی که معذور باشد یا احتمال عذر بدهد مثل زن که احتمال بدهد در اثر عادت زنانگی نتواند پس از مراجعت از منی طواف نساء بجا بیاورد آیا جایز است طواف نساء را بر عرفات مقدم بدارد یا نه؟

ج - در صورت مذکوره می‌تواند طواف نساء را بعد از سعی، مقدم بر وقوف عرفات بدارد بلکه با خوف از عدم تمکن، لازم است و احوط اعاده‌ی آن است در صورت تمکن بعد از مراجعت و در صورت عدم تمکن احوط آن است که برای اعاده نایب بگیرد.

□ □ □ □

س ۱۰۷۱ - اگر زن در شوط چهارم یا پنجم طواف عمره‌ی تمتع حایض شود و می‌داند تا پیش از عرفات پاک نخواهد شد، آیا می‌تواند نایب بگیرد یا حج او به افراد مبدل می‌شود؟

ج - از شوط چهارم به بعد، اگر زن حایض شود، عمره‌ی تمتع او صحیح است و سعی و تقصیر را با همان حال حیض انجام دهد و در موقع حج،

محرم به احرام حج تمتع شود و بعد از پاک شدن قضای باقی مانده از طواف عمره را بجا آورد و اگر تا وقت حرکت همراهان از مکه پاک نشد و ناچار است با آنها برود، جایز است برای طواف حج و هم چنین قضای باقی مانده‌ی طواف عمره نایب بگیرد.



س ۱۰۷۲ - هرگاه مستحاضه‌ی کثیره برای نماز یومیه به تکلیف خود عمل نماید، تجدید غسل برای طواف لازم است یا نه؟ و بر فرض لزوم غسل جداگانه برای طواف، آیا همان غسل برای نماز طواف نیز کافی است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون ببیند، تجدید غسل لازم نیست و اگر خون ببیند، برای هر کدام از طواف و نماز طواف، یک غسل احتیاطاً بجا آورد و اگر فاصله‌ی بین غسل و طواف زیاد می‌شود؛ مثل این که در نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند، احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید.



«نکونام»: مستحاضه در صورتی که به تکلیف خویش عمل نماید لازم نیست برای انجام طواف، غسلی دیگر بسازد و هم چنین غسلی که برای انجام طواف انجام می‌دهد برای گزاردن نماز بسنده است.



س ۱۰۷۳ - چون بعضی از حجاج در طواف عمره دچار اشتباه می‌شوند؛ مثل این که طواف را در داخل حجر انجام می‌دهند یا سعی را پیش از طواف انجام داده و تقصیر می‌کنند، آیا این عمل صدمه‌ای به احرام آنها وارد می‌آورد یا هنوز به احرام خود باقی هستند و باید عمل طواف و نماز و سعی و هم چنین تقصیر را به طور صحیح انجام دهند و اشتباه اول ضرری ندارد؟

«گلبایگانی»: طواف از داخل حجر باطل است و اگر ثانیاً اعمال مزبوره را با

ترتیب لازم و صحیح انجام دهند کافی است و اشتباه اول، مضر به احرام نیست.

* * *

«نکونام»: حج وی درست است اما از آنجا که انجام غسل مستحبی از وجوب گزاردن غسل واجب بسنده نمی‌کند، لازم است طواف عمره‌ی تمتع و طواف حج و نماز آن را قضا کند؛ هرچند بعد از ذی‌حجه باشد ولی دوباره گزاردن سعی لازم نیست و در صورتی که طواف نسا را تأخیر بیندازد، باید از نزدیکی و هرگونه تمتعی از زن دوری نماید.

□ □ □ □

س ۱۰۷۴ - اگر حج گزار در میان طواف، داخل حجر اسماعیل شود و در همان وقت یا بعد از طواف و سعی و تقصیر آن را بداند، تکلیف وی چیست؟

ج - اگر چهار شوط را تمام کرده، هر وقت فهمید، ناقص را تمام کند و نماز طواف را بجا آورد و اگر سعی کرده سعی را اعاده کند و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده، شوط‌های گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و بعد از نماز طواف، سعی را بجا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده، آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی را بجا آورد.

□ □ □ □

س ۱۰۷۵ - کسی که حج می‌گزارد، از طرف کسی در مکه نایب می‌شود و در میان طواف عمره‌ی تمتع، انگشت پای او مجروح و خونی می‌گردد و وی متوجه نمی‌شود و بعد از طواف عمره و پیش از نماز طواف به آن آگاه می‌شود اما می‌پندارد آن خون کم‌تر از درهم و بخشیده شده است و نماز طواف را همین گونه می‌خواند، آیا طواف او در این صورت درست است؟

«گلپایگانی»: در فرض مذکور که بعد از طواف فهمیده که پای او نجس شده،

طوافش صحیح است و صحت نماز طواف بعید نیست.

* * *

«نکونام»: طواف و نماز آن در فرض یاد شده درست است.

□ □ □ □

س ۱۰۷۶ - حج‌گزاری که نمی‌تواند در حال طواف از ادرار خود جلوگیری کند، آیا باید طواف را خود انجام دهد یا نایب بگیرد؟

«گلیایگانی»: حکم طواف مسلوس حکم نماز است و مبطون نایب بگیرد و احتیاط این است که خودش بجا آورد و نایب هم بگیرد.

* * *

«نکونام»: مبطون لازم نیست خود حج بگذارد، بلکه کافی است نایب بگیرد و حکم مسلوس همان است که در متن آمده است.

□ □ □ □

س ۱۰۷۷ - شخصی غسل جنابت را فراموش کرده و اعمال مکه را با همان حال بجا آورده و سپس آن را به یاد می‌آورد، اکنون تکلیف او چیست و آیا تفاوتی میان کسی که در ضمن اعمال حج، غسل مستحبی نموده هست یا نه؟ و بنا بر لزوم قضای اعمال مشروط به طهارت، آیا باید آن را در طول ذی‌حجه انجام داد یا نه و وظیفه‌ی او نسبت به مباشرت با زنان چیست؟

«گلیایگانی»: به نظر حقیر که بنا بر احتیاط، غسل مستحبی کفایت از غسل واجب نمی‌کند، چنانچه قبل از شروع به اعمال، غسل مستحبی بجا آورده، در این مسأله رجوع کند به کسانی که غسل مستحبی را کافی از غسل واجب می‌دانند و در این صورت حج صحیح و چیزی بر او نیست و اگر غسل مستحبی بجا نیاورده نیز حج صحیح است ولی واجب است طواف عمره‌ی تمتع و طواف حج را با نماز آن‌ها قضا کند؛ هرچند بعد از ماه ذی‌حجه باشد و احتیاطا سعی را بعد از هر یک از این دو طواف بجا آورد و اگر نمی‌تواند، نایب بگیرد و باید از مباشرت با زن اجتناب کند و

چون شرط نیست که طواف نسا در ماه ذی‌حجه بجا آورده شود می‌تواند خودش برود و بجا آورد و می‌تواند هم نایب بگیرد؛ هرچند در غیر ذی‌حجه باشد.

* * *

«نکونام»: غسل مستحبی از انجام غسل جنابت کفایت نمی‌کند و در این مسأله هم چون هر مسأله‌ی دیگری می‌تواند به فتوای هر یک از مجتهدان صاحب شرایط که عمل وی را صحیح می‌دانند رجوع کند؛ خواه زنده باشند یا میت و خواه اعلم باشد یا غیر اعلم، و در این صورت چیزی بر او نیست. و اگر وی غسلی مستحبی بجا نیاورده، حج وی صحیح است اما واجب است طواف عمره‌ی تمتع و طواف حج را با نماز آن قضا کند؛ هرچند بعد از ماه ذی‌حجه باشد و سعی را بعد از هر یک از این دو طواف بجا آورد و چنانچه توانایی ندارد، نایب بگیرد و باید از نزدیکی با زن دوری کند و چون شرط نیست که طواف نسا در ماه ذی‌حجه بجا آورده شود می‌تواند خود آن را بگذارد و می‌تواند نایب بگیرد؛ هرچند در غیر ذی‌حجه باشد.

□ □ □ □

س ۱۰۷۸ - شخصی به سهو غسل مس میت را انجام نداده و آن را پس از تمام اعمال حج و در وطن به یاد می‌آورد، آیا وی باید دوباره حج بگذارد یا نه؟
«گلبایگانی»: اگر بعد از مس میت و قبل از حج، غسل جنابت بجا آورده باشد، حج او صحیح است و اگر بجا نیاورده باشد، نظر به این که این جانب، اجزای اغسال مستحبه را از غسل واجب مشکل می‌دانم، اگر برای احرام غسل کرده باشد یا غسل مستحبی دیگری نموده باشد، به هر یک از مراجع تقلید که غسل مستحبی را از سایر اغسال مجزی می‌دانند رجوع و بنا را بر صحت حج بگذارد.

* * *

«نکونام»: چنانچه وی بعد از مس میت و پیش از حج، غسل جنابت کرده باشد، حج او صحیح است و اگر برای احرام غسل کرده یا غسل مستحبی دیگری نموده باشد، به هریک از مجتهدان صاحب شرایط که غسل مستحبی را از غسل واجب بسنده می‌دانند رجوع کند و حج خود را صحیح بداند.



س ۱۰۷۹ - شخصی میان دو احرام جنب گردیده و فراموش کرده که غسل کند و همه‌ی اعمال حج را با حالت جنابت انجام داده، اکنون با توجه به این که جز طواف و نماز آن، بقیه‌ی اعمال حج مشروط به طهارت نیست و این که ترک طواف در صورتی مبطل است که از روی عمد و جهل باشد نه صورت نسیان و در ضمن کسی که نمی‌تواند آب و خاک برای انجام طهارت به دست آورد، در حکم ناتوان از طواف است، آیا نمی‌شود کسی که شرط را فراموش می‌کند در حکم فراموش‌کار اصل دانست و همان‌طوری که فراموش نمودن اصل طواف به موجب روایات صحیح و معتبر قابل تدارک و جبران است، آیا می‌شود نسیان شرط در حکم نسیان اصل باشد؟ چه دلیلی بر بطلان حج چنین آدمی است با آن که به مقتضای نفی حرج و حدیث رفع معذور است؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال بعید نیست که نسیان شرط - طهارت - ملحق به نسیان اصل طواف باشد و علی‌هذا، حج صحیح است، طواف حج و نماز آن و طواف نسا و نماز آن را با طهارت انجام دهد و احتیاطاً سعی را نیز اعاده نماید و اگر از مکه برگشته و به وطن آمده، اگر متمکن باشد، خودش و الا نایب بگیرد تا طوافین و سعی را بجا آورد؛ هرچند در غیر موقع حج باشد و چون در این مسأله به فتوای صحت از علمای اعلام برخوردار نکرده‌ام بلکه اطلاق کلماتشان ظهور در بطلان دارد، احتیاط آن است که سال دیگر خودش و اگر خودش متمکن نیست، نایب بگیرد تا حج تمتع

بجا آورد و تمسک به نفی حرج و حدیث رفع در این مورد به نظر حقیر تمام نیست و تفصیل آن محتاج به مجال و بحث بیش تر است.

* * *

«نکونام»: فراموش کردن طهارت در طواف همانند فراموش کردن اصل طواف است و بنابراین، اصل حج وی درست است.

□ □ □ □

س ۱۰۸۰ - شخصی در حین تولد، سر حشفه‌ی او مقداری ختنه بوده و به اصطلاح مختون غیبی بوده و بعد دیگر او را ختنه نکردند و به همان اکتفا شده و با این حال حج نموده، آیا در این صورت، حج او از جهت طواف و نماز و سایر مناسک اشکالی دارد یا نه؟ و اگر اشکال پیدا کرده با اتیان عمره‌ی مفرده جبران می‌شود یا نه و نسبت به زن چه حکمی دارد به او حرام می‌شود یا نه؟

ج - اگر حشفه در غلاف نباشد و صدق اغلف نکند، طواف و نماز او صحیح است و اگر صدق کند که اغلف است، طواف حج و طواف عمره و طواف نسا و نمازهای آن‌ها را مجدداً باید خودش و در صورت عدم تمکن، نایبش بجا آورد و تا طواف نسا را بجا نیاورد، زن بر او حلال نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۱۰۸۱ - آیا مقام ابراهیم، داخل در مظاف است یا نه؟

«گلبایگانی»: طواف در خلف مقام، به نظر این جانب محل اشکال است و در این مسأله می‌توانید رجوع به دیگری نمایید.

* * *

«نکونام»: در صورت ضرورت و کثرت جمعیت، انجام طواف در پشت مقام اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۸۲ - اگر زن بعد از اعمال حج در منی حیض شود و به مکه بیاید و پیش از آن که پاک شود ناچار به رفتن از مکه شود؛ مثل این که همراهان او عازم مراجعت باشند، آیا می‌تواند برای طواف حج و نماز آن و طواف نسا و نماز آن نایب بگیرد؟

ج - بلی لازم است بر او که نایب بگیرد و بعد از آن که نایب طواف حج و نماز آن را انجام داد، خودش سعی را بجا آورد و بعد از سعی، برای طواف نسا و نماز آن نایب بگیرد.



س ۱۰۸۳ - اگر زن پس از اعمال حج اثر عادت در خود ببیند و شک کند که پیش از انجام عمل حیض شده یا بعد از تمام شدن اعمال، حج او صحیح است یا خیر؟
ج - اعتنا به این شک نکند و حج او محکوم به صحت است.



س ۱۰۸۴ - حمل مغضوب در حال احرام به ویژه در حال طواف چه حکمی دارد؟
ج - اگر طواف موجب حرکت اضافی نشود، مانع ندارد؛ مانند نماز.



س ۱۰۸۵ - شخصی چند مرتبه عمره‌ی مفرده بجا آورده و در هیچ یک طواف نسا نگزارده، آیا یک طواف نسا برای تمام عمره‌ها کفایت می‌کند یا باید برای هر یک طواف جداگانه انجام دهد؟
ج - یک طواف کافی است.



س ۱۰۸۶ - آیا ولی بچه‌ای که ختنه نشده و محرم شده می‌تواند بعد از احرام طفل، از جانب طفل نیابت کند یا نه؟

ج - نیابت قبل از ختنه صحیح نیست و بعد از ختنه تا وقتی که آن طفل خودش یا نایب طواف را بجا نیاورد از احرام خارج نمی‌شود.



س ۱۰۸۷ - زنی که به واسطه‌ی خوردن قرص یا تزریق آمپول، جلو عادت زنانه را گرفته اما در ایام عادت روزی یک لحظه خون می‌بیند، آیا طواف و نماز با وضع مذکور صحیح است یا خیر؟

ج - با انجام اعمال مستحاضه، طواف و نماز او صحیح است.

□ □ □ □

س ۱۰۸۸ - طواف مستحبی بعد از احرام حج تمتع جایز است یا خیر؟
«گلبایگانی»: اقوی جواز و احوط ترک آن است.

* * *

«نکونام»: اشکالی ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۸۹ - تکلیف زن مضطر به در طواف چیست؟
ج - به نحوی که در نماز عمل می‌کند، در طواف نیز عمل نماید.

□ □ □ □

س ۱۰۹۰ - آیا می‌توان چیزی را که نجس است در طواف با خود داشت؟
ج - اگر سائر نباشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۱۰۹۱ - اگر از گفته‌ی اهل خبره اطمینان یابد که ختنه کردن برای او ضرر دارد، تکلیف وی در طواف چیست؟

«گلبایگانی»: خودش طواف کند و بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

* * *

«نکونام»: در این مسأله، نیازی به گرفتن نایب نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۹۲ - شخصی به گمان این که طواف هشت شوط است، طواف عمره را هشت شوط انجام داده و پس از تقصیر و محرم شدن برای حج فهمیده که طواف هفت شوط دارد، حال وظیفه‌ی وی چیست؟ اگر آن را بعد از اعمال حج و گزاردن تمام طواف‌ها به این گونه و بعد از بیرون آمدن از احرام بداند، چه حکمی دارد؟ و

چنانچه بعد از بیرون آمدن از احرام عمره‌ی تمتع و پیش از احرام حج بداند، تکلیف وی چیست؟

ج - ظاهر نص و فتوا بطلان چنین طوافی است؛ بنابراین در فرض سؤال، اگر برای انجام طواف و سعی وقت باشد، باید طواف و نماز و سعی را مجدداً بجا آورد؛ چه قبل از احرام باشد و چه بعد از آن و اگر وقت نباشد، حج او مبدل به افراد شده، باید بعد از حج، عمره‌ی مفرده بجا آورد و اگر طواف حج را هم هشت شوط انجام داده باشد، حج او مجزی نیست و باید در سال بعد حج نماید و برای بیرون آمدن از احرام باید اعمال عمره‌ی مفرده را به نحو صحیح خودش و با عدم تمکن نایبش بجا آورد.

□ □ □ □

س ۱۰۹۳ - اگر انسان در حال طواف یا سعی، مقداری غافل شود و برای نمونه، در مقداری از یک شوط یا در مقداری از هر یک از شوطها فکر وی متوجه موضوع دیگری شود و از سعی یا طواف غافل گردد، همان طوری که در نماز نیز اتفاق می‌افتد، چه حکمی دارد؟

ج - حضور قلب در طواف و نماز آن لازم است و شرط قبول و کمال است، ولی غفلت در آن، احیاناً موجب بطلان نیست؛ در صورتی که اصل طواف را با توجه و شرایط شروع کرده باشد و اگر از او سؤال شود که چه کار می‌کنی، بگوید طواف می‌کنم و همین طور در سعی.

□ □ □ □

س ۱۰۹۴ - کسی که مشغول طواف یا سعی است بدون عذر آن را رها می‌کند و به کنار می‌رود و چهار رکعت نماز می‌خواند و باز می‌گردد، آیا این مقدار فاصله موالات عرفی را به هم می‌زند و باید طواف و سعی را از سر بگیرد یا باید بقیه‌ی طواف یا سعی را بجا آورد؟

ج - بلی، موالات به هم می‌خورد و رها کردن طواف و سعی بدون عذر جایز نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۹۵ - شخصی در عمره تمتع، طواف را از روی ناآگاهی پیش از حجرالاسود شروع نموده و در همان مکان شروع، به پایان رسانده است، تکلیف وی چیست؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، کسی که جهلا یک شوط از طواف عمره را ناقص نموده، اگر قبل از فوت موالات حکم را بفهمد، واجب است شوط ناقص را تکمیل کند و عمره‌ی او صحیح است و اگر بعد از فوت موالات بفهمد، احتیاطاً اول شوط ناقص را تکمیل نماید و نماز طواف را بخواند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نماید و هم‌چنین سعی را، و اگر وقتی بفهمد که از جهت ضیق وقت نمی‌تواند عمره‌ی تمتع را تمام کند، وظیفه‌ی او مبدل به حج افراد می‌شود، بنابراین، در مورد سؤال که طواف عمره را جهلا ناقص کرده، بعد از اعمال حج احتیاطاً عمره‌ی مفرده بجا آورد و سال بعد ثانیاً عمره و حج تمتع را بجا آورد.

* * *

«نکونام»: چنانچه وی پیش از دست رفتن موالات متوجه حکم شود، واجب است شوط ناقص را تکمیل کند و عمره‌ی او صحیح است و اگر بعد از دست رفتن موالات به آن توجه پیدا کند، باید شوط ناقص را تکمیل نماید و نماز طواف بخواند و طواف و نماز آن و نیز سعی را دوباره بگذارد و در صورتی که وقت وی برای تمام کردن عمره‌ی تمتع تنگ باشد، حج وی به افراد تبدیل می‌شود و بعد از اعمال حج، باید عمره‌ی مفرده بجا آورد و سال بعد عمره و حج تمتع را دوباره بگذارد.

□ □ □ □

س ۱۰۹۶ - در مواردی که تقدیم طواف بر دو وقوف در حج تمتع جایز است، آیا می‌توان آن را پیش از احرام برای حج تمتع انجام داد یا باید بعد از احرام واقع شود؟

ج - تقدیم طواف و سعی حج تمتع، بدون احرام جایز نیست.

□ □ □ □

س ۱۰۹۷ - کسی که غسل مس میت بر ذمه دارد آیا می تواند طواف و نماز آن را انجام دهد یا نه؟

«گلبایگانی»: احوط آن است که غسل کند و وضو نیز بگیرد و بعد طواف و نماز آن را بجا آورد.

* * *

«نکونام»: وی تا زمانی که غسل مس میت بجا نیاورد و وضو نیز نسازد نمی تواند طواف و نماز آن را انجام دهد.

□ □ □ □

س ۱۰۹۸ - کسی بعد از اتمام اعمال حج به دستور طواف دهنده با جمعی از حجاج و خود طواف دهنده عمره می فرود بجا آورده و چون عمل را مستحبی می دانسته، لباس احرام خود را که نجس بوده تطهیر نکرده و با همان جامه ای احرامی، عمره می فرود بجا آورده و نیز خیال می کرده طواف نسا در عمره می فرود لازم نیست و بعد از مراجعت فهمید که عمره می فرود طواف نسا دارد و یقین ندارد که با طواف دهنده طواف نسا را انجام داده یا نه؟ اکنون وظیفه ای او را بیان فرمایید.

ج - در فرض مذکور، اگر می تواند، واجب است خودش به مکه برود طواف عمره را با لباس احرام پاک انجام بدهد و نماز طواف و سعی و تقصیر و طواف نسا و نماز آن را بجا آورد و اگر نمی تواند، نایب بگیرد و ممکن است بنویسد به یکی از شیعیان مورد اعتماد آن جا که از میقات محرم شود و به نیابت او این اعمال را بجا آورد و تا این اعمال را انجام ندهد و طواف نسا را بجا نیاورد، با زن نزدیکی نکند.

□ □ □ □

س ۱۰۹۹ - زن و شوهری به مکه رفته اند و مناسک حج را بجا آورده اند اما چون زن شوهر خود را نمی خواسته طواف نسا و نماز آن را بجا نیاورده و شوهر نیز طواف و نماز را ترک کرده و به وطن خود باز گشته اند، اکنون وظیفه ای آن زن از نظر محرمیت و بودن وی در خانه ی شوهر چیست؟

«گلبایگانی»: بر هر دو واجب است به مکه برگردند طواف نسا و نماز آن را

بجا آورند و اگر رفتن به مکه مشقت دارد، نایب بگیرند که طواف نسا و نماز آن را بجا آورد و تا وقتی که طواف نسا و نماز آن را بجا نیاورده‌اند هرگونه استمتاع زن و مرد از یک‌دیگر حرام است و لکن عقد باطل نیست و زن بر مرد محرم است و در این مورد که زن به قصد فرار از تمکین، طواف نسا بجا نیاورده، استحقاق نفقه و سکنی محل اشکال است و احتیاط در ترک مطالبه است؛ هرچند بر زوج نیز احتیاط در صورت مطالبه، بذل نفقه است.

* * *

«نکونام»: بر زن و شوهر واجب است به مکه بازگردند و طواف نسا و نماز آن را بجا آورند و اگر نمی‌توانند به مکه روند، برای گزاردن طواف نسا و نماز آن نایب بگیرند و تا طواف نسا و نماز آن را بجا نیاورند هرگونه استمتاع زن و مرد از یک‌دیگر حرام است اما عقد آنان باطل نیست و زن بر مرد محرم است و نفقه‌ی زن در این مورد خاص که زن به قصد نشوز، طواف نسا نگزارده بر مرد واجب نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۰۰ - اگر کسی در حج تمتع به تصور این که فقط طواف نسا واجب است، طواف زیارت را ترک نموده است و تنها طواف نسا و نماز آن را انجام دهد، تکلیف وی چیست؟

ج - در فرض سؤال که طواف حج از جهت جهل به مسأله ترک شده، حج باطل است و باید در سال بعد بجا آورد و نظر به این که محتمل است از احرام بیرون نیامده باشد، احتیاطاً از نزدیکی با زن قبل از انجام اعمال عمره‌ی مفرده دوری کند.

□ □ □ □

س ۱۱۰۱ - زنی هستم که چند سال پیش به مکه مشرف شدم و موقعی که در مدینه بودم، خود را در روز ششم عادت زنانگی پاک دیدم و همیشه ایام پریود من بین

هفت تا ده روز بوده است و بنابراین، غسل کرده و عازم مکه شدم و در مکه مشاهده نمودم که پاک هستم و پس از طواف، لکه‌ی خونی دیدم و به همین منظور غسل نموده و به عرفات رفتم و در آنجا محتمل شدم و غسل کردم و عصر همان روز دوباره در عرفات لکه‌ی خون دیدم و دوباره غسل کردم، اما نمی‌دانم غسلی ما فی الذمه (غسلی که بر عهده‌ی من است) انجام دادم یا نه، حال، آیا حج من درست است یا خیر؟

ج - در فرض مسأله که در ایام عادت خودتان بین هفت تا ده لکه‌ی خون دیده‌اید، حج شما مبدل به حج افراد شده و چنانچه طواف زیارت و طواف نسا را با طهارت انجام داده باشید، حج شما صحیح است و آنچه فعلاً بر شما واجب است یک عمره‌ی مفرده است، اگر متمکن شوید، خود بجا آورید والا نایب بگیرید تا برای شما بجا آورد و احتیاط استحبابی آن است که مجدداً حج تمتع را علاوه بر عمره‌ی مفرده بجا آورید.



س ۱۱۰۲ - زنی به سبب ناآگاهی از مسأله، طواف نسا و نماز بجا نیاورده و به وطن خود آمده و شوهرش با او نزدیکی کرده و سپس متوجه می‌شود که چون طواف نسا و نماز آن را انجام نداده جایز نبوده چنین عملی را انجام دهد، حال وی برای حج خود چه تکلیفی دارد و هم‌چنین آیا وی بر شوهر خود حلال است یا خیر و آیا تفاوتی میان جهل به مسأله و نسیان آن هست یا نه؟ و اگر تنها نماز طواف را نخواند، چه حکمی دارد؟

ج - در فرض سؤال، حج او صحیح است و چون جاهل به مسأله بوده، جماع موجب کفاره نیست، ولی بعد از علم، اگر مقاربت نماید، کفاره لازم است و برای حلّیت، لازم است با تمکن، خود او و با عدم امکان، نایب او، طواف نسا و نماز طواف را بجا آورد و در این حکم فرقی بین جاهل و

ناسی نیست و اگر فقط نماز طواف را نخوانده، بعد از علم یا التفات جایز است در هر جا باشد نماز را بخواند.



س ۱۱۰۳ - شخصی هستم که در هر پنج تاده دقیقه به آب نیاز دارم، آیا می‌توانم با این حال، عمل حج انجام دهم؟

ج - اگر توانستید، طواف و نماز آن را با وضو انجام دهید و اگر فقط طواف را می‌توانید با وضو انجام دهید، جایز است بعد از تمام شدن طواف وضو را تجدید کنید و نماز آن را بخوانید و اگر تمام طواف را نیز نمی‌توانید با یک وضو بجا آورید چهار شوط آن را بجا آورید و بعد تجدید وضو نموده، سه شوط دیگر آن را انجام دهید و نماز طواف را بخوانید و اگر بتوانید طواف را به یکی از طرق مرقومه انجام دهید، طواف صحیح است و بقیه‌ی اعمال حج، مشروط به طهارت نیست.



س ۱۱۰۴ - در این سال‌ها که جمعیت حج‌گزاران زیاد است و انجام طواف در فاصله‌ی میان خانه‌ی کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام مشقت و سختی دارد و گاه ممکن نیست یا خطر جانی دارد، آیا می‌توان طواف را از پشت مقام انجام داد یا نه؟ و هم‌چنین گزاردن نماز طواف که باید پشت مقام خوانده شود، اگر دورتر از مقام خوانده شود، صحیح است یا نه؟

ج - در صورت اضطرار، طواف از پشت مقام کافی است و نماز طواف را هر جا ممکن باشد با صدق خلف مقام بجا آورند.



س ۱۱۰۵ - اگر کسی در حج تمتع به سبب فراموشی حکم، نخست طواف نسا و بعد طواف زیارت را بجا آورد و سپس آن را به یاد آورد یا پیش از انجام طواف زیارت متوجه گردد یا از جهت نسیان موضوع؛ یعنی به خیال این که طواف

زیارت را انجام داده فقط طواف نسا را بگذارد، چه تکلیفی دارد و نیز چنانچه از روی نادانی طواف نسا را پیش از طواف زیارت بجا آورد، حکم وی چیست؟
ج - لازم است طواف نسا بعد از طواف زیارت واقع شود، بنابراین، در تمام صور مذکوره باید طواف نسا را دو مرتبه بجا آورد.

□ □ □ □

س ۱۱۰۶ - در صورتی که زن بتواند با خوردن قرص، دوره‌ی پرئود خود را به تأخیر اندازد تا بتواند عمره را تمام نموده و محرم به حج شود و مجبور نشود احرام عمره را به احرام حج بدل نماید، آیا لازم است با خوردن قرص، پرئود خود را به عقب اندازد یا نه؟

ج - تأخیر انداختن عادت لازم نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۰۷ - شخصی در عمره‌ی تمتع، طواف را چهار شوط بجا آورده و بعد از اعمال عرفات و منی متوجه آن شده است، حال آیا همان طواف ناقص را باید اعاده کند و به سبب تقصیر از احرام بیرون آمده یا حج تمتع وی به صورت قهری به افراد تبدیل شده است؟

ج - در فرض سؤال اگر از جهت فراموشی، طواف را ناقص نموده، عمره و حج او صحیح است و بعد از تذکر، سه شوط باقی را باید قضا نماید و اگر از جهت جهل به حکم بوده، حج تمتع باطل است و باید سال بعد بجا آورد.

□ □ □ □

س ۱۱۰۸ - آیا گمان در طواف حکم شک را دارد یا حکم یقین را؟

ج - ظن در طواف، حکم شک دارد.

□ □ □ □

س ۱۱۰۹ - اگر کسی طواف نسا را در حج بجا نیاورد، زن بر او حرام می‌شود، آیا مقصود از حرمت زن، فقط حرمت در مقاربت است یا سایر بهره‌ها نیز حرام

می‌باشد و اگر از آنان فرزندی به وجود آید، حلال‌زاده است یا نه و آیا ارث می‌برد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، به احرام بستن شخص، ازدواج با زن و هرگونه استمتاع از او حرام می‌شود و تا طواف نسا بجا آورده نشود، هیچ یک از استمتاعات بر او حلال نیست و در صورت عصیان و مقاربت با زن، اولاد ملحق به آنهاست و توارث نیز بین آنها ثابت است.



س ۱۱۱۰ - زنی که در پشت ناخن و انگشت‌های او لاک چسبیده بوده و اعمال حج را به همان گونه بجا آورده و نمی‌دانسته که رنگ لاک مانع وضو و غسل است، آیا اعمال او صحیح است یا خیر؟ و چنانچه پس از انجام اعمال متوجه شود، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - در فرض سؤال، طواف او باطل است و احرام او باقی است و اگر در ذی‌حجه در مکه متوجه شود، بعد از ازاله مانع غسل یا وضو و طواف حج و سعی و طواف نسا را بجا آورد و عمره‌ی مفرده نیز بجا آورد با طواف نسا، و محل شود و در سال بعد، حج واجب را بجا آورد و اگر بعد از ذی‌حجه متوجه بطلان طواف شود، عمره‌ی مفرده بجا آورد و چنانچه در خارج از میقات باشد، لازم است ثانیاً در میقات محرم شود رجاء و به مکه برود، اعمال عمره‌ی مفرده را با طواف نسا بجا آورد تا محل شود و در سال بعد حج واجب خود را بجا آورد.



س ۱۱۱۱ - حج‌گزار پس از محل شدن از عمره‌ی تمتع پیش از وقوف به عرفات یا در عرفات یا بعد از حج متوجه می‌شود که طواف را از میان حجر اسماعیل انجام داده و لباس پوشیده، اکنون حج او صحیح است یا نه؟ و در هر حال، کفاره‌ی آن چیست؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، طواف او باطل است و احرام عمره‌ی او باقی

است و باید طواف و نماز آن و سعی را ثانيا بجا آورد و بعد تقصیر نماید و آن‌گاه محرم به احرام حج شود و برای وقوف عرفات برود و اگر وقت او تنگ است به طوری که اگر بخواهد اعمال مزبوره را بجا آورده و عمره را تمام کند اعمال حج ولو اضطراری آن را درک نمی‌کند، با همان احرام عمره، نیت خود را تبدیل به حج افراد نماید و حج را تمام کند و بعد عمره‌ی مفرده بجا آورده و اگر وقت او به قدری است که می‌تواند اعمال عمره‌ی تمتع را تمام کند و از اعمال حج، وقوفین اضطراری را درک کند، اعمال عمره‌ی تمتع را تمام کند و باز محرم به احرام حج تمتع بشود و اعمال اضطراری حج تمتع را بجا آورد و سال بعد ثانيا حج تمتع را انجام دهد و کفاره‌ی آن اگر تقصیر به گرفتن ناخن باشد، بنا بر احتیاط لازم، قربانی نمودن یک گاو است و هم‌چنین است حکم اگر جماع کرده باشد. و اگر بعد از حج متوجه شده، حج او مبدل به حج افراد شده و باید عمره‌ی مفرده بجا آورد و در سال بعد هم حج تمتع را انجام دهد.

* * *

«نکونام»: حکم حج وی همان است که در متن آمده و در فرض سؤال، کفاره‌ی آن یک رأس گاو است.

□ □ □ □

س ۱۱۱۲ - کسی که برای عمره‌ی تمتع محرم شده و در شوط چهارم در حالی که بیش از نصف آن را انجام داده یا پیش از رسیدن به نصف، طواف را بدون عذر رها می‌کند و دوباره آن را به هفت شوط انجام می‌دهد و اعمال عمره و حج را بجا می‌آورد، آیا حج وی صحیح است یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال که طواف اول را ناقص گذاشته و ثانيا طواف تمام بجا آورده، اقوی صحت عمره و حج تمتع است و اگر بخواهد احتیاط کند، سال بعد عمره‌ی تمتع و حج را اعاده کند و نقصان طوافی که

قطع کرده بجا آورد و بعد از حج، یک عمره‌ی مفرده بجا آورد و یک شتر هم قربانی کند.

* * *

«نکونام»: عمره و حج وی صحیح است و نیازی به انجام احتیاط یاد شده نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۱۳ - کسی که برای عمره‌ی تمتع احرام بسته، در طواف در حالی که شوط چهارم وی از نصف گذشته است، طواف را برای رسیدن به نماز جماعت رها می‌کند و بعد از نماز، طواف پیشین خود را کامل نمی‌کند، بلکه آن را از سر می‌گیرد و اعمال عمره‌ی تمتع را بجا می‌آورد، آیا عمره‌ی تمتع وی صحیح است یا نه؟

«گلپایگانی»: اقوی صحت عمره و حج تمتع است و نقصان طواف قطع شده را واجب است بجا آورد و اگر بجا نیاورده و به وطن آمده، سال دیگر برود و بجا آورد و اگر زحمت است، نایب بگیرد که او انجام دهد.

* * *

«نکونام»: عمره و حج تمتع وی صحیح است و نقصان آن را به گونه‌ی یاد شده تدارک کند.

□ □ □ □

س ۱۱۱۴ - جوان شیعه‌ای در خانواده‌ای از برادران اهل تسنن کار می‌کرده و تاکنون ازدواج نکرده و چون وقت حج می‌رسد با آن جماعت به زیارت خانه‌ی خدا می‌رود و اعمال حج را مطابق احکام آن‌ها انجام داده، ولی طواف نسا را بجا نیاورده و بعد از مراجعت از سفر ازدواج نموده و صاحب اولاد شده، در این صورت آیا حج و ازدواج او درست است یا نه؟

ج - در فرض مسأله، چنانچه ارکان حج را مطابق فتوای شیعه انجام داده،

حج او صحیح است و واجبات غیر رکنی را نیز اگر مطابق فتوای شیعه انجام نشده در صورت تمکن، خود و الا نایش انجام دهد، لکن تا طواف نسا بجا نیاورد، زن بر او حرام است و اگر خودش نمی‌تواند بجا آورد، یک نفر شیعه را وکیل کند که نیابتاً از طرف او طواف نسا بجا آورد و بعد از انجام طواف، عقد را تجدید کند و اولاد آنها در حکم حلال زاده است.

□ □ □ □

س ۱۱۱۵ - کسی طواف عمره‌ی تمتع را از داخل حجر اسماعیل انجام داده و سپس تقصیر می‌نماید و از احرام خارج می‌شود و به هنگام طواف حج به آن متوجه می‌گردد، اکنون تکلیف وی چیست؟

ج - حج او مبدل به حج افراد می‌شود و باید بعد از اكمال حج، عمره‌ی مفرده بجا آورد ولی مجزی از حجة الاسلام نیست و باید سال بعد حج تمتع را بجا آورد.

□ □ □ □

س ۱۱۱۶ - اگر کسی در آخر یکی از شوط‌های طواف میان شوط هفتم و پنجم شک کند یا ظن به هفت شوط پیدا کند و در هر دو صورت، بنا را بر کم‌تر بگذارد و دیگر اعمال را به نیت رجاء بجا آورد و پس از اتمام بدون نماز طواف یک دور را بدون نیت دور زده تا نزدیک حجرالاسود و بعد دوباره تمام شوط‌ها را بجا آورده؛ چرا که می‌پنداشته شاید عمل وی درست نباشد و دوباره هفت شوط دیگر به قصد وجوب، طواف کرده، آیا طواف وی صحیح است یا نه؟
«گلبایگانی»: صحت آن بعید نیست.

* * *

«نکونام»: طواف وی درست است.

□ □ □ □

س ۱۱۱۷ - اگر کسی در عمره‌ی تمتع بعد از انجام اعمال عمره محل شده و لباس دوخته‌ی خود را بپوشد و سپس یقین کند طواف یا سعی او باطل بوده، در

صورتی که وقت برای تجدید عمره‌ی تمتع باقی است، مراجعت به میقات برای او واجب است یا نه؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، اگر می‌داند که سعی او باطل بوده، سعی خود را با لباس احرام اعاده نماید و اگر یقین به بطلان طواف دارد، طواف را بجا آورد و احتیاطاً سعیش را اعاده نماید و در هر دو صورت، احتیاج به رفتن میقات نیست و در صورتی که از روی جهل، مخیط پوشیده، کفاره بر او واجب نیست.

* * *

«نکونام»: با فرض بطلان طواف یا سعی، طواف را بگذارد و سعی را با لباس احرام اعاده کند و لازم نیست به میقات رود و در صورت ناآگاهی، کفاره‌ای نیز بر او نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۱۸ - معذورانی که وقوف اضطراری مشعر الحرام را در شب درک نموده و به منی می‌روند و رمی جمره می‌کنند و برای قربانی وکالت می‌دهند و تقصیر می‌نمایند، آیا در همان شب جایز است طواف زیارت و طواف نسا را بجا آورند یا نه؟

ج - با عذر مانعی ندارد که شب طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه و طواف نسا را انجام دهند.

□ □ □ □

س ۱۱۱۹ - آیا طواف نسا و نماز آن که اگر در عمره‌ی مفرده و در حج بجا آورده نشود زن حلال نمی‌شود، بر زنها نیز لازم است یا نه؟

ج - بلی، بر زن نیز لازم است و تا آن را بجا نیاورد مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه اگر طفل را هم مُحرم نمودند، طواف نسا او هم لازم است و تا طواف نسا او انجام نشود، زن بر او حلال نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۱۱۲۰ - نماز طواف مستحب واجب است یا مستحب؟

ج - مستحب است.

□ □ □ □

س ۱۱۲۱ - آیا در حج لازم است طواف نسا و نماز آن را بعد از طواف حج و نماز و

سعی بجا آورد یا خیر؟

«گلپایگانی»: بلی، لازم است طواف نسا را بعد از سعی بجا آورد و اگر عمداً
مقدم داشت، اعاده‌ی آن با نمازش بعد از سعی لازم است و در صورت
جهل و فراموشی، اعاده‌ی آن احوط است و اگر خودش نمی‌تواند اعاده
کند، نایب بگیرد.

* * *

«نکونام»: طواف نسا باید بعد از سعی انجام شود و چنانچه آن را به عمد یا
از سر ناآگاهی مقدم بدارد، لازم است طواف نسا و نماز آن را بعد از سعی
بگزارد و چنانچه خود بر انجام آن توانایی ندارد نایب بگیرد تا ترتیب
آن حفظ شود.

□ □ □ □

س ۱۱۲۲ - کسی که عمره‌ی مفرده‌ی استحبابی بجا می‌آورد، اگر طواف نسای آن را

به عمد یا به سهو ترک کند، آیا زن بر او حرام است یا خیر؟

ج - بلی، تا طواف نسا را بجا نیاورد، زن بر او حلال نمی‌شود و از این
جهت فرقی میان عمره‌ی مفرده‌ی واجب و مستحب نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۲۳ - شخصی به واسطه‌ی ندانستن مسأله، طواف نسا را بجا نیاورده، ولی

نیت طواف مستحب کرده به این گونه که این طواف را برای هر نقصانی که در

طواف داشته‌ام قربة‌ی الی الله بجا می‌آورم و بعد از گذشتن یک سال متوجه شده،

تکلیف وی چیست؟

«گلپایگانی»: در مورد سؤال احوط آن است که بعد از التفات، با زن نزدیکی

نکند و در صورت تمکن برود طواف نسا را خودش بجای آورد و اگر مشقت دارد، نایب بگیرد که برای او طواف نسا و نماز آن را بجای آورد، اگرچه در غیر ماه حج باشد.

* * *

«نکونام»: وی بعد از توجه به حکم مسأله باید از نزدیکی با زن پرهیزد و طواف نسا و نماز آن را بجای آورد؛ اگرچه در غیر ماه حج باشد، و چنانچه بر انجام آن توانایی ندارد، نایب بگیرد.

□ □ □ □

س ۱۱۲۴ - ما رأیکم حول الحاجّ الذی لم یکمل حجّه لعذر بعد أداء الموقفین بأن عرضه عارض عن إتيان طواف الحجّ والنساء، ولا تمکن له الاستنابة فعلاً کیف یکون معاشرته مع أهله؟

- حج‌گزاری که به سبب عذری نمی‌تواند حج خود را کامل کند و بعد از وقوف در عرفات و منی بدون آن که طواف حج و طواف نسا را بگذارد، آن را ترک کند و هم‌چنین توانایی گرفتن نایب را نیز ندارد، در رابطه با همسر خود چه حکمی دارد؟

ج - یحرم علیه إتيان أهله حتّی یأتی بطواف الحجّ وصلاته والسعی وطواف النساء وصلاته.

- وی تا زمانی که طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نسا و نماز آن را انجام ندهد، نزدیکی با همسر بر وی حرام است.

□ □ □ □

□ نماز طواف

س ۱۱۲۵ - حج‌گزاری که قرائت وی درست نیست و نماز طواف نسا را خود بجای آورده و شخصی را که نمی‌داند قرائت وی درست است یا نه نایب گرفته، آیا در این صورت کفایت می‌کند یا باید در وطن خود نایب بگیرد؟

«گلبایگانی»: اگر در وقت عمل، متمکن از صحیح کردن قرائت نبوده، به

همان نحوی که متمکن بوده، کفایت بعید نیست، ولی فعلا که متمکن از صحیح کردن است بعد از تصحیح، احتیاطا نمازهای طواف‌ها را در ولایت خود بخواند و اگر فعلا هم نمی‌تواند صحیح نماید، در ولایت خود نایب بگیرد که به نیابت او بخواند.

* * *

«نکونام»: چنانچه وی می‌توانسته قرائت خود را در آن زمان درست کند، و حال نیز توانایی دارد، نماز طواف در شهر خود بگزارد و چنانچه هم‌اکنون چنین توانایی را ندارد در شهر خود نایب بگیرد، و چنانچه در آن هنگام برای وی ممکن نبوده قرائت خود را تصحیح کند، نماز وی به همان‌گونه که گزارده درست است و چیزی بر او نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۲۶ - کسی که هنوز نماز طواف خود را نخوانده، آیا می‌تواند نماز طواف دیگری را به نیابت از او بخواند یا نه؟

«گلپایگانی»: نماز طواف را بنا بر احوط بعد از طواف باید فوراً بجا آورد، بنابراین، نیابت از دیگری در نماز، منافات با فوریت دارد، لکن اگر قبلاً خواند، نماز صحیح است.

* * *

«نکونام»: نماز طواف باید بی‌درنگ بعد از طواف خوانده شود و از این رو نمی‌تواند برای دیگری نایب شود، اما اگر چنین کرده است نماز وی درست است.

□ □ □ □

س ۱۱۲۷ - در صورتی که نتوان نماز طواف را در نزدیکی مقام خواند، آیا می‌شود آن را در فضای فعلی مسجد الحرام گزارد یا خیر؟

ج - باید تا آخر مسجد الحرام، نماز طواف، خلف مقام یا جانبین آن خوانده شود.

□ □ □ □

س ۱۱۲۸ - آیا می‌شود در نماز طواف به شخصی روحانی که سفر او سفر دوم و استجابی است، اقتدا کرد یا نه؟

ج - نماز طواف در حج واجب و مستحب واجب است و لازم است که به طور فرادی هم خوانده شود.

□ □ □ □

س ۱۱۲۹ - اگر در پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام برای نماز طواف واجب جا نباشد و نزدیک به یک ربع ساعت صبر کند تا جا پیدا شود، آیا این مقدار زمان با موالات عرفی منافات دارد یا نه؟

ج - در فرض مرقوم، این مقدار فاصله مضر به موالات عرفیه نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۳۰ - در مقام ابراهیم علیه السلام به واسطه‌ی ازدحام و کثرت جمعیت ممکن نیست که مرد یا زن در موقع نماز طواف به گونه‌ای بایستند که با هم برابر یا زن جلو مرد نباشد، در این صورت، آیا نماز آن‌ها صحیح است یا خیر؟

ج - بلی، صحیح است و لکن محاذی بودن مرد با زن و هم‌چنین جلو ایستادن زن در حال نماز، اگر فاصله‌ی بین آن‌ها کم‌تر از ده ذراع باشد، نزد حقیر مکروه است.

□ □ □ □

س ۱۱۳۱ - اگر از روی ناآگاهی نماز پیش از طواف گزارده شود، تکلیف چیست؟
ج - نماز را دوباره بجا آورد.

□ □ □ □

س ۱۱۳۲ - کسی که در عمره‌ی مفرده نماز طواف نسا را نخوانده و به وطن خود بازگشته چه حکمی دارد؟

ج - اگر برگشتن به مسجد الحرام برای او دشوار باشد می‌تواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند؛ هرچند در شهر دیگر باشد.

□ □ □ □

س ۱۱۳۳ - اگر نماز طواف حج بعد از سعی بجا آورده شود، آیا لازم است سعی را برای حفظ ترتیب اعاده نمود یا خیر؟
«گلبایگانی»: احتیاط مستحب، اعاده‌ی سعی است.

* * *

«نکونام»: لازم نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۳۴ - شخصی نماز طواف عمره را فراموش کرده و بعد از تقصیر متوجه آن شده، آیا لازم است وی نماز را با لباس احرام بجا آورد یا خیر؟
«گلبایگانی»: لزوم آن معلوم نیست.

* * *

«نکونام»: لازم نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۳۵ - برای کسی که نماز طواف را به اشتباه خوانده احتیاط نموده‌اند که باید آن را به جماعت بخواند، آیا نماز امام باید نماز طواف واجب باشد یا نماز یومیه کافی است؟

«گلبایگانی»: اقتدا به نماز یومیه مشکل است و در مواردی که اقتدا به نماز طواف شود بنا بر احتیاط، اکتفا به آن نکنند.

* * *

«نکونام»: نماز طواف را نمی‌توان به جماعت خواند و اگر چنین نماید، به آن بسنده نکند.

□ □ □ □

س ۱۱۳۶ - شخصی نصف سعی را انجام داده یا پیش از رسیدن به نصف متوجه می‌شود که نماز طواف را نخوانده، حال وظیفه‌ی وی چیست؟

«گلبایگانی»: سعی را رها نموده نماز طواف بخواند و بعد در صورت تجاوز از نصف، بقیه‌ی سعی را و در کم‌تر از نصف همه‌ی آن را مجدداً بجا آورد.

* * *

«نکونام»: اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی یا بین صفا و مروه به یاد آورد، از همان جا سعی را رها کند و باز گردد و دو رکعت نماز بخواند و بعد از آن، سعی را از همان جا به پایان رساند.



س ۱۱۳۷ - اگر نایب، نماز طواف کسی را که از طرف وی نایب شده را با فاصله بجا آورد، چه حکمی دارد؟

ج - باید بدون فاصله بجا آورد، ولی اگر با فاصله انجام داد، مضر به نمازی که منوب عنه خودش خوانده است نیست.



□ سعی

س ۱۱۳۸ - اگر کسی سر خود را در سعی بین صفا و مروه به پشت برگرداند و بدن وی به سمت راست یا چپ منحرف شود، اما به پشت باز نگردد، آیا سعی وی اشکالی دارد یا نه؟

ج - اگر در حال رفتن به صفا صورتش متوجه به صفا و در حال رفتن به مروه متوجه مروه باشد و هنگام برگرداندن سر توقف کند، اشکال ندارد.



س ۱۱۳۹ - اگر شخصی در سعی میان صفا و مروه به اطراف نگاه نماید، آیا می‌تواند سعی را همان هنگام از اول شروع کند یا باید صبر نماید تا موالات از بین رود؟

ج - نظر کردن به اطراف در حال سعی ضرر ندارد، فقط باید وقت رفتن به صفا رو به صفا برود؛ یعنی قهقرا نرود یا آن که طرف یمین یا یساراش به سمت صفا نباشد و اگر کسی به نحو باطل مقداری رفت برگردد، همان مقدار را صحیحا اعاده کند و موالات به هم نمی‌خورد و از سر شروع کردن صحیح نیست.



س ۱۱۴۰ - حج گزار در عمره‌ی تمتع پس از آن که از احرام بیرون آمد و لباس دوخته پوشید متوجه می‌شود که سعی را شش مرتبه انجام داده، حال اگر پیش از وقوف به عرفات متوجه شود چه کند و اگر در عرفات یا بعد از آن پی ببرد، چه تکلیفی دارد و اگر با همسر خود آمیزش کند، کفاره‌ی آن چیست؟

ج - اگر وقت دارد، کسری سعی را تمام کند و اگر وقت ندارد؛ به طوری که اگر بخواهد برود و کسری سعی را تمام کند به وقوف عرفات نمی‌رسد، وقوف عرفات و اعمال حج را بجا آورد و بعد از مراجعت به مکه، کسری سعی عمره را بجا آورد و در فرض سؤال، اگر جماع کرد، کفاره‌ی آن بنا بر احتیاط، یک گاو است و هم چنین است حکم ناخن گرفتن.

□ □ □ □

س ۱۱۴۱ - شخصی در سعی میان صفا و مروه که تکلیف وی هفت مرتبه است، اگر از روی ناآگاهی چهارده مرتبه سعی نماید، تکلیف وی چیست؟

ج - در فرض سؤال که به واسطه‌ی جهل به مسأله‌ی زیادتر سعی نموده، سعی او صحیح است و اعاده واجب نیست و هم چنین است حکم در صورت نسیان.

□ □ □ □

س ۱۱۴۲ - گفته می‌شود اگر کسی یک شوط به سعی اضافه کند مستحب است شش شوط دیگر بر آن بیفزاید تا سعی دوم شود، مقصود از این حکم چیست؛ با این که سعی مستحب وجود ندارد؟

ج - در خصوص مورد، روایتی هست که بعضی از علما رضوان الله تعالی علیهم اجمعین به آن عمل نموده‌اند و بعضی به جهت ضعف سندش بر طبق آن فتوا نداده‌اند و لکن عمل به آن مطابق احتیاط است.

□ □ □ □

س ۱۱۴۳ - کسی که می‌دانسته در سعی باید از صفا شروع و به مروه ختم کند، ولی جای آن را نمی‌دانسته و از کسی پرسیده و او مروه را بجای صفا به او نشان داده

و بنا به گفته‌ی او از مروه شروع به سعی کرده و پس از این که هفت مرتبه سعی انجام داده، به اشتباه خود متوجه می‌شود و مرتبه‌ی دیگر سعی، آیا سعی او صحیح است یا خیر؟

«گلبایگانی»: اقوی صحت آن است؛ هرچند احوط اعاده‌ی سعی است.

* * *

«نکونام»: لازم است حج‌گزار سعی را از صفا شروع کند و آن را در دور هفتم به مروه ختم کند، و در صورتی که از مروه شروع کند، هرگاه متوجه شود باید آن را اعاده کند، و اگر در بین سعی باشد، باید سعی را از سرگیرد و آن را از صفا شروع نماید.

□ □ □ □

س ۱۱۴۴ - اگر به سبب ناآگاهی، سعی را بر طواف زیارت مقدم دارد، چه باید کند؟
«گلبایگانی»: احتیاط واجب آن است که سعی را اعاده نماید.

* * *

«نکونام»: اگر به سبب ندانستن مسأله، سعی را بر طواف پیشی دارد، لازم است آن را اعاده کند. هم‌چنین است اگر از روی فراموشی چنین نماید.

□ □ □ □

س ۱۱۴۵ - روی صفا و مروه طبقه‌ای هم‌چون زیر آن ساخته شده، آیا انجام سعی در طبقه‌ی فوقانی صحیح است یا خیر؟

ج - در صورتی که فوقانی بلندتر از کوه صفا و مروه نباشد که سعی بین دو کوه صدق بکند، مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۱۱۴۶ - چرخ‌هایی که در میان صفا و مروه رفت و آمد می‌کند محل معینی دارد که شک می‌شود همه‌ی این مسیر را می‌پیماید یا خیر، انجام سعی با آن چه تکلیفی دارد؟

ج - باید سعی کامل انجام شود؛ هرچند با پرداخت اجرت بیش‌تر باشد.

□ □ □ □

س ۱۱۴۷ - کسی که نمی‌تواند سعی را پیاده انجام دهد و او را سوار بر چرخ کرده‌اند، در حال سعی به خواب فرو رفته و مقداری از سعی را خواب بوده، آیا سعی وی صحیح است یا نه؟

«گلپایگانی»: صحت سعی در حال خواب معلوم نیست، بنابراین، اگر بعد از نصف، خواب رفته؛ چنانچه آن مقداری که در خواب بوده و باقی را با التفات بجا آورده باشد کافی است و احتیاطاً اصل سعی را اعاده نماید و در غیر این صورت، لازم است سعی را از سر بگیرد.

* * *

«نکونام»: سعی باید با التفات و توجه انجام شود و تنها شوط‌هایی که با التفات انجام شده درست است و باید آن را کامل کند.

□ □ □ □

س ۱۱۴۸ - شخصی در حال سعی شک می‌کند شوط سوم است یا چهارم و در حالی که سعی را ادامه می‌دهد فکر می‌کند و پس از مقداری سعی یقین می‌نماید شوط سوم است، آیا سعی وی صحیح است یا باید آن را از سر بگیرد؟

ج - در فرض سؤال که شک او مبدل به یقین شده و احراز عدد اشواط نموده و به سعی ادامه داده است به رجای کشف حال، سعی او صحیح است.

□ □ □ □

□ تقصیر و حلق

س ۱۱۴۹ - شخصی چند سال پیش به حج مشرف شد و در عمره‌ی تمتع بعد از سعی چند دانه موی ریش را به نیت تقصیر کند و حج را تمام نمود، آیا حج تمتع او صحیح است یا نه؟ در ضمن، بعد از این سفر، چند مرتبه‌ی دیگر به حج مشرف شده، اگر حج اول وی اشکال داشته باشد، حج سال‌های بعد صحیح است یا نه؟ و چنانچه در واقع، حج اول او مبدل به افراد شده باشد، اگر امسال به مکه رود و

بعد از اتمام اعمال حج، یک عمره‌ی مفرده انجام دهد، برای حج سال اول کافی است یا نه؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال که حج تمتع را ثانیاً بجا آورده، اگر عمره‌ی مفرده نیز احتیاطاً بجا آورد، کافی است و اگر بعد از حج سال اول در سال‌های بعد، عمره‌ی مفرده بجا آورده باشد نیز کافی است.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد و حج تمتع وی درست است.

□ □ □ □

س ۱۱۵۰ - کسانی که در شب دهم - شب عید - جایز است از مشعر کوچک کنند، آیا می‌توانند رمی جمره‌ی عقبه را نیز در شب دهم انجام دهند یا نه؟ حکم قربانی و حلق و تقصیر در شب دهم چیست؟

«گلبایگانی»: کسی که معذور است و نمی‌تواند در روز عید رمی کند، جایز است در شب عید رمی نماید و هم‌چنین اگر از حلق و تقصیر در روز عید معذور است؛ مثل خایف از فجأه‌ی حیض که بخواهد همان شب به مکه برود، بعید نیست جایز باشد بعد از رمی جمره، کسی را وکیل کند که در روز عید برای او قربانی نماید و خود حلق یا تقصیر نموده و به مکه برود و قربانی نمودن در شب عید بنا بر احوط جایز نیست.

* * *

«نکونام»: کسانی که در شب دهم - شب عید - جایز است از مشعر کوچک کنند، می‌توانند رمی جمره‌ی عقبه را در شب دهم انجام دهند و زنی که احتمال پیروی می‌دهد می‌تواند بعد از آن برای انجام قربانی در روز عید نایب بگیرد و خود حلق یا تقصیر نماید و همان شب به مکه رود. انجام قربانی در شب عید قربان جایز نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۵۱ - شخصی که در اعمال روز عید در منی در اثر گم کردن منزل یا عذر دیگری حلق یا تقصیر را تأخیر انداخته و در شب یا فردای آن روز مقارن طلوع آفتاب حلق کرده، آیا عمل وی صحیح است یا نه؟
ج - در صورتی که معذور بوده مجزی است.



س ۱۱۵۲ - شخصی در عمره‌ی تمتع به جای تقصیر چند مو از سینه‌ی خود کنده و سپس برای حج تمتع محرم شده و حج تمتع را انجام داده، آیا حلقی که بعد از آن انجام گرفته، از تقصیر کفایت می‌کند یا نه؟ و آیا در حال حاضر زن بر او حلال است یا هنوز از احرام خارج نشده است؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال که از جهت جهل به مسأله قبل از محل شدن از عمره، محرم به احرام حج شده، عمره‌ی تمتع او باطل و حج او مبدل به حج افراد شده و بعد از افعال حج و تقصیر یا حلق و طواف نسا، زن بر او حلال است و واجب است بعد از حج، عمره‌ی مفرده بجا آورد و اگر نیاورده، هر وقت متمکن شد، انجام دهد و احتیاط لازم آن است که در سال بعد حج تمتع بجا آورد.



«نکونام»: حکم این مسأله همان است که در متن آمده و عمره‌ی وی به افراد تبدیل می‌شود، با این تفاوت که بر وی واجب است حج تمتع را در سال آینده بجا آورد.



س ۱۱۵۳ - در روز دهم، اگر حج‌گزار ضروره نتواند حلق انجام دهد، آیا می‌شود در شب حلق نماید یا باید روز یازدهم حلق کند؟
«گلبایگانی»: حلق در شب خلاف احتیاط است و اگر در روز عید ترک نمود، روز یازدهم باید حلق کند و اگر به جای حلق، تقصیر کرد، وقتی که متمکن از حلق شد، در طول ذی‌حجه حلق نماید.



«نکونام»: تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق اشکال ندارد؛ هرچند به عمد باشد. حلق در شب صحیح است و کفایت می‌کند.



س ۱۱۵۴ - اگر حج گزار سرورده که برای نخستین بار حج انجام می‌دهد و حلق بروی واجب است، علم داشته باشد که آرایشگر، سر او را خونی می‌کند، چه باید کند؟ «گلبایگانی»: علی فرض انحصار حلاق به کسی که سر او را خونی می‌کند، بعید است. باید فحوص نماید و حلاق ماهر پیدا کند اگر فرضاً پیدا نشد، تقصیر نماید و بعد در ماه ذی‌حجه هر وقت متمکن از حلق شد، حلق نماید؛ هرچند به مکه آمده باشد و مو را به منی بفرستد.



«نکونام»: کسی که در حج، تراشیدن سر بر عهده‌ی اوست و از ابتدا می‌داند با تیغ کشیدن، سر وی خون می‌آید، می‌تواند به تقصیر بسنده نماید.



س ۱۱۵۵ - پس از تمام شدن سعی، بعضی از اشخاص از مو و شارب و ناخن دیگران به عنوان تقصیر، کوتاه می‌کنند. آیا گرفتن وکالت در این کار لازم است یا سکوت و رضایت آن‌ها کافی است؟

ج - خود محرم باید نیت تقصیر را که از اعمال حج است بنماید و اگر با رضایت، خودش را در معرض حلاق قرار دهد که موی او را کوتاه کند، کافی است.



س ۱۱۵۶ - چنانچه حاجی در روز عید قربان به علت ازدحام یا کسالت نتواند رمی کند و قصد نماید که آن را روز یازدهم قضا کند و از طرفی چون قربانی در منی در روز عید ممکن نیست، قربانی را نیز تا روز سیزدهم تأخیر اندازد، آیا اجازه می‌دهید حلق یا تقصیر را در روز عید انجام دهد و از احرام خارج شود و در

روزهای بعد رمی و قربانی را انجام دهد یا خیر؟

ج - در صورت مفروضه می تواند با حلق یا تقصیر از احرام خارج شود.

□ □ □ □

س ۱۱۵۷ - در مناسک آمده که در صورت فراموشی تقصیر در عمره و توجه پیدا کردن به آن بعد از احرام حج، عمره صحیح است و باید یک گوسفند کفاره بدهد، اما درباره‌ی انجام تقصیر و عدم آن چیزی نوشته نشده، آیا دادن کفاره کافی است؟

ج - بلی، در صورت نسیان، کفاره کافی است.

□ □ □ □

س ۱۱۵۸ - کسی که به سبب ناآگاهی از حکم، در خارج منی حلق کرده و طواف حج و سعی و طواف نسا را انجام داده و سپس متوجه مسأله شده است، چه وظیفه‌ای دارد و چنانچه موضوع را نداند یا غافل از حلق باشد، تکلیف چیست؟

«گلبایگانی»: در فرض مسأله که از جهت جهل به مسأله و غفلت، در غیر منی حلق کرده، اجزا بعید نیست؛ هرچند احتیاط آن است که در صورت تمکن به منی برگردد و حلق کند (امرار موسی نماید) و اعمال بعدی را اعاده کند و با عدم تمکن، هر جا که هست همان جا حلق کند و استحباباً موی خود را به منی بفرستد.

* * *

«نکونام»: در فرض ناآگاهی حج گزار به حکم، حج وی صحیح است.

□ □ □ □

س ۱۱۵۹ - کسی که به واسطه‌ی جهل به مسأله بعد از طواف و پیش از سعی، تقصیر کرده و بعد از آن با زن نزدیکی کرده، چه وظیفه‌ای دارد؟

«گلبایگانی»: باید سعی را به نحو صحیح بجا آورد و رجاء تقصیر کند و بنا بر احتیاط واجب، یک گاو کفاره بدهد.

* * *

«نکونام»: پرداخت کفاره‌ی یاد شده بر وی واجب است.

□ □ □ □

س ۱۱۶۰ - حج‌گزار در منی بعد از رمی جمره‌ی عقبه و قربانی، پیش از حلق و تقصیر به عمد یا به سهو و از روی نادانی از احرام بیرون می‌آید و لباس عادی می‌پوشد، تکلیف وی چیست؟

ج - باید حلق یا تقصیر را بجا آورد و یک گوسفند قربانی کند برای پوشیدن لباس دوخته قبل از احلال، اگر عالماً عامداً این کار را کرده و اما نسیاناً یا جهلاً کفاره ندارد.

□ □ □ □

س ۱۱۶۱ - اگر حج‌گزار در احرام حج یا عمره، فردی را که در احرام است تقصیر نماید، شخص تقصیر شده از احرام خارج می‌شود یا نه؟ و در صورت خارج شدن از احرام، بر او و بر تقصیرکننده کفاره لازم می‌شود یا نه؟

ج - اگر جاهل به حکم باشند، تقصیر صحیح است و از احرام خارج می‌شود و بر تقصیرکننده نیز کفاره لازم نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۶۲ - آیا در عمره‌ی تمتع پس از انجام تقصیر سر تراشیدن جایز است یا نه؟ «گلبایگانی»: جایز نیست و اگر بتراشد، بنا بر احوط یک گوسفند کفاره دارد.

* * *

«نکونام»: پرداخت کفاره‌ی یاد شده بر وی واجب است.

□ □ □ □

س ۱۱۶۳ - چند نفر به اتفاق جهت انجام اعمال عمره‌ی مفرده به مکه مشرف شدند و تقصیر را بعد از طواف نسا انجام داده‌اند، حکم آن چیست؟

ج - در صورتی که نسیاناً یا جهلاً طواف نسا را بر تقصیر مقدم داشته‌اند، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۱۱۶۴ - شخصی در عمره‌ی مفرده تقصیر را فراموش کرده یا از روی ناآگاهی و جهل تقصیر ننموده است و بعد از طواف نسا و نماز طواف، متوجه آن می‌شود، حکم وی چیست؟

«گلبایگانی»: تقصیر نماید و به احتیاط لازم، طواف نسا و نماز آن را اعاده کند.

* * *

«نکونام»: باید تقصیر نماید و سپس طواف نسا و نماز آن را انجام دهد.

□ □ □ □

س ۱۱۶۵ - کسی که پیش از این برای خود به حج مشرف شده و در حال حاضر به نیابت از دیگری به حج می‌رود و یا به عکس، پیش از این نایب بوده و حال برای خود به حج مشرف می‌شود، آیا واجب است حلق نماید یا میان حلق و تقصیر اختیار دارد؟

ج - در هر دو صورت مخیر است بین حلق و تقصیر.

□ □ □ □

س ۱۱۶۶ - آرایش‌گری که در حال احرام و پیش از آن که حلق یا تقصیر کند، سر دیگری را می‌تراشد، آیا باید کفاره بدهد یا نه؟

ج - کفاره ندارد؛ هرچند این عمل برای او جایز نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۶۷ - آیا لازم است تقصیر در عمره‌ی تمتع بعد از سعی و بدون فاصله انجام گیرد یا نه؟

ج - قبل از احرام حج تقصیر نماید کافی است و مدرکی برای فوریت آن به نظر نرسیده.

□ □ □ □

□ وقوف به مشعر

س ۱۱۶۸ - آیا حاجی می‌تواند شب برای کاری یا بدون عذر از مشعر به منی برود

و پیش از فجر برای درک اختیاری مشعر باز گردد یا خیر؟

ج - برای غیر معذور جایز نیست و اگر رفت و قبل از طلوع فجر مراجعت نمود، معصیت نموده ولکن وقوف او صحیح است.

□ □ □ □

س ۱۱۶۹ - کوچ کردن از مشعر به منی پیش از نیمه شب یا بعد از آن به سبب ترس ازدحام جمعیت برای پیرمردان و بیماران و زنان جایز است یا خیر؟

ج - برای مضطر و خایف و صاحب عذر و زنان، افاضه از مشعر به منی در شب جایز است؛ هرچند قبل از نصف شب باشد.

□ □ □ □

س ۱۱۷۰ - کارکنان و اعضای کاروانی که وظیفه‌ی پذیرایی حاجیان را بر عهده دارند آیا می‌توانند وقوف اضطراری مشعر را انجام داده و شب عید به منی روند و باز نگردند یا نه؟

ج - اگر طوری است که ناچارند بعد از وقوف مقداری از شب در مشعر، شبانه به منی بروند و نمی‌توانند ثانیاً به مشعر برگردند، مانعی ندارد ولکن اکتفا به مقدار ضرورت نمایند.

□ □ □ □

س ۱۱۷۱ - هرگاه کارمند کاروان، اثاث را از عرفات به مکه برد و در مشعر توقف نکند و سپس از مکه به مشعر باز گردد و تا صبح در آن جا بماند، چه حکمی دارد و هرگاه وقوف وی فقط به اندازه‌ی جمع کردن سنگ برای رمی جمرات باشد، تکلیف وی چیست؟

ج - حج او صحیح است و به مقدار جمع کردن سنگ برای رمی جمرات، اگر به قصد وقوف توقف کند، رکن به عمل آمده است.

□ □ □ □

□ رمی

س ۱۱۷۲ - موقع رمی جمره، شش عدد سنگ ریزه به طور قطع به محل خود رسیده ولی شک دارم عدد هفتم به هدف خورده یا نه و حتی در میان چادر شک من

قوی تر شد و در سال بعد به یک نفر حاجی که عازم حج بود پول دادم تا به نیابت از طرف من یک سنگ ریزه رمی نماید، حال آیا حج بنده با نقص یک عدد باطل می شود یا خیر؟

ج - واجب بود با شک، سنگ دیگر بزنید، فعلا که ترک کرده اید، حج باطل نمی شود.



س ۱۱۷۳ - حج گزاری سنگ ریزه هایی را که از مشعرالحرام جمع آوری نموده، در راه گم کرده است و در منی و دورتر از جمره ی عقبه دوباره به جمع آوری سنگ ریزه می پردازد، آیا وی با این سنگ ریزه ها می تواند رمی کند یا نه؟
ج - مطلق سنگ ریزه ی حرم کافی است و بودن سنگ ریزه از مشعر، حکم استحبابی است.



س ۱۱۷۴ - در سال گذشته عده ای به مکه مشرف شده و یک نفر از اهل علم به آنان می گوید زن ها را برای رمی جمرات با خود نبرید؛ چون بر اثر تراکم جمعیت برای آن ها مشکل است و شما از طرف آن ها به نیابت رمی نمایید و آنان نیز آن را انجام داده اند ولی اطمینان ندارند تکلیف از آنان ساقط شده باشد، آیا حج آنان صحیح است یا خیر؟

ج - در فرض مذکور، حج صحیح است ولی مجرد ازدحام در صورتی که موجب عدم تمکین نشود، مجوز ترک رمی و نایب گرفتن نیست و فعلا بر آن ها لازم است در صورت تمکن، خودشان به مکه بروند و رمی را در وقت آن انجام دهند و در صورت عدم تمکن، نایب بگیرند.



س ۱۱۷۵ - آیا پرستار بیمار همانند خود بیمار می تواند در شب عید، رمی جمرات کند یا نه؟

ج - پرستار هم اگر مثل بیمار نمی تواند در روز رمی جمرات کند، جایز

است در شب رمی کند، ولی اگر با وصف پرستاری بتواند در روز رمی کند، رمی در شب برای او جایز نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۷۶ - آیا انجام رمی در شب یازدهم ذی‌حجه جایز است یا نه؟

ج - در صورتی که روز می‌تواند رمی کند جایز نیست شب رمی کند و اگر نسیانا یا عمدا ترک نمود، قضای آن را فردای آن روز ابتداءً بجا آورد و بعد واجب آن روز را بجا آورد. بلی، اگر روز مطلقاً نتواند، شب بجا آورد و فرق نیست که شب قبل باشد یا شب بعد.

□ □ □ □

س ۱۱۷۷ - آیا حج‌گزار پیش از انجام رمی خود می‌تواند برای دیگری رمی نماید یا نه؟

ج - مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۱۱۷۸ - شخصی در اثر ناتوانی نتوانسته است رمی جمره کند و از این رو نایب گرفته و وی هر سه جمره را رمی نموده، اما وی خود اگر شب می‌رفت، برای او ممکن بود جمره را رمی کند و حال به مسأله توجه پیدا نموده که اگر زن ناتوان باشد، می‌تواند کسی را اجیر بگیرد که به جای او سنگ بزند، ولی اگر شب ممکن شود می‌تواند آن را در شب انجام دهد، حال، آیا این حکم حتمی است یا اختیاری؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، چنان‌چه رمی در شب برای خودش ممکن باشد، باید خودش در شب رمی کند و اگر ممکن نیست، نایب بگیرد که در روز از طرف او رمی کند و این حکم در مناسک، مسأله بالصراحه ذکر شده و اگر به وطن برگشته، احتیاطاً اگر بتواند خودش به منی برود و قضای آن را روز بجا آورد و اگر متمکن نیست، نایب بگیرد که روز از

طرف او رمی کند و در هر صورت، باید رمی در ایام تشریق باشد.

* * *

«نکونام»: حکم احتیاطی گفته شده، لازم است مراعات گردد.

□ □ □ □

س ۱۱۷۹ - رمی جمره‌ی عقبه از چهار طرف بسنده است یا خیر؟

ج - رمی از غیر محل سابق خلاف احتیاط است.

□ □ □ □

س ۱۱۸۰ - العاجز عن رمي جمرة العقبة في يوم العيد يرمي صباح الغد قضاءً، فهل لهذا الشخص أن يذبح ويحلق يوم العيد بدون رمي جمرة العقبة أو لا بد أن يؤخر الذبح والحلق أيضاً إلى ما بعد الرمي؟

- کسی که از رمی جمره‌ی عقبه در روز عید ناتوان است فردای آن روز لازم است قضای آن را بگذارد، حال آیا بر وی لازم است ذبح قربانی و حلق را پیش از انجام رمی آن جمره انجام دهد یا باید ابتدا جمره را رمی کند و سپس ذبح و حلق را بیاورد؟

ج - يحب أن يكون الذبح والحلق مترتبین علی رمي جمرة العقبة، فإن عجز عن الرمي يوم العيد يرمي في غده، فإن عجز عن الرمي في تلك الأيام ولياليها جميعاً يستنوب من يرمي عنه ثم يذبح ويحلق في النهار.

- واجب است ذبح و حلق بعد از رمی جمره انجام گیرد و ترتیب آن رعایت شود، و اگر از انجام رمی در روز عید ناتوان است، رمی را در فردای آن روز انجام دهد و چنانچه نتواند رمی را در هیچ یک از آن روزها و شبها بگذارد، از طرف خود نایب بگیرد و سپس ذبح و حلق را در روز انجام دهد.

□ □ □ □

س ۱۱۸۱ - هل يجوز الرمي عن النساء نيابةً في هذه السنين لكثرة الحجّاج فوق العادة أو يجب عليهنّ أن يرمين بأنفسهنّ، وكذلك الطواف حول الكعبة، والازدحام في الرمي يخفف ليلاً، ولكنّ الإزدحام حول الكعبة لا يخفف ليلاً ونهاراً في هذه السنين.

- آیا زنان می‌توانند در این سال‌ها که حاجیان بسیار هستند برای انجام رمی نایب بگیرند یا باید خود حج بگذارند و هم‌چنین طواف کعبه که همیشه هم در شب و هم در روز شلوغ است به خلاف رمی که جمعیت آن در روز بسیار و در شب کاهش می‌یابد؟

ج - النساء في الغرض المرفوق يؤخّر الرمي إلى آخر أيام التشريق فيرمين بأنفسهنّ مع الإمكان في النّهار، ومع عدم التمكنّ فبالليل، وإن عجزن عن كليهما جازت لهنّ الاستنابة، وكذا الطواف، فلا تجوز لهنّ الاستنابة فيه، بل يظنن بأنفسهنّ مع الإمكان.

- زنان در فرض یاد شده می‌توانند رمی را تا آخر روزهای تشریق به تأخیر اندازند و خود رمی را انجام دهند و در صورتی که ناتوان از آن باشند، رمی را در شب بگذارند و چنانچه ناتوان از هر دو باشند، می‌توانند نایب بگیرند و درباره‌ی طواف نیز چنین است و در صورتی توانایی آنان بر انجام طواف، جایز نیست نایب بگیرند، بلکه باید خود طواف نمایند.



س ۱۱۸۲ - انجام رمی در طبقه‌ی دوم که تازه ایجاد شده چه حکمی دارد؟
«گلبایگانی»: در طبقه‌ی تحتانی رمی کنند و رمی در طبقه‌ی فوقانی خلاف احتیاط است.



«نکونام»: رمی در طبقه‌های فوقانی، هرچند متعدد و دارای چندین طبقه نیز باشد، اشکال ندارد.



س ۱۱۸۳ - ما حکم من نسي الرمي أو الذبح أو الحلق يوم العيد ورمى أو ذبح أو حلق أو قصر في ليلة الحادي عشر نسياناً أو جهلاً أو عمداً؟

- کسی که رمی یا ذبح یا حلق را در روز عید قربان فراموش کند و به سبب ناآگاهی و یا از روی فراموشی و یا به عمد آن را در شب یازدهم بگذارد چه باید کند؟

«گلبایگانی»: إن كان المنسي هو الرمي وقد تذكر قبل مضي أيام التشريق وجب عليه احتياطاً أن يرمي قضاء كل يوم في غده، وإن مضى أيام التشريق، فإن كان متمكناً من قضائه بنفسه في العام المستقبل فليقضه بنفسه وإلا فيستنيب من يرمي عنه يوم العيد في العام المقبل، وإن كان المنسي هو الذبح وقد ذبح في ليلة الحادي عشر فلا يبعد الإجزاء، وإن كان الأحوط أن يذبح في النهار أيضاً، وإن كان المنسي هو الحلق وقد حلق في ليلة الحادي عشر فالإجزاء في الفرض المرقوم لا يخلو عن قوة.

- اگر آن چه فراموش شده رمی است و آن را پیش از روزهای تشریق بگذارد، واجب است به احتیاط آن را در فردای آن روز قضا نماید و چنانچه در روزهای تشریق بگذارد در صورت توانایی باید خود قضای آن را بیاورد و در غیر این صورت نایب بگیرد تا آن را در روز عید سال دیگر انجام دهد. و اگر ذبح را فراموش کند و قربانی را در شب یازدهم قضا نماید باید به احتیاط ذبح را در روز نیز انجام دهد و در صورتی که حلق را فراموش کند، کفایت آوردن آن در شب یازدهم خالی از قوت نیست.

* * *

«نکونام»: اگر ذبح را در شب انجام دهد، کفایت می‌کند و لازم نیست در روز قربانی نماید.

□ □ □ □

س ۱۱۸۴ - در این اواخر، جمره‌ی عقبه را به صورت دیوار عریض سیمانی درآورده‌اند و در وسط آن، ستونی سنگ‌چین است که می‌گویند سنگ‌ریزه را

باید به همان قسمت سنگ‌چین بزنند و به دیوار سیمانی کافی نیست با این که اوایل امر چنین نبوده و شاید در آینده نیز چنین نباشد، آیا حکم آن چنین است؟
ج - قدر متیقن از اجزاء، همان مقدار سنگ‌چین است و زاید بر آن مورد شک است.



□ قربانی

س ۱۱۸۵ - کسانی که حج استحبابی بجا می‌آورند؛ مانند بیش‌تر کاروان‌دارها و راهنمایان که حج واجب خود را در سفر اول انجام داده‌اند و از کسی نیز نایب نشده‌اند، در صورتی که نیت حج تمتع کرده باشند آیا قربانی در منی برای آنها لازم است یا چون حج آنان استحبابی است، می‌توانند قربانی را انجام ندهند؟
ج - در حج تمتع، قربانی لازم است و فرقی بین واجب و مستحب آن نیست.



س ۱۱۸۶ - هرگاه ذبح یا نحر در روز عید ممکن نباشد، آیا جایز است رمی و حلق از روز عید تا مناسک منی به تأخیر افتد تا ترتیب آن رعایت شود یا نه؟
ج - در فرض سؤال، رمی را در وقت خود انجام دهد و می‌تواند حلق را در روز عید انجام دهد و قربانی را تأخیر بیندازد.



س ۱۱۸۷ - شخصی در منی گوسفندی خریداری کرده و صاحب گوسفند ادعا داشته سال آن تمام است و در حال حاضر شک می‌کند که سال آن تمام بوده یا نه؟ چنانچه سال آن تمام نبوده، آیا ضرری به حجة الاسلام او وارد می‌آید یا نه؟
ج - در این موارد قول ذی الید با احتمال صدق معتبر است و چنانچه معلوم شود که قربانی واجد شرط نبوده، موجب بطلان حج نیست و اگر بخواهد احتیاط کند کسی را وکیل کند که از طرف او در روز عید آینده قربانی کند.



س ۱۱۸۸ - آیا باید گوشت قربانی را میان مستحقان تقسیم کرد و در صورتی که برای قربانی نایب بگیرد و مطمئن نباشد که نایب، گوسفند نر قربانی کرده یا ماده و هم چنین گوشت آن را میان مستحقان تقسیم کرده یا نه؟ آیا وی باید پس از رسیدن به وطن خود، گوسفند بخرد و آن را قربانی کند و گوشت آن را به مستحقان برساند یا عمل نایب کافی است و لازم نیست دوباره قربانی نماید؟

ج - قول نایب اگر خودش گفت به وظیفه عمل کرده‌ام، کافی است و لازم نیست گوسفند قربانی نر باشد.



س ۱۱۸۹ - چون محل قربان‌گاه را تغییر داده‌اند و تشخیص این که محل فعلی آن از منی است یا از مشعر، مشکل است؛ بنابراین، آیا می‌توان در مکانی فعلی قربانی کرد یا نه؟ و در صورت عدم کفایت، تکلیف چیست؟

ج - برای این که ذبح در منی واقع شود باید حتی الامکان تفحص نماید و قول اهل خبره حجت است و اگر به کلی ذبح در منی میسر نبود، ذبح در وادی محسر مجزی است. ان شاء الله تعالی.



س ۱۱۹۰ - چون محل قربانی را از منی تغییر داده‌اند و در وادی محسر برده‌اند، آیا می‌شود قربانی را در غیر منی انجام داد یا لازم است در خود منی انجام گیرد؟ و چنانچه حج گزار نتوانست ذبح کند، آیا در مکه یا در وطن می‌تواند قربانی کند یا خیر؟

«گلپایگانی»: از قرار مسموع، فعلا هر کس بخواهد در منی قربانی کند مانع نمی‌شوند؛ چون مقداری از مذبح سابق به حال خود باقی است و تا قربانی در منی ممکن است قربانی در غیر منی مجزی نیست. بلی، اگر به کلی ممنوع شود، اقوی کفایت آن است در وادی محسر؛ اگرچه احوط، جمع بین قربانی و روزه است و قربانی در مکه یا وطن مجزی نیست.



«نکونام»: انجام قربانی در مسلخ جدید بسنده است.



س ۱۱۹۱ - گفته می‌شود واجب است صاحب قربانی از قربانی بخورد اما نمی‌توان این امر را در آن هوای گرم با فراهم نبودن وسایل طبخ انجام داد و چه بسا که فردی به نیابت از صد نفر قربانی می‌کند و نمی‌شود از هر گوسفندی بخشی برگیرد یا اگر آن را بیاورد، مخلوط می‌شود، آیا در این صورت می‌توان این واجب را ترک نمود؟

ج - ترک این واجب، در صورت امکان جایز نیست، و بعد از ذبح، مخلوط شدن قربانی‌ها به یک‌دیگر ضرر ندارد.



س ۱۱۹۲ - آیا می‌توان قیمت گوشت گوسفند قربانی را به هر صورت در راه مشروعی مصرف نمود یا نه؟

ج - صرف قیمت آن در مصارف دیگر کافی نیست.



س ۱۱۹۳ - کسی که از فقیری وکالت گرفته تا یک سوم قربانی خود یا دیگران را برای او قبول کند، آیا باید قیمت یک سوم گوسفند زنده را به فقیر بدهد یا یک سوم قیمت گوسفند ذبح شده را؟ چنانچه قیمت ذبح شده مراد باشد، قربانی را در قربان‌گاه به هیچ قیمتی نمی‌خرند، پس این وکالت برای موکل چه فایده‌ای دارد؟

ج - قیمت ثلث ذبح شده را بپردازد و در صورتی که هیچ گونه قیمتی ندارد، ضامن قیمت آن نیست، و در صحت وکالت، رجوع سود مادی به موکل معتبر نیست و همین قدر که وکالت به واسطه‌ی بعضی دواعی عقلائی باشد، صحیح است.



س ۱۱۹۴ - شخصی برای حج نیابتی اجیر شده و وی برای انجام قربانی نایب می‌گیرد، اکنون آیا شخصی که قربانی می‌کند اجیر را قصد کند یا نایب گیرنده‌ی نخست و صاحب حج را؟

«گلپایگانی»: احتیاط آن است که نیت کند که از طرف منوب عنه خودم برای منوب عنه اول قربانی می‌کنم.

* * *

«نکونام»: نخستین کسی را که برای او نایب گرفته‌اند را نیت کند.

□ □ □ □

س ۱۱۹۵ - در روز عید در منی پیش از آن که قربانی را ذبح کند، چیزی به عهده‌ی وی نیست و بعد از ذبح، قربانی قیمتی ندارد، آیا در این صورت لازم است برای احتیاط سهمیه‌ی فقیر را حساب و مصالحه نماید یا خیر؟

ج - با فرض این که قیمت ندارد و فقیر مؤمنی نباشد که آن را اگر به او صدقه بدهند قبول کند، رعایت این احتیاط واجب نیست.

□ □ □ □

س ۱۱۹۶ - قربانی و ذبح آن در شب یازدهم جایز است یا خیر؟
«گلپایگانی»: ذبح در شب یازدهم بنا بر احوط جایز نیست و اگر در روز عید ذبح نکرد، روز یازدهم ذبح نماید.

* * *

«نکونام»: انجام ذبح در شب یازدهم جایز نیست، بلکه با ناتوانی در روز دهم، باید این کار در روز یازدهم انجام گیرد.

□ □ □ □

س ۱۱۹۷ - اگر از روی غفلت یا جهل به مسأله، گوسفند بی شاخی (کل) را در روز عید قربانی کرده باشد و سپس به مسأله توجه پیدا کرده، آیا در صورت توانایی، واجب است حج را اعاده کند یا چنانچه قربانی بفرستد کافی است؟

ج - لازم نیست مجدداً حج برود، فقط قربانی صحیح بفرستد کافی است.

□ □ □ □

س ۱۱۹۸ - مردی دو گوسفند قربانی خریده که یکی را برای خود و دیگری را برای همسر خویش ذبح کند، آیا تعیین قربانی لازم است یا نه؟
ج - بلی، تعیین لازم است و بدون آن کفایت نمی‌کند.

□ □ □ □

س ۱۱۹۹ - قربانی را باید در موقع ذبح رو به قبله کرد، حال آیا باید آن را به طرف راست یا چپ بخوابانند یا ذبح آن در حالت ایستاده نیز جایز است؟
ج - ظاهراً تفاوت نمی‌کند.

□ □ □ □

س ۱۲۰۰ - آیا حج‌گزار پیش از انجام قربانی خود می‌تواند برای دیگری قربانی کند یا نه؟
ج - مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۱۲۰۱ - اگر در حال احرام عملی از او سرزند که موجب کفاره است، حیوان کفاره را باید در کجا ذبح یا نحر کند؟

«گلبایگانی»: در احرام عمره‌ی تمتع احوط آن است که در مکه ذبح یا نحر نماید و اگر در احرام حج است باید در منی نحر یا ذبح کند و اگر عمداً یا از روی فراموشی در این دو مکان ذبح نکرد، در صورت امکان باید نایب بگیرد که از طرف او در منی یا مکه ذبح نماید و اگر ممکن نشد، در شهر خودش یا در جای دیگر رجاء ذبح نماید.

* * *

«نکونام»: حکم احتیاطی یادشده لازم است به همان ترتیبی که در متن آمده مراعات گردد.

□ □ □ □

س ۱۲۰۲ - آیا رعایت شرایط حیوان قربانی در حیوان کفاره نیز لازم است یا خیر؟
ج - احتیاطاً مستحب رعایت آن شرایط است.

□ □ □ □

س ۱۲۰۳ - آیا در حال ضرورت یک نفر می‌تواند به نیابت از چند نفر قربانی نماید؟

ج - در قربانی، مباشرت شرط نیست و می‌تواند وکیل انجام دهد؛ هرچند ضرورت نباشد، لکن باید در حین قربانی قصد کند که این گوسفند قربانی زید است؛ مثلاً اگر چند گوسفند به قصد چند نفر قربانی کند، بدون قصد تعیین صحیح نیست.

□ □ □ □

س ۱۲۰۴ - شخصی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف همسر یا شخص دیگری قربانی می‌نماید به این گمان که اذن ضمنی از او دارد و مطمئن است که وقتی به وی بگوید راضی است و خوشحال نیز می‌شود، این چنین قربانی کفایت می‌کند یا نه؟

ج - مجزی نیست.

□ □ □ □

□ بیتوته در منی

س ۱۲۰۵ - آیا زن‌ها می‌توانند شب دوازدهم ذی الحجه رمی جمرات بنمایند و همان شب به مکه بروند و دیگر به منی باز نگردند یا باید مانند مردان تا ظهر در منی بمانند؟

ج - باید مانند مردان تا ظهر روز دوازدهم در منی بمانند.

□ □ □ □

س ۱۲۰۶ - اگر حج‌گزار در روز عید برای انجام طواف از منی به مکه رود و در بازگشت به سبب ترافیک نزدیک نصف شب یا بعد از نصف شب به منی رسد، آیا کفاره بر او واجب است یا نه؟

ج - بر حاج واجب است از اول شب تا نصف آن در منی بماند و در فرض سؤال که به علتی در مقداری از شب ترک بیتوته نموده و بقیه را بیتوته کرده، کفاره واجب نیست.

□ □ □ □

س ۱۲۰۷ - حج گزار می تواند در شب یازدهم و دوازدهم بعد از نصف شب برای بقیه‌ی اعمال حج به مکه برود و احتیاط آن است که پیش از طلوع فجر داخل مکه نشود. حال، اگر وی بعد از طلوع فجر داخل مکه شود به ازدحام جمعیت برخورد می کند و هوا گرم می شود و انجام طواف حج و طواف نسا برای وی مشکل می گردد، آیا جایز است وی اعمال حج را پیش از طلوع فجر شروع نماید؟ ج - بلی، می تواند قبل از طلوع فجر مشغول طواف شود و عمل به احتیاط، واجب نیست.



دیگر مسایل حج

س ۱۲۰۸ - شخصی که در اول ماه ذی حجه وارد مکه شده، آیا بعد از پایان عمره‌ی تمتع و پیش از انجام حج تمتع می تواند عمره‌ی مفرده انجام دهد یا نه؟ هم چنین آیا وی بعد از اعمال حج تمتع می تواند بی درنگ عمره‌ی مفرده را انجام دهد یا نه؟

ج - بعد از احرام عمره تمتع، جایز نیست بدون حاجت از مکه بیرون برود و جایز نیست قبل از حج، عمره‌ی مفرده بجا آورد؛ ولی بعد از اتمام حج تمتع، عمره‌ی مفرده جایز است و فاصله لازم نیست.



س ۱۲۰۹ - اگر حمله دار یا فردی از کارگران کاروان حج، برای اجاره‌ی منزل به مکه بروند و در مسجد تنعیم به نیت عمره‌ی مفرده، محرم شوند و بعد از اعمال عمره به جده یا به مدینه مراجعت کنند دوباره برای اعمال حج و عمره تمتع از میقات محرم شوند جایز است یا خیر؟

«گلبایگانی»: مانعی ندارد؛ به شرط آن که اجیر برای حج تمتع بلدی نباشد بنا بر احتیاط.



«نکونام»: چنانچه برای انجام حج بلدی اجیر نشده باشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۱۲۱۰ - اگر کسی عمره‌ی مفرده را از روی ناآگاهی بعد از عمره‌ی تمتع و پیش از حج بجا آورد، تکلیف او نسبت به حج چیست؟

ج - باید حج تمتع را بجا آورد و حج او صحیح است.

□ □ □ □

س ۱۲۱۱ - شخصی که پیش از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی کوچ کرده و بعد از ساعتی برای نمونه به منی می‌رود، آیا واجب است شب را بماند و رمی جمرات را در فردای آن روز بگذارد یا نه؟

ج - واجب نیست.

□ □ □ □

س ۱۲۱۲ - زنان، پیرمردان، بیماران و کسانی که از مشقت و ازدحام ترس دارند، آیا جایز است شب دوازدهم بعد از بیتوته در منی، رمی جمرات را شبانه انجام داده به مکه‌ی معظمه بروند و دیگر به منی باز نگردند یا خیر؟

«گلبایگانی»: جایز است.

* * *

«نکونام»: زن در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم، حکم مرد را دارد؛ بنابراین، اگر به سبب عذری نتواند در روز رمی نماید و رمی را در شب دوازدهم انجام دهد، نمی‌تواند پیش از ظهر از منی کوچ کند، مگر آن که برای ماندن تا بعد از ظهر عذری داشته باشد.

□ □ □ □

س ۱۲۱۳ - هرگاه کسی که نمی‌تواند وارد مکه شود و مصدود شمرده می‌گردد و نمی‌تواند طواف بگذارد و در عمره‌ی مفرده به سبب ندانستن مسأله، در قربان‌گاه ذبح و تقصیر ننمود و بعد از بازگشت به وطن، مسأله را دانست، تکلیف وی نسبت به خروج از احرام چیست؟

ج - در هر جا متذکر شد؛ چنانچه فرستادن هدیه به مکه یا منی ممکن

باشد، بفرستد و اگر فرستادن هدی به مکه یا منی ممکن نباشد، در محل تذکر ذبح کند و تقصیر نماید و از احرام خارج شود.



س ۱۲۱۴ - شخصی وصیت کرده که بخشی از ملک وی را بفروشند و دو حج برای خود و پدرش خریداری کنند و اکنون ملک مورد وصیت زاید بر قیمت دو حج است، آیا واجب است مبلغ افزوده را در امور خیر دیگر؛ مانند نماز و روزه مصرف کنند یا به ورثه باز می‌گردد با این که تمام ملک مورد وصیت، از یک سوم مال وی بیش تر نیست؟

ج - در این صورت ممکن است بر کیفیت حج بیفزایند؛ مثل این که شرط کنند بعض مستحبات انجام داده شود یا شخصی را که عالم تر به مسایل و احکام باشد، استیجار نمایند و اگر باز هم زیاد آمد، ملک ورثه است.



س ۱۲۱۵ - اگر شخصی در دو سال مجاورت خود در مکه مستطیع شود یا در وطن خود مستطیع شود و بخواهد حجة الاسلام را بعد از داخل شدن در سال چهارم مجاورت انجام دهد، آیا حج تمتع بجا آورد یا افراد؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال که استطاعت در بین دو سال مجاورت حاصل شده، واجب است حج تمتع بجا آورد، لکن اگر بعد از گذشتن دو سال حج را بجا آورد، اولی مراعات احتیاط است.



«نکونام»: بر وی به هر حال انجام حج تمتع واجب است.



س ۱۲۱۶ - شخصی که وجوهاتی مانند خمس، زکات و مظالم در مال وی هست آیا می‌تواند فقط وجوه مالی هزینه‌ی سفر حج را بپردازد یا باید وجوه همه‌ی اموال خود را بپردازد؟ و در این صورت، آیا حج او صحیح است یا نه؟

ج - تصرف در مالی که خمس به آن تعلق گرفته، قبل از ادای خمس جایز

نیست و با ادای خمس مقداری که می خواهد خرج سفر مکه کند، منع از تصرف رفع نمی شود. بلی، اگر تمام آن پول را به عنوان خمس به مجتهد بدهد و چهار خمس آن را مثلاً قرض نماید، تصرف در آن جایز است و با ندادن خمس متعلق به مال، اگرچه معصیت نموده، لکن اگر لباس احرام و نعلین در حال سعی و پول قربانی از غیر مال متعلق خمس باشد یا این که آن‌ها را به ذمه خریده باشد، حج او صحیح است.



س ۱۲۱۷ - اگر در سال چهارم مجاورت خود در مکه مستطیع شود و پیش از اتیان حج واجب، در حالی که از مجاورت اعراض نموده، به وطن خود باز گردد، آیا حج تمتع بر او واجب است یا افراد؟
ج - حج افراد بجا آورد.



س ۱۲۱۸ - آیا زنی که حیض شده و تا پیش از هشتم ماه پاک نمی شود می تواند بجای آن که حج افراد بجا آورد برای عمره‌ی تمتع نایب بگیرد و برای حج تمتع محرم شود یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر نمی تواند اعمال عمره را بجا آورد و وقوف عرفات را درک کند، لازم است حج افراد بجا آورد و اگر محرم به احرام تمتع شده، عدول به افراد نماید و بعد از حج، عمره‌ی مفرده بجا آورد.



س ۱۲۱۹ - آیا همه‌ی بیابان عرفات، مشعر و منی حرم به شمار می رود یا عرفات، خارج از حرم است؟

ج - حدود حرم مشخص است. عرفات جزو حرم نیست و منی و مشعر جزو حرم است.



س ۱۲۲۰ - آیا انسان در عمره‌ی مفرده یا عمره‌ی تمتع یا حج تمتع می‌تواند اعمال را با فاصله انجام دهد و برای نمونه، یک روز طواف کند و روز دیگر نماز آن را بخواند و روز دیگر سعی و روز دیگر تقصیر و روز دیگر طواف نسا را بجا آورد یا نه؟

ج - اگر چنین کند، عمل صحیح است، لکن در بعضی صور مثل تأخیر نماز از طواف معصیت کرده است.



س ۱۲۲۱ - اگر کسی در سال استطاعت به قصد این که مکه را وطن قرار دهد، بدون اعراض از وطن اصلی به مکه مشرف شود، آیا باید حج تمتع انجام دهد یا افراد؟ ج - تمتع بجا آورد.



س ۱۲۲۲ - استطاعت نسبت به حج مندور مقدمه‌ی وجوب است یا مقدمه‌ی واجب یا میان نذر حجة الاسلام و نذر غیر آن تفاوتی هست؟

ج - اگر نذر حجة الاسلام باشد، استطاعت شرط وجوب حج است و موجب تحقق نذر، و اگر نذر غیر حجة الاسلام باشد، استطاعت شرعی نه شرط وجوب حج است و نه شرط صحت نذر، بلکه قدرت عقلیه بر حج، شرط صحت و انعقاد نذر است.



س ۱۲۲۳ - سجده کردن بر سنگ‌هایی که مسجد الحرام و مشاهد مشرفه به آن فرش شده که برخی سنگ مرمر و بعضی از غیر آن است، جایز است یا خیر؟

ج - بلی، جایز است و معادنی که سجده بر آن‌ها جایز نیست معادنی است که عرفاً بر آن‌ها زمین گفته نمی‌شود؛ مثلاً طلا و نقره و عقیق و مس و سایر فلزات.



س ۱۲۲۴ - روزه گرفتن در روزهای تشریق جایز است یا نه؟

ج - بر کسی که در منی باشد حرام است.

□ □ □ □

س ۱۲۲۵ - حج شخصی که مؤسس سینماست و امسال به حج مشرف شده و در مراجعت از حج، باز همان کار را ادامه می‌دهد، چه حکمی دارد؟

ج - تأسیس و بنای مؤسساتی که سبب گمراهی و فساد اخلاق جامعه‌ی اسلام است و کمک به آن به هر نحو باشد، حرام است. امید است ان شاء الله شخص مذکور با مشاهده‌ی نمونه‌های عالم قیامت، از این اجتماع دینی در مکه‌ی معظمه متنبه گردد و مخصوصاً آتش سوزی وادی منی سبب عبرت و بیداری او بشود و توجه او هم‌چنان به خداوند قهار جلب شود که از روی حقیقت از گناهان گذشته توبه کند و توبه‌ی خود را نشکند و هم‌چنان که سزاوار و شایسته‌ی مسلمانان حقیقی است موافق رضای حق تعالی عمل کند.

□ □ □ □

س ۱۲۲۶ - عبور از زیر پلهایی که در مسیر ساخته‌اند جایز است یا نه؟

«گلپایگانی»: صدق استتلال مشکل است و از مورد مذکور انصراف دارد.

* * *

«نکونام»: آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است؛ بنابراین، عبور از زیر پلهایی که در مسیر واقع شده است یا بودن در خودرویی که در پمپ بنزین در زیر سقف متوقف می‌شود اشکال ندارد، و کفاره بر عهده‌ی آنها نمی‌آید.

□ □ □ □

س ۱۲۲۷ - پیش از این، مسجد الحرام را با سنگ‌هایی مفروش کرده‌اند که حرارت آفتاب را به خود نمی‌گیرد و بعضی می‌گویند این سنگ‌ها مصنوعی و از مواد

مخصوصی است، آیا در صورت شک در سنگ بودن، سجده بر آن صحیح است یا خیر؟

ج - این فرع مربوط به تشخیص موضوع است. اگر دو نفر ثقه‌ی عارف، شهادت به سنگ بودن بدهند، کافی است.

□ □ □ □

س ۱۲۲۸ - آیا قاعده‌ی تجاوز در اعمال و افعال عمره و حج جاری است یا خیر؟
ج - بلی، جاری است.

□ □ □ □

س ۱۲۲۹ - آیا حج گزار، خود می تواند از گوشت گوسفندی بخورد که به عنوان کفاره پرداخت می نماید؟
ج - خودش نمی تواند بخورد.

□ □ □ □

س ۱۲۳۰ - کسی که اعمال منی را انجام داده و صبح دوازدهم برای کاری به مکه آمده، آیا لازم است پیش از ظهر برای نفر بعد از ظهر به منی باز گردد یا خیر؟
ج - اگر قبل از ظهر نفر کرد، ضرری به حج او نمی رسد؛ هر چند عمدا باشد، ولکن معصیت کرده و لازم است در صورت امکان، قبل از ظهر به منی برگردد و در صورت جهل و نسیان، چیزی بر او نیست.

□ □ □ □

س ۱۲۳۱ - انجام عمره‌ی مستحبی به قصد خود و دیگری صحیح است یا خیر؟
«گلیایگانی»: صحت آن بعید نیست.

* * *

«نکونام»: درست است.

□ □ □ □

س ۱۲۳۲ - کسی که در مسجد الحرام برای حج تمتع احرام می‌بندد و چون فاصله‌ی منزل وی تا مسجد یک یا دو فرسخ است و در ماشین سقف‌دار سوار می‌شود و به خانه می‌آید و از آن‌جا به عرفات عازم می‌شود، آیا رفتن به زیر سایه‌ی سقف آن ماشین کفاره دارد یا خیر؟

«گلبایگانی»: جواز استظلال در فرض سؤال بعید نیست؛ هرچند احتیاط در ترک است.

* * *

«نکونام»: اگر بر خودرو سقف‌دار سوار می‌شود، باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بپردازد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی‌شود. همین حکم در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن ثابت است. بله، بعد از آن که محرم به منزل رسید؛ هرچند در محله‌های جدید مکه باشد که از مسجد الحرام دور است، برای رفتن به مسجد الحرام می‌تواند در ماشین‌های سقف‌دار سوار شود یا زیر سایه رود.

□ □ □ □

س ۱۲۳۳ - در حال حاضر مسجد تنعیم به مکه متصل بلکه داخل در آن است، آیا برای کسی که بعد از حج، جهت عمره‌ی مفرده محرم می‌شود، چون آن‌جا منزل محسوب می‌شود، استظلال جایز است یا نه؟

«گلبایگانی»: در مورد سؤال، احتیاطاً استظلال نکند.

* * *

«نکونام»: پیش از این گذشت که بعد از آن که محرم به منزل رسید؛ هرچند در محله‌های جدید مکه باشد که از مسجد الحرام دور است، برای رفتن به مسجد الحرام می‌تواند در ماشین‌های سقف‌دار سوار شود یا زیر سایه رود.

□ □ □ □

س ۱۲۳۴ - آیا کفاره‌ی احرام عمره یا حج را می‌توان در وطن ذبح نمود و به فقیر داد یا خیر؟

ج - اگر ایصال کفاره به فقیر در حج مشکل باشد، مانع ندارد که در وطن ذبح کند و به فقیر بدهد.

□ □ □ □

س ۱۲۳۵ - کفاره‌ای که در احرام عمره یا حج واجب شده را در چه اموری باید مصرف نمود؟

«گلبایگانی»: مصرف کفاره، فقیر غیر سید است و اگر دهنده‌ی کفاره سید باشد، جایز است که کفاره را به سید فقیر بدهد و بنا بر احتیاط واجب باید فقیر مؤمن باشد.

* * *

«نکونام»: کفاره را تنها می‌توان به فقیر مؤمن و شیعی داد.

□ □ □ □

س ۱۲۳۶ - در موردی که عمره‌ی تمتع فاسد می‌شود؛ مثل مورد آمیزش پیش از سعی، چنانچه فرصت برای اتمام و اعاده باقی باشد و با این حال عمره‌ی فاسد را تمام نکنند و به اعاده‌ی عمره بسنده نمایند، کافی است یا خیر؟

«گلبایگانی»: اگرچه ممکن است گفته شود که عمل مزبور صحیح و مجزی از حجة الاسلام است، لکن احتیاط آن است که حج تمتع را در سال بعد اعاده نماید و یک عمره‌ی مفرده هم به قصد مافی الذمه بجا آورد.

* * *

«نکونام»: اعاده‌ی عمره کافی است و انجام آن در سال آینده لازم نیست.

□ □ □ □

س ۱۲۳۷ - در مورد جماع پیش از سعی در عمره‌ی تمتع یا هر موردی که عمره فاسد شده باشد، در صورتی که فرصت به پایان رساندن آن نباشد، در کتاب

مناسک آمده است که آن عمره‌ی فاسد را قطع کند و آن را اعاده نماید، حال قطع آن چگونه است: آیا به تقصیر و محرم شدن دوباره است یا اعمال عمره را دوباره با همان احرام قبلی انجام دهد؟

«گلیپگانی»: ظاهراً مراد از قطع، رها کردن عمره‌ی فاسده و از سر گرفتن عمره است به رفتن به میقات و محرم شدن از میقات و بهتر آن است که رجاء محرم شود و عمره را انجام دهد و اگر سال بعد هم حج نماید، اولی و احوط است.

* * *

«نکونام»: چنانچه وقت باقی نیست، آن را رها کند و سپس اعاده نماید و گزاردن آن در سال آینده لازم نیست.

□ □ □ □

س ۱۲۳۸ - از برخی شنیده‌ام که هنگامی که حج گزار از مکه باز می‌گردد تا چهار ماه گناهی بر او نوشته نمی‌شود، آیا بر این مطلب روایتی صحیح در دست است یا نه و این روایت چگونه معنا می‌شود؟

ج - بلی، این مضمون در احادیث شریفه وارد شده، ولی در بعض احادیث مقید شده به عدم اتیان کبیره و در بعض دیگر مقید شده به عدم اتیان موجبیه. شیخ الطائفه رحمته الله در تهذیب جلد پنجم صفحه‌ی نوزده و بیست طبع جدید در باب ثواب الحج به سند صحیح از معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام حدیثی روایت کرده که در ذیل آن می‌فرماید: «أنتی لک أن تبلغ ما يبلغ الحاج؟ قال أبو عبدالله علیه السلام: ولا تکتب علیه الذنوب أربعة أشهر، وتکتب له الحسنات إلا أن یأتي بکبیره»؛ بنابراین، گناهانی که در این چهار ماه نوشته نمی‌شود صغیره است و این مطابق است با مفاد آیه‌ی کریمه: «إن تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم» و ثقة الاسلام کلینی رضوان الله علیه در جامع کافی جلد چهارم صفحه دویست و پنجاه و چهار، طبع جدید باب فضل الحج و العمره و ثوابها، به سند خود از سعد

اسکاف از حضرت ابی جعفر علیه السلام روایتی در فضل حاج نقل کرده است که در ذیل آن امام علیه السلام می‌فرماید: «فإذا قضی نسکه غفر الله له ذنوبه وکان ذوالحجّة والمحرّم و صفر و شهر ربیع الأوّل أربعة أشهر تکتب له الحسنات، ولا تکتب علیه السيئات إلا أن يأتي بموجبة، فإذا مضى الأربعة أشهر خلط بالناس»؛ هر چند علامه‌ی مجلسی علیه‌الرحمه در مرآت العقول دو احتمال در «موجبه» داده: یکی آن که مراد کبیره است که موجب آتش است، دیگر آن که گناهی است که موجب کفر شود و فرموده: احتمال اول اظهر است ولی با توجه به روایت معاویه بن عمار اطمینان حاصل می‌شود که مراد از «موجبه»، کبیره است؛ بنابراین، گناهی که نوشته نمی‌شود گناهی است که در کتاب و سنت موجب دخول در آتش نشده باشد. شیخ الطائفة در تهذیب صفحه نوزده جلد پنجم این حدیث را از سعد اسکاف روایت فرموده به عبارتی که با این عبارت اختلاف دارد، و جمله‌ی «إلا أن يأتي بموجبة» را ندارد و ایشان، ذیل حدیث را این نحو روایت فرموده‌اند: «فإذا قضی نسکه غفر الله له بقية ذي الحجّة والمحرّم و صفر و شهر ربیع الأوّل، فإذا مضت أربعة أشهر خلط بالناس» ولی معتمد همان روایت کافی است؛ زیرا معلوم است که در نقل تهذیب، روایت مختصر شده و مثل نقل به مضمون است و علاوه جمله‌ی «إلا أن يأتي بموجبة» از آن اسقاط شده و در دوران امر بین زیاده و نقیصه، اصالت عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه مقدم است و فرضاً هم این دو اصل را حجت بدانیم، در خصوص مورد با توجه به روایت معاویه بن عمار ظاهر این است که این جمله اسقاط شده و نسخه‌ی کافی صحیح است و احتمال این که جمله‌ی «إلا أن يأتي بكبيرة» یا «إلا أن يأتي بموجبة» در این دو روایت از بعضی روایات به عنوان شرح و تفسیر حدیث اضافه شده باشد بسیار بعید است و فرضاً هم این نحو باشد از رحمت و مغفرت و کرم و فضل خداوند متعال بعید نیست که مقرر فرماید تا چهار ماه مؤمنی که حج

بجا آورده مطلق گناهانی که تحت فشار تسویلات نفس و غلبه‌ی هوا از او صادر شده؛ نه به نحو بی‌اعتنایی و استخفاف به امر خداوند، مورد آمرزش واقع شود و کسی نمی‌تواند رحمت واسعه و تفضل خدا را محدود کند. بلی، این حدیث، کسی را که از روی بی‌اعتنایی و استخفاف به امر و نهی خدا معصیت نماید یا این که بخواهد با تشبث به این حدیث، در این چهار ماه، هر گناه و معصیتی را مرتکب گردد شامل نمی‌شود و از ابتدا تا حال هم هیچ کس از این اخبار استفاده نکرده که حاج تا چهار ماه مرخص و آزاد است و با اتکا به این حدیث، مرتکب هر معصیتی بخواهد بشود که این برداشت و تلقی، البته صحیح نیست.



